

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

عنوان

جلسه مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۸۰۰۰۴

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۴/۰۳



پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه

عنوان:

**مشروح مذاکرات شورای نگهبان
جلسه مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ شورای نگهبان**

ویراستاران و مستندسازان:

علی تقی نژاد و عمار امیری آرانی

بازبینان:

دکتر محمد برزگر خسروی و محمد مهاجری

ناظر علمی:

کاظم گوهری اصفهانی

گروه تدوین نظرات و مبانی آراء شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۸۰۰۰۴

تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۰۴/۰۳

پژوهشکده شورای نگهبان



جلسه مورخ ۸/۱۱/۱۳۹۳ شورای نگهبان

فهرست مطالب

۲	مقدمه.....
۳	نطق پیش از دستور.....
۴	لایحه رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور..... اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتح، شهید رجایی، شهید سلیمی، آذربایجان، اصفهان، بندرعباس، تهران، خراسان، رامین، زاهدان، شازند، شاهرود، فارس، لوشان و یزد.....
۱۰۳	اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران توانیر.....
۱۱۴	اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران.....
۱۱۷	اصلاح اساسنامه شرکت سهامی مادر تخصصی مدیریت و ساخت و تهیه کالای آب و برق (ساتکاب).....
۱۱۸	برق (ساتکاب).....
۱۲۰	اصلاح اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی.....

مقدمه

بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی به وسیله شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت مغایرت برای تجدیدنظر به مجلس بازگردانده می‌شود. همچنین به موجب اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس یا هیئت وزیران واگذار کند که در این صورت، این اساسنامه‌ها نیز باید به لحاظ عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به تأیید شورای نگهبان برسند. علاوه بر این، به موجب اصل (۴) قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. تفسیر قانون اساسی نیز به موجب اصل (۹۸) قانون اساسی، بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است.

در راستای اجرای این اصول، کلیه مصوبات مجلس، اساسنامه‌ی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و استفسارهای مربوط به اصول قانون اساسی در جلسات شورای نگهبان مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته و سرانجام در قالب نظریه شورای نگهبان به مراجع مربوطه اعلام می‌شود. بدین‌سان، مشروح مذاکرات جلسات شورای نگهبان به جهت محتوای علمی قابل استفاده‌ی آن برای احاد علاقه‌مندان به این مباحث، به ویژه پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با عنایت به تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت انتشار مشروح مذاکرات شورای نگهبان، گروه تدوین نظرات و مبانی آرای شورای نگهبان، به‌عنوان یکی از شرح وظایف خویش در پژوهشکده شورای نگهبان، آماده‌سازی متون مذاکرات جلسات شورای نگهبان برای انتشار عمومی را در دستور کار دارد. این مهم، در چند مرحله به شرح زیر انجام می‌پذیرد: پس از پیاده‌سازی فایل‌های صوتی جلسات شورای نگهبان، این متون در اختیار کارشناسان گروه قرار می‌گیرد تا از لحاظ فنی و ادبی ویرایش شده و در صورت لزوم، اظهارات اعضای شورا مستندسازی شود. سپس متون ویرایش و مستندسازی شده از لحاظ صحت، اتقان و انطباق با محتوای متون اولیه و همچنین از جهت ویرایشی، مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در نهایت، متون بازبینی شده بار دیگر از جهت مذکور توسط ناظران علمی پروژه، به طور دقیق، از جهت شکلی و محتوایی بررسی می‌شود و سپس منتشر می‌گردد.

پژوهشکده شورای نگهبان امیدوار است با تولید و عرضه‌ی این مجموعه، علاوه بر حرکت در جهت تحقق بخشی از منویات مقام معظم رهبری، خواسته‌ی جامعه‌ی علمی کشور و همچنین مراکز سیاست‌گذاری، تقنینی و اجرایی کشور را پاسخ گفته باشد. مسلماً انتشار و عرضه‌ی چنین آثار علمی می‌تواند ثمره‌ی بیش از سی سال مجاهدت و تلاش شورای نگهبان در پاسداری از شرع و قانون اساسی را در اختیار کلیه علاقه‌مندان، به ویژه محافل علمی و پژوهشی، اعم از دانشگاهی و حوزوی قرار دهد و به غنی‌تر شدن هر چه بیشتر مباحث فقهی و حقوقی در کشور کمک کند.

نطق پیش از دستور

آقای جنتی - بسم الله الرحمن الرحيم. در آستانه‌ی دهه‌ی مبارک فجر هستیم. دهه‌ای که دوباره مسائل انقلاب و مسائل روز و خدماتی که این انقلاب به اسلام و نظام و مردم کرد و موفقیت‌هایی که داشت و پیروزی‌هایی که داشت و در صحنه‌های مختلف، الطاف خداوند شامل شد و بالاخره این مملکت از آن ذلت و خاری تسلیم در مقابل دشمنان خودش آزاد شد و استقلال و عزت خودش را بازیافت، [تجدید خاطره می‌شود]. خداوند ان‌شاءالله روح مقدس امام ما و شهدای انقلاب را شاد فرماید و ما را هم قدردان نعمت‌های خودش و خدمات امام(ره) قرار دهد. [در این ایام، جشن‌های شادی برقرار می‌شود، مردم راه‌پیمایی می‌کنند و دوباره همان شعارهای اصلی انقلاب خودشان را تکرار می‌کنند. به نظر من، برترین این شعارها، تقریباً شعار مرگ بر آمریکا است که نشان می‌دهد که موضع آمریکا [نسبت به انقلاب و نظام اسلامی ما] بدتر شده و موضع ما هم نسبت به آنها، بهتر نشده است، بلکه حتماً بدتر شده است. ما هم در مقابل آن دشمنی‌ها بی‌تفاوت نیستیم. این ایام، برکات زیادی دارد. همین راه‌پیمایی جواب بسیاری از حرف‌های دشمن و مواضع شوم دشمن را می‌دهد و اجمالاً این راه‌پیمایی خیلی پربرکت است و البته مخصوص ایران هم هست که نشان می‌دهد این مردم بعد از سی و پنج سال هنوز زنده هستند و در صحنه هستند و دنبال اهداف انقلاب خودشان هستند. خدا ان‌شاءالله که این دهه را مبارک فرماید و ما را هم قدردان و شاکر نعمت‌های خودش قرار دهد. همچنین تولد حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام را هم دوباره به شما تبریک عرض می‌کنم.

لایحه رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور

منشی جلسه - «لایحه رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور»^۱

ماده ۱- وزارت امور اقتصاد و دارایی موظف است:

الف- ظرف مدت شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، «جدول بدهی‌ها و مطالبات دولت و شرکت‌های دولتی» را در سه طبقه به شرح زیر تهیه و به کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی ارائه کند:

طبقه اول: ...»

آقای مدرسی یزدی - این بند از ماده (۱) را قاعده‌تاً باید خود نمایندگان مجلس به لایحه اضافه کرده باشند.

آقای علیزاده - البته در ماده (۱) لایحه‌ی دولت هم یک چیزهایی مشابه این بوده است. ماده (۱) لایحه‌ی دولت به این صورت بوده است: «ماده ۱- به دولت اجازه داده می‌شود بدهی‌های قطعی خود به اشخاص حقوقی غیر دولتی را که در چارچوب مقررات قانونی مربوط تا پایان سال ۱۳۹۲ ایجاد شده است، از محل

۱. لایحه رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقاء نظام مالی کشور در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۱۴ با قید یک فوریت به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۷ با اصلاحاتی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۹۱/۸۰۵۵۶ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۱ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در سه مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸، ۱۳۹۳/۱۱/۱۵ و ۱۳۹۳/۱۲/۱۶؛ و در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۱/۱۹ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به ترتیب طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۳۸۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۶ و ۹۴/۱۰۲/۲۰۱ مورخ ۱۳۹۴/۱/۲۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۴/۲/۱ مجلس شورای اسلامی، این مصوبه در مرحله‌ی سوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۲/۹ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۴/۱۰۲/۳۷۸ مورخ ۱۳۹۴/۲/۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

مطالبات قطعی دولت (وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی) به میزانی که سالانه به صورت جمعی - خرجی در قوانین بودجه سنواتی منظور می‌شود، تسویه نماید. بدین منظور وزارت امور اقتصاد و دارایی، اسناد تعهدی خاصی را با عنوان اوراق تسویه خزانه صادر و در اختیار اشخاص حقوقی غیر دولتی طلبکار قرار می‌دهد. این اسناد می‌تواند به منظور تسویه بدهی اشخاص یادشده به دولت مورد استفاده قرار گیرد. چنانچه رقم مطالبات اشخاص حقوقی یادشده از دولت بیشتر از مبلغ ردیف اعتباری مربوط باشد، معادل مجموع مطالبات قابل تسویه، به ارقام ردیف‌های جمعی - خرجی یادشده منظور در جداول قانون بودجه سال مربوط اضافه می‌شود.»

آقای رهپیک - این متن، الآن ماده (۲) همین مصوبه است.

آقای علیزاده - بله، این ماده (۱) لایحه‌ی دولت بوده است.

آقای مدرسی یزدی - اصلاً از لحن ماده معلوم است که مجلس این عبارات را اضافه کرده است.

آقای علیزاده - به هر حال، اگر بار مالی نداشته باشد، اشکالی ندارد.

آقای رهپیک - یک قسمت این ماده، بار مالی دارد.

منشی جلسه - «... طبقه اول: مطالبات و بدهی‌های اشخاص حقوقی خصوصی و تعاونی به تفکیک اشخاص

طبقه دوم: ...»

آقای مدرسی یزدی - در این عبارت «حقوقی خصوصی و تعاونی»، کلمه‌ی «تعاونی» عطف به کلمه‌ی «اشخاص» است؟

منشی جلسه - نه، عطف به «اشخاص حقوقی» است.

آقای مدرسی یزدی - گفته است: «بدهی‌های اشخاص حقوقی خصوصی و تعاونی»

آقای اسماعیلی - منظور، «اشخاص حقوقی تعاونی» است.

آقای علیزاده - کلمه‌ی «تعاونی» اصلاً به «اشخاص» بر نمی‌گردد.

آقای مدرسی یزدی - اینکه معنا ندارد!

آقای علیزاده - نه، به «اشخاص» بر نمی‌گردد.

آقای مدرسی یزدی - چرا دیگر.

آقای عزیزاده - کلمه‌ی «تعاونی» خودش [از عبارت «اشخاص حقوقی خصوصی»] جداست.

آقای اسماعیلی - نه، خب تعاونی‌ها هم شخصیت حقوقی دارند دیگر.

آقای مدرسی یزدی - بسیار خب؛ اما «تعاونی» اصلاً شخصیت حقوقی است و نمی‌تواند غیر حقوقی باشد.

آقای عزیزاده - نه، در علم حقوق، «اشخاص حقوقی خصوصی» تعریف خاص خود را دارد و «تعاونی» هم تعریف دیگری دارد.

آقای اسماعیلی - ایشان [= آقای مدرسی یزدی] هم همین را می‌گویند.

آقای مدرسی یزدی - من هم همین را می‌گویم؛ می‌گویم کلمه‌ی «تعاونی»، عطف بر «اشخاص» است.

آقای جنتی - بله، درست است. این عبارت، این مقدار بحث ندارد.

آقای عزیزاده - «تعاونی» عطف به «اشخاص» هم نیست. اشخاص حقیقی یا حقوقی یک عنوان است؛ تعاونی هم یک عنوان دیگر است.

آقای مدرسی یزدی - خب اینکه می‌گویم کلمه‌ی «تعاونی» عطف بر «اشخاص» است، یعنی همین دیگر.

آقای ابراهیمیان - حاج آقا، عبارت «بدهی‌های تعاونی» هم ترکیب خیلی درستی نیست. ما معمولاً نمی‌گوییم «بدهی‌های تعاونی»، بلکه می‌گوییم «بدهی‌های شرکت‌های تعاونی» یا «بدهی‌های بخش تعاونی».

منشی جلسه - «... طبقه دوم: مطالبات و بدهی‌های نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی به تفکیک مؤسسه

طبقه سوم: مطالبات و بدهی‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به تفکیک بانک‌ها.

ب- جدول مزبور باید هر سه ماه یک‌بار به‌روزرسانی شده، به کمیسیون‌های مذکور ارائه شود.

پ- دولت موظف است از سال ۱۳۹۴ به بعد، همزمان با ارائه لایحه بودجه، جدول بدهی‌ها و مطالبات قطعی شده و تعهدات دولت به اشخاص حقوقی خصوصی و تعاونی و مؤسسات عمومی غیردولتی و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری

و تعهدات آنها به دولت را که به تأیید سازمان حسابرسی کشور رسیده است، به مجلس شورای اسلامی ارائه کند.»

آقای مؤمن - مجمع فقهی قم یک تذکری را در مورد این بند (پ) نوشته‌اند^۱ که خلاصه آن این است که در صدر ماده، گفته است که وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است که این بندهای (الف)، (ب) و (پ) را انجام دهد؛ یعنی این بندها را از وظایف وزارت امور اقتصاد و دارایی دانسته است؛ آن وقت در بند (پ) که باید [طبق عبارت صدر ماده]، وزارت امور اقتصاد و دارایی موظف باشد، گفته است «دولت» موظف است! این درست نیست؛ قاعده‌اش این بود که یا [در همه جا، از جمله در صدر ماده] دولت موظف شود، یا اینکه در همه جا وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف باشد. این اشکال را باید درست بکنند. طبق عبارت صدر ماده، همه‌ی بندهای (الف)، (ب) و (پ) جزء وظایف وزارت امور اقتصاد و دارایی است، در صورتی که در بند (پ) گفته است «دولت موظف است».

آقای عزیزاده - چون دولت لایحه‌ی بودجه را به مجلس می‌دهد، این طور نوشته‌اند.

آقای ابراهیمیان - بله، لایحه‌ی بودجه را دولت می‌دهد، نه وزارت اقتصاد و دارایی.

آقای عزیزاده - لایحه‌ی بودجه را باید دولت بدهد.

آقای مؤمن - پس صدر ماده (۱) که نوشته است: «وزارت امور اقتصاد و دارایی موظف است...»، مناسب نیست. «ماده ۱- وزارت امور اقتصاد و دارایی موظف است: الف- ... ، ب- ... ، پ- ...» همه‌ی این بندها را به عنوان وظایف وزارت امور اقتصادی و دارایی برشمرده است.

آقای عزیزاده - بله، از لحاظ ترتیب‌بندی صحیح نیست؛ این طور نباید بگویند. باید یک تقسیم‌بندی دیگری بکنند.

آقای مؤمن - پس باید درستش کنند.

۱. «ظاهر آن است که بندهای (الف)، (ب) و (پ) از وظایف وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌باشد و این ظهور با مفاد بند (پ) تناسب ندارد؛ زیرا معنا این می‌شود که: وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است: ... پ: دولت موظف است از سال ...؛ و لذا لازم است عبارت اصلاح شود.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۲۴۷، مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۷، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/96qsT

آقای علیزاده - بله، این تقسیم‌بندی درست نیست.

آقای مؤمن - آقایان در مجمع فقهی هم همین را نوشته‌اند.

آقای علیزاده - تذکر دهید و بگویید که اگر بند (پ)، جزئی از ماده (۱) و وظایف وزارت امور اقتصادی و دارایی باشد و قسیم بندهای قبلی باشد، اشکال دارد. این بند (پ) نباید جزئی از ماده (۱) باشد.

آقای مؤمن - یعنی اگر بند (پ)، جزئی از آن وظایف وزارت امور اقتصادی و دارایی باشد، این درست نیست. این باید اصلاح شود.^۱

منشی جلسه - «تبصره - به منظور اجرای احکام مذکور در بندهای (ب) و (پ) این ماده، از ابتدای سال ۱۳۹۵ واحد جداگانه‌ای در وزارت امور اقتصادی و دارایی ایجاد می‌شود. این واحد موظف است خلاصه مطالبات، بدهی‌ها و تعهدات دولت را احصاء و ثبت کند و علاوه بر گزارش‌های فصلی، گزارش‌های سالانه جهت ارائه به رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی تهیه نماید. گزارش‌های سالانه باید به تأیید سازمان حسابرسی کشور برسد. معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور موظف است با پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی، نسبت به اصلاح ساختار سازمانی وزارت امور اقتصادی و دارایی با رعایت قوانین و مقررات مربوط اقدام کند. شرح وظایف واحد مزبور مشترکاً توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور تهیه و ابلاغ می‌شود. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است نیروی انسانی واحد مذکور را از محل نیروهای موجود در دولت و اعتبار مورد نیاز آن را از محل اعتبار برنامه تنظیم صورت عملکرد سالانه بودجه کشور تأمین کند.

آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف مدت دو ماه از تاریخ ابلاغ این قانون، به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

آقای علیزاده - این تبصره، خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است.

۱. بند (۱) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۸۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۶ شورای نگهبان: «۱- چون بند (پ) ماده (۱)، جزئی از وظایف وزارت امور اقتصادی و دارایی نیست و باید ذیل بند (الف) ذکر گردد.»

آقای مؤمن - نه، محل تأمین بار مالی آن را پیش‌بینی کرده است؛ گفته است نیروی انسانی واحد مذکور را از محل نیروهای موجود در دولت [و اعتبار مورد نیاز آن را هم از محل اعتبار برنامه تنظیم صورت عملکرد سالانه بودجه کشور تامین کنند].

آقای مدرسی یزدی - این تبصره، در لایحه‌ی دولت نبوده است؟

آقای رهپیک - نخیر. این تبصره، مغایر اصل (۷۵) است دیگر.

آقای علیزاده - شما قبلاً فرمودید و تفسیر کردید که اگر در مصوبه‌ی مجلس ذکر شود که از اعتبارات موجود استفاده کنند، اشکال اصل (۷۵) رفع نمی‌شود.^۱ مگر نگفتید؟! **آقای مؤمن -** چرا؛ گفتیم.

آقای مدرسی یزدی - بله دیگر.

آقای ابراهیمیان - حاج آقا، این به نوعی مداخله‌ی در اجرا هم هست؛ چون درست است که شرح وظایف وزارتخانه‌ها را قانون معین می‌کند، اما ساختار درونی یک وزارتخانه و اینکه مثلاً چند واحد داشته باشد را که نباید «قانون» معلوم کند.

آقای مدرسی یزدی - چه عیبی دارد؟

آقای ابراهیمیان - چنین کاری به مفهوم اجرا نزدیک است. این کار مجلس، دخالت در اجرا است. مجلس می‌تواند با قانون‌گذاری، وظایفی را برای دولت یا وزارتخانه‌ها مشخص کند، اما اینکه مجلس بگوید شما چطور ساختار درونی وزارتخانه‌تان را تعیین کنید، اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - چه عیبی دارد؟

آقای ابراهیمیان - این دخالت در اجرا است.

آقای مؤمن - در این تبصره، گفته است که نیروی انسانی مورد نیازش را از محل نیروهای موجود که در دولت هست تأمین کنند؛ یعنی از این نیروی‌های بیکاری که در دولت داریم برای این کار استفاده کنند.

۱. بند (۱) نظریه‌ی تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ شورای نگهبان: «۱- درج عبارت «از محل صرفه‌جویی» به نحو مطلق و برای مدت نامحدود و بدون تعیین محل و همچنین درج عبارت «پیش‌بینی در بودجه سنواتی» بدون تأمین منبع و نیز درج عبارت‌های «از محل اعتبارات مصوب مربوط» و «از محل اعتبارات مصوب دستگاه»، اگر مستلزم بار مالی جدید بوده، طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید مذکور در اصل (۷۵) قانون اساسی محسوب نمی‌گردد.»

آقای علیزاده - ما قبلاً [در نظریه‌ی تفسیری اصل (۷۵)] گفتیم اینکه مجلس در مصوبه‌اش بگوید از محل بودجه و اعتبارات موجود استفاده کنند، اشکال بار مالی را رفع نمی‌کند.

آقای مؤمن - اگر بنا بر رد کردن این تبصره است، کلیات آن را رد کنیم و الاً اینکه مجلس در این تبصره، یک پیشنهادی داده است و گفته است که نیروی انسانی مورد نیازش را از فلان‌جا بیاورید و مخارجش را هم از فلان‌جا تأمین کنید، چه ایرادی دارد؟

آقای علیزاده - طریقه‌ی تأمین نیروی انسانی را مشخص نکرده است؛ فقط گفته است بیاورید.

آقای مؤمن - نخیر.

آقای مدرسی یزدی - حالا این موضوع مهم نیست؛ چون به هر حال، گفته است نیروی انسانی از این محل تأمین شود؛ حالا دولت از هر کجا که بخواهد، آن را تأمین می‌کند.

آقای علیزاده - محل تأمین پولش، کجا مشخص شده است؟ مجلس برای امسال می‌تواند بگوید که این اعتبار، از بودجه‌ی امسال تأمین شود، اما برای سال‌های بعد را نمی‌تواند بگوید.

آقای مؤمن - نه، می‌گوید همیشه از همان محل [= محل اعتبار برنامه‌ی تنظیم عملکرد سالانه‌ی بودجه‌ی کشور] استفاده کنند.

آقای مدرسی یزدی - اگر نداشته باشد، از کجا بیاورد؟

آقای رهپیک - در اینکه تشکیل این واحد، یک چیز جدیدی است، تردیدی نیست؛ چون گفته‌اند: «واحد جداگانه». این یعنی تا به حال چنین واحدی در وزارت اقتصاد نبوده است و الآن می‌خواهند یک کار جداگانه‌ی جدید و مستقل انجام بدهند. خود مجلس هم می‌داند که تشکیل این واحد، هم بار نیروی انسانی دارد و هم بار مالی؛ لذا خودشان در این تبصره گفته‌اند که این بار از کجا باید تأمین بشود. خوب حالا این محل کجاست؟ گفته‌اند نیروی انسانی این واحد از نیروهای موجود در دولت تأمین می‌شود. خوب حالا مثلاً این نیروی موجود در دولت، باید به این واحد جدید مأمور بشود؟

آقای اسماعیلی - نه، منتقل شوند.

آقای رهپیک - خب، کجا منتقل شوند؟

آقای مؤمن - چرا دیگر؛ این قدر نیروی بیکار در دولت هستند، که می‌توانند چند نفر از آنها را به آنجا منتقل کنند. یعنی نیازی نیست که برای این واحد، از جوان‌های دیگری که می‌خواهند استخدام شوند، استخدام کنند، بلکه می‌گوید همین نیروهای فعلی که در دولت بیکار هستند، همین‌ها به این واحد بروند تا بیکار نباشند. پول مورد نیاز آن را هم گفته است که از آنجا [= از محل اعتبار برنامه‌ی تنظیم عملکرد سالانه‌ی بودجه‌ی کشور] بدهید.

آقای رهپیک - بله، پولش را هم می‌گوید از این ردیف [= محل اعتبار برنامه‌ی تنظیم عملکرد سالانه‌ی بودجه‌ی کشور] بدهید. اما اولاً، الآن ما که نمی‌دانیم مصداق آن چیست؛ ما فعلاً داریم راجع به این «قانون» بحث می‌کنیم. خب الآن فرض بر این است که نیروی موجود دولت، در یک وزارتخانه‌ای و یا در یک معاونتی استخدام است و وظیفه‌ای بر عهده دارد و معلوم نیست که بتوانند آن را آزاد کنند [و به واحد مذکور منتقل کنند]. ثانیاً از نظر منبع تأمین بار مالی، این ردیفی که در اینجا آورده‌اند، برای تخصیص به یک کمیته‌ای است که یک وظیفی دارد. این کمیته، کارش ارائه‌ی گزارش سالانه‌ی بودجه است [و این بودجه هم برای انجام این وظیفه است]؛ اما این تبصره گفته است که از این منبع، برای یک واحد جداگانه‌ای که حالا دارد تأسیس می‌شود، بودجه تخصیص داده شود.

آقای مؤمن - نه، جداگانه نیست.

آقای رهپیک - چرا؛ «واحد جداگانه»، یعنی تا حالا چنین واحدی وجود نداشته که این کار را انجام دهد؛ یعنی این واحد، شرح وظایف جدیدی دارد، نیروی جدید می‌خواهد و وظایفی هم که برای او تعیین کرده‌اند، وظایفی نیست که برای آن کمیته‌ی گزارش سالانه تعیین کرده‌اند. این یک تشکیلات جدیدی است.

آقای مؤمن - نه، این‌طور نیست.

آقای رهپیک - لذا این تبصره، هم بار مالی جدید دارد و هم از نظر [نیروی انسانی و وظایف، جدید است]. خودشان هم گفته‌اند دیگر؛ گفته‌اند «واحد مستقل»؛ گفته‌اند بار مالی هم دارد؛ منتها برای تأمین بار مالی‌اش گفته‌اند بروید آن را از اینجا تأمین کنید.

آقای مؤمن - از کجا؟

آقای رهپیک - از یک جایی که تا الآن، بودجه‌اش برای مصرف دیگری هزینه می‌شده است و نیروی انسانی آن هم، در جای دیگری مشغول به کار بوده است.

آقای مؤمن - جای دیگر نیست؛ تبصره را بخوانید. خود آقایان، برادرانی که خدمت آقای دکتر رهپیک [در پژوهشکده شورای نگهبان] هستند، در همین گزارشی که داده‌اند، این مطلب را نوشته‌اند. خودشان گفته‌اند. آن را بخوانید. در آنجا گفته‌اند که «... به موجب ماده (۱۰۳) قانون محاسبات عمومی،^۱ مقصود از صورت‌حساب عملکرد مالی مشخص شده است».^۲ لذا از همین پول‌هایی که آنجا [= ردیف اعتباری مربوط

۱. ماده (۱۰۳) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۰۳- وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است صورت‌حساب عملکرد هر سال مالی را حداکثر تا پایان آذرماه سال بعد طبق تقسیمات و عناوین درآمد و سایر منابع تأمین اعتبار و اعتبارات مندرج در قانون بودجه سال مربوط تهیه و همراه با صورت گردش نقدی خزانه حاوی اطلاعات زیر:

الف- صورت‌حساب دریافت‌های خزانه شامل:

۱- موجودی اول سال خزانه

۲- درآمدهای وصولی سال مالی مربوط

۳- سایر منابع تأمین اعتبار

۴- واریز پیش‌پرداخت‌های سال قبل

ب- صورت‌حساب پرداخت‌های خزانه شامل:

۱- پرداختی از محل اعتبارات و سایر منابع تأمین اعتبار منظور در قانون بودجه سال مربوط

۲- پیش‌پرداخت‌ها

۳- پیش‌پرداخت‌های سال‌های قبل که به پای اعتبارات مصوب سال مالی منظور شده است

۴- موجودی آخر سال

به طور همزمان یک نسخه به دیوان محاسبات کشور و یک نسخه به هیئت وزیران تسلیم نماید.»

۴. «تبصره‌ی ماده (۱)، مغایرت با اصل (۷۵): ایجاد یک واحد جداگانه در وزارت امور اقتصادی و دارایی به لحاظ اینکه چنین حکمی در لایحه دولت نبوده و از جمله پیشنهادات و اصلاحات نمایندگان نسبت به لایحه دولت می‌باشد و باعث افزایش هزینه‌های عمومی می‌گردد و طریقه پیش‌بینی شده نیز تأمین‌کننده این افزایش هزینه نیست، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشد. توضیح آنکه انجام تکالیف مذکور در این تبصره توسط واحد مزبور مبنی بر احصاء و ثبت خلاصه مطالبات، بدهی‌ها و تعهدات دولت و تهیه و ارائه گزارش‌های فصلی و گزارش‌های سالانه به رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی مستلزم هزینه‌های جدیدی است. از همین رو به موجب ذیل این تبصره به منظور تأمین بار مالی مزبور مقرر شده نیروی انسانی واحد مذکور از محل نیروهای موجود در دولت و اعتبار مورد نیاز آن از «محل اعتبار برنامه تنظیم صورت عملکرد سالانه بودجه کشور» تأمین گردد. لیکن باید توجه داشت که

به برنامه‌ی تنظیم صورت عملکرد سالانه‌ی بودجه‌ی کشور] هست، یک مقدارش را هم اینجا خرج می‌کنند.

آقای ره‌پیک - نه دیگر حاج‌آقا، الآن این ردیف اعتباری را دارند در جای دیگر مصرف می‌کنند.

آقای علیزاده - الآن این ردیف، مصرف دیگری دارد یا نه؟

آقای مؤمن - نه، همین‌ها است؛ بخوانید.

آقای علیزاده - نه، این‌طور نیست. اگر یک‌وقت یک واحد دولتی را منحل کنند و بگویند نیروهای آنجا را در این واحد جدید تعدیل کنید، این درست است؛ اما الآن این تبصره دارد می‌گوید نیروی انسانی این واحد را از هر جایی در دولت بیاورید و بودجه‌اش را هم از این محل که قبلاً برای مصرف دیگری بوده است، تأمین کنید.

آقای مدرسی یزدی - مثل این است که بگویند از نان شب خودت بردار و به این واحد بده.

آقای علیزاده - بله، مثل این است که بگویند نان من را بگیر و به او بده! معنای تأمین اعتبار که این نیست.

آقای ابراهیمیان - وظایف یک وزارتخانه را که می‌توانند اضافه کنند.

آقای علیزاده - بله، می‌شود اضافه کرد؛ اما وزارتخانه برای این واحد، باید ردیف بودجه تعریف کند.

آقای ابراهیمیان - عرض من فقط این است که این تبصره دارد به وزارت اقتصاد

→

اولاً برای هریک از نیروهای انسانی موجود در دولت کارویژه معینی مقرر گردیده است و ثانیاً «محل اعتبار برنامه تنظیم صورت عملکرد سالانه بودجه کشور» دارای مصرف مشخصی می‌باشد و تکلیف مذکور در این تبصره تحت عنوان «تنظیم صورت عملکرد سالانه بودجه کشور» قرار نمی‌گیرد و لذا نمی‌توان محل مزبور را جهت تأمین بار مالی ایجاد واحد جدید در نظر گرفت. لازم به ذکر است که هم‌اکنون به موجب ماده (۱۰۳) قانون محاسبات عمومی، مقصود از صورت حساب عملکرد مالی مشخص شده است و همچنین به موجب قوانین بودجه سنواتی از جمله قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور، ردیفی در جدول مربوط به برآورد اعتبارات دستگاه‌های اجرایی ملی بر حسب برنامه ذیل وزارت امور اقتصادی و دارایی به «برنامه تنظیم صورت حساب عملکرد سالانه بودجه کل کشور» اختصاص یافته است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۱۱۰۳۲ مورخ ۱۱/۷/۱۳۹۳، صص ۲-۴، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/4rFdf

می‌گوید شما در میان کارهایی که دارید انجام می‌دهید، یک گزارش ویژه هم باید انجام بدهید؛ این یک وظیفه است.

آقای مؤمن - بله، همین است.

آقای ابراهیمیان - بعد، برای شیوهی انجام وظیفه گفته است که این کار را با استفاده از نیروهای دیگری که در دولت هستند تأمین کنید؛ یعنی صرفاً با جابه‌جایی نیرو این وظیفه‌ی جدید را عملی کنید.

آقای علیزاده - نه، این که جابه‌جایی نیست.

آقای ابراهیمیان - چرا دیگر؛ از طریق جابه‌جایی نیروهای دیگر دولت انجام می‌شود.

آقای علیزاده - نه، در اینجا که وظیفه‌ی یک واحد دولتی دیگر را کم نکرده است تا وظیفه‌ی این واحد را اضافه کند. اگر این‌طور بود، درست بود.

آقای ابراهیمیان - نه، این وظیفه‌ی تهیه گزارش که یک کار جدید نیست؛ این دارد می‌گوید شما در بین کارهایی که دارید می‌کنید، یک چنین گزارش و جدولی هم برای ما تهیه کنید. البته من بر این اشکالم باقی هستم که در این مصوبه، آن‌قدر در امور یک وزارتخانه ریز شده که دخالت در امور اجرایی محسوب می‌شود.

آقای علیزاده - آن، یک موضوع دیگری است.

آقای ابراهیمیان - به نظر من، این اشکال را دارد، اما از این اشکال که بگذریم، این تبصره دارد می‌گوید که از همان نیروهای دیگرگان در دولت، از جاهای دیگر، برای انجام این وظیفه استفاده کنید.

آقای علیزاده - آقای دکتر [ابراهیمیان]، شما خودتان می‌گویید که تکلیف به ایجاد این واحد، اشکال دارد و مجلس نمی‌تواند در این امر دخالت کند، اما حالا که دارد این واحد را ایجاد می‌کند، می‌گویید بار مالی ندارد؟!

آقای رهپیک - خود دولت می‌گوید انجام این وظیفه، یک تشکیلات عظیمی و یک سازمانی می‌خواهد که این مطالبات را خارج کند، احصاء کند و گزارش‌گیری کند.

آقای علیزاده - این بحث، دیگر روشن است. حضرات آقایانی که ایجاد این واحد را بدون اینکه محلی برای تأمین بار مالی آن پیش‌بینی کند، مغایر قانون اساسی می‌دانند، رأی بدهند.

آقای مؤمن - بار مالی آن را تأمین کرده‌اند.

آقای علیزاده - این محلی که در اینجا پیش‌بینی شده، بار مالی را تأمین نمی‌کند.

حضرات آقایانی که این ایراد را قبول دارند، رأی بدهند.

آقای مؤمن - چرا تأمین نمی‌کند؟

آقای علیزاده - حضرت آیت‌الله شاهرودی، جناب‌عالی رأی می‌دهید؟

آقای هاشمی شاهرودی - به نظر من، این تبصره دارد می‌گوید که از همان نیروها و از همان بودجه‌ی موجود استفاده شود. ممکن است شما بگویید که دولت نمی‌تواند [با این بودجه و با همین نیروها] این کار را بکند؛ اما اینکه بگویید این مصوبه دارد بار مالی ایجاد می‌کند، این‌طور نیست؛ چون نمی‌گوید بار اضافی به دولت تحمیل شود. شما بگویید دولت نمی‌تواند این کار را بکند، بسیار خوب، این بحث دیگری است. در این صورت، دولت این کار را انجام ندهد؛ بگوید من نتوانستم [با این بودجه‌ی فعلی و با همین نیروهای موجود، این کار را انجام دهم]. یعنی وقتی در اینجا دارد می‌گوید دولت از نیروهای موجودش، باید این کار را انجام بدهد، اگر شما می‌گویید دولت نمی‌تواند با این شرایط این کار را بکند، بسیار خوب، به عدم توان دولت اشکال بگیرید، نه اشکال بار مالی اضافی.

آقای مدرسی یزدی - نه، خودش در ذیل تبصره اعتراف می‌کند که انجام این کار، بودجه و اعتبار می‌خواهد؛ لذا می‌گوید از آنجا [= از محل اعتبار برنامه‌ی تنظیم صورت عملکرد سالانه‌ی بودجه‌ی کشور] بردارد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، می‌گوید از بودجه‌ی خودشان بردارند؛ می‌گوید هم نیروی انسانی و هم بودجه را از خودشان بردارند.

آقای مدرسی یزدی - نه

آقای مؤمن - چرا.

آقای علیزاده - ما قبلاً نظر دادیم که اگر در مصوبه‌ای ذکر شود که از اعتبارات موجود استفاده شود، اشکال بار مالی رفع نمی‌شود.

آقای مؤمن - اینجا هم منظور این نیست که از جای دیگر تأمین شود.

آقای جنتی - از جهت نیرو، دولت آنقدر نیروی مازاد دارد که می‌تواند از همین نیروهای مازادش استفاده کند، ولی از جهت تأمین بار مالی، مجلس نمی‌تواند بگوید اعتبار آن را از جای دیگر بردارند؛ چون مسائل مالی هر کدام از واحدهای دولتی، محل مصرف مشخصی دارد.

آقای علیزاده - بسیار خوب، این ایراد رأی نیاورد.

آقای هاشمی شاهرودی - در اینجا محل تأمین بار مالی را از همان محل خرج عملکرد بودجه گذاشته است. خوب در این شرایط، دولت فقط می‌تواند بگوید من با این اعتبار، نمی‌توانم چنین وظیفه‌ای را انجام بدهم.

آقای رهپیک - در اینجا، یک سازمان جدید با یک وظیفه‌ی جدید تأسیس شده است.

آقای مؤمن - چرا اجازه نمی‌دهید تا مطالب خوانده شود تا آقایان نظر بدهند؟ ماده (۱۰۳) قانون محاسبات عمومی را بخوانید. در ماده (۱۰۳) وظایفی را برای این گروه، تعیین کرده و بودجه‌ای هم برای انجام این کار قرار داده است و می‌گوید که این پول‌ها چگونه خرج شود.

آقای رهپیک - خوب ما آن ماده را خواندیم؛ آن هزینه، برای هیچ کدام از این چیزهای جدید نیست.

آقای مؤمن - با آنها تناسب دارد.

آقای اسماعیلی - راجع به این موضوع، رأی‌گیری شد دیگر؛ رأی نیاورد.

آقای مدرسی یزدی - ماده (۱۰۳) قانون محاسبات عمومی را بخوانند.

آقای مؤمن - ما خواندیم.

آقای سلیمی - خود دولت در لایحه‌اش پیشنهادهایی داده بود که انجام بدهد. خوب آنها هم احتیاج به کار داشت. این یعنی خود دولت به این موضوع توجه داشته که این کارها بودجه‌ی مجزایی لازم ندارد. چون در خود لایحه‌ی دولت، یک قسمت‌هایی از این ماده آمده بود و در آنجا گفته بود که این کارها را بکنید.

آقای مؤمن - نه، این موضوع در لایحه دولت نیست.

آقای رهپیک - آن چیزی که در ماده (۱) لایحه آمده است، مربوط به تسویه حساب است [که در ماده (۲) این مصوبه آمده است] و ربطی به این ماده (۱) مصوبه ندارد.

آقای سلیمی - در ماده (۱) لایحه‌ی دولت هم که آقای علیزاده آن را خواندند، آمده بود که دولت می‌خواهد این بدهی‌ها را تسویه و پرداخت کند. خوب، این آیا این کار، بودجه لازم دارد یا ندارد؟ در آنجا دولت خودش پذیرفته است که این کار را [بدون نیاز به بودجه‌ی جدید] انجام دهد. حالا مجلس [با اضافه کردن این ماده،] آمده این موضوع را به این شکل و به این سبک درآورده است که دولت از نیروهای موجود

خودش استفاده کند. حقوق این نیروها از کجا تأمین شود؟ خب، نیروهای موجود در هر جا هستند، حقوق دارند؛ پس از همان حقوق خودشان به آنها بدهید، ولی آنها به اینجا بیایند و این کار را انجام بدهند.

آقای علیزاده - هر کس این تبصره را خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی می‌داند، رأی بدهد. (۶) رأی آورد.

آقای مؤمن - رأی نیاورد.

آقای علیزاده - ما بر خلاف تفسیر شورا [در خصوص اصل (۷۵) قانون اساسی] رأی نمی‌دهیم.

آقای مؤمن - کجای این مصوبه، خلاف تفسیر شورا است؟

آقای علیزاده - شما خودتان در آن تفسیر گفتید که عبارت‌های این چنینی، به معنای تأمین اعتبار نیست.

آقای مؤمن - اگر بنا بر این است، کلیت این ماده را رد کنید.

منشی جلسه - «ماده ۲- دولت موظف است:

الف- حداکثر ظرف مدت شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، بدهی‌های قطعی خود به اشخاص حقیقی و حقوقی تعاونی و خصوصی را که در چهارچوب مقررات مربوط تا پایان سال ۱۳۹۲ ایجاد شده، با مطالبات قطعی دولت (وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی) از اشخاص مزبور تسویه کند. بدین منظور وزارت امور اقتصادی و دارایی، اسناد تعهدی خاصی را با عنوان «اوراق تسویه خزانه» صادر می‌کند و در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی طلبکار و متقابلاً بدهکار قرار می‌دهد. این اسناد صرفاً به منظور تسویه بدهی اشخاص یادشده به دولت مورد استفاده قرار می‌گیرد. جمع مبلغ اوراق تسویه خزانه که به موجب این ماده صادر می‌شود و در اختیار طلبکاران قرار می‌گیرد، به صورت جمعی - خرجی در بودجه‌های سنواتی درج می‌شود.

ب- همه‌ساله به میزان مابه‌التفاوت مطالبات قطعی اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی از دولت و شرکت‌های دولتی و بدهی قطعی شده آنان به دولت و شرکت‌های دولتی، در لایحه بودجه سالانه، انتشار «اوراق صکوک اجاره»

را پیش‌بینی نماید. اوراق مزبور قابل معامله در بازار ثانویه است. آیین‌نامه اجرایی نحوه انتشار اوراق صکوک اجاره، بازپرداخت سود و تضمین آن حسب مورد توسط دولت و شرکت‌های دولتی ذی‌ربط، ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون، به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

آقای علیزاده - منظور از این اوراق چیست؟ آقای دکتر [ره‌پیک]، اصلاً «اوراق صکوک اجاره» سابقه دارد؟

آقای مدرسی یزدی - اصلاً مرادشان از این اوراق چیست؟

آقای مؤمن - یادتان هست که خودتان از آقای تسخیری پرسیدید که آیا اینها خلاف شرع است یا نیست، که ایشان گفت خلاف شرع نیست.

آقای علیزاده - بله، «اوراق صکوک» داشته‌ایم، اما «اوراق صکوک اجاره» هم داشتیم؟

آقای مدرسی یزدی - اصلاً «صکوک اجاره» چیست؟

آقای علیزاده - آیا معلوم است که چه چیز را می‌خواهند اجاره بدهند؟

آقای ره‌پیک - الان اوراق صکوک، اقسام مختلفی دارد؛ یک بخشی از آن «اوراق صکوک اجاره» است و موارد دیگری هم دارد که عناوین دیگری دارد.

آقای علیزاده - پس چرا در اینجا، تازه دارد می‌گوید برای آن آیین‌نامه بنویسند؟

آقای مؤمن - منظور این است که آیین‌نامه‌ی اجرایی این بند را بنویسند.

آقای علیزاده - بله.

آقای ره‌پیک - این احکام، الان دارد اجرا می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال الان در این مصوبه، «اوراق صکوک اجاره» آمده است و ما باید بررسی کنیم که آیا این اوراق، شرعی است یا غیر شرعی.

آقای علیزاده - آن اوراق صکوک‌کی که قبلاً داشتیم، اوراق صکوک اجاره نبوده است.

آقای مدرسی یزدی - صکوک مطلق بود.

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی یزدی - در آنجا هم که مطلق آمده بود، آقایان حاضر نشدند که ماهیت آن را بررسی کنند؛ ولی الان دیگر، خیلی ریز شده است.

آقای علیزاده - «اوراق صکوک» را که آقایان فقها بررسی کردند.

آقای مدرسی یزدی - نه، بررسی نکردند.

آقای علیزاده - ولی الآن واقعاً اوراق صکوک اجاره نیست که چیست.

آقای رهپیک - یعنی آن را داخل عقد اجاره می‌برند دیگر.

آقای علیزاده - چه چیز را داخل عقد اجاره می‌برند؟

آقای رهپیک - در واقع آن سودی که می‌خواهند بدهند را در قالب عقد اجاره می‌دهند.

آقای علیزاده - یعنی منظورشان اجاره‌ی پول است؟

آقای رهپیک - نه، اجاره‌ی اموال است.

آقای علیزاده - اگر اجاره‌ی پول باشد که ربا است و اشکال دارد.

آقای رهپیک - نه، اجاره‌ی اموال است.

آقای علیزاده - من متوجه نمی‌شوم.

آقای ابراهیمیان - حالا در این بند، مجلس بعضی از امور مربوط به این اوراق را به

تصویب «آیین‌نامه» حواله داده است. به نظر من ما باید روی این موضوع هم تمرکز کنیم

و ببینیم دقیقاً ماهیت این اوراق چیست؛ چون شاید لازم باشد به این موضوع هم ایراد

بگیریم که این موارد را باید در «قانون» بیاورند، نه آیین‌نامه. چون واقعاً آن این است

که صکوک به معنای واقعی آن، مثل همان عملیات بانکی بدون ربا است که در ایران،

واقعاً جریان ندارد، بلکه همه‌ی اینها فقط یک پوشش [برای اخذ و پرداخت ربا] است.

آقای علیزاده - این بند در لایحه‌ی دولت هم نبوده است.

آقای رهپیک - نه، عناوین این اوراق و تعاریف آنها در آیین‌نامه‌هایی که برای بانک‌ها

تصویب شده است، آمده است. اوراق اجاره، اوراق صکوک اجاره و ... در آنجا

تعریف شده است.

آقای یزدی - «اوراق صکوک اجاره» یعنی چه؟

آقای علیزاده - این موضوع را نمایندگان مجلس اضافه کرده‌اند. ما هم واقعاً نمی‌دانیم

ماهیت این اوراق چیست.

آقای مؤمن - «صکوک» جمع «صک» است.

آقای علیزاده - این را می‌دانم، اما نمی‌دانم «اوراق صکوک اجاره» چیست؟

آقای رهپیک - الآن تعریف آن را روی صفحه‌ی نمایشگر آورده‌ام ...

آقای مؤمن - می‌خواهید از آقای تسخیری بپرسید.

آقای علیزاده - مردم که نمی‌توانند از آقای تسخیری بپرسند! اینها باید در خود «قانون»، تعاریف این اوراق را بیاورند تا ببینیم منظورشان از این اوراق چیست.

آقای رهیک - تعاریف اینها تا به حال، در «قانون» نیامده است.

آقای علیزاده - اینها باید در خود قانون تعریف شود. قانون‌گذار خودش باید بگوید که منظور من از «اوراق صکوک اجاره» چیست، تا ما بفهمیم منظورش چیست.

آقای مؤمن - در نظر شما بنویسید چون ما نمی‌دانیم «صکوک اجاره» چیست، نمی‌توانیم راجع به این موضوع اظهار نظر کنیم. این همانند تا آن را تعریف کنند و منظور از آن را بفهمیم.

آقای علیزاده - بله، من هم همین را می‌گویم. به مجلس بگوییم منظورتان از «اوراق صکوک اجاره» چیست؛ این موضوع را روشن کنید تا ما بتوانیم راجع به آن اظهار نظر کنیم.

آقای هاشمی شاهرودی - تعریفی که اینجا آورده‌اند، تعریف خوبی است؛ ولی حالا آیا واقعاً این، تعریف صکوک اجاره است یا نه، نمی‌دانیم. اینجا گفته است: «صکوک اجاره، اوراق بهاداری است که بیانگر مالکیت مشاع فرد است و می‌توان آن را در بازار ثانویه به قیمتی که بر اساس عامل‌های بازار تعیین می‌شود، معامله کرد.»

آقای علیزاده - این تعریف را در آیین‌نامه آورده‌اند.

آقای رهیک - اینها کلاً فقط در آیین‌نامه آمده است و «قانون» ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - نوشته است که مدت اجاره‌بها و اینها باید معین بشود و فقط در خصوص اجاره‌ی ملک مشاع است. اگر معنای صکوک اجاره، همین باشد، واقعاً درست است.

آقای علیزاده - اگر ما بگوییم که تعریف این اوراق می‌تواند بر اساس آنچه در آیین‌نامه می‌آید باشد، فردا دولت می‌تواند آن آیین‌نامه را تغییر دهد.

آقای رهیک - بله، درست است.

آقای علیزاده - اما مجلس باید در خود قانون، «صکوک اجاره» را تعریف کند؛ تعریف اینها در آیین‌نامه، کافی نیست؛ چون دولت فردا می‌تواند آن تعریف را تغییر دهد، آن وقت چه می‌شود؟ آیین‌نامه‌ی دولت هم که برای بررسی به شورای نگهبان نمی‌آید [و ما نمی‌توانیم آن را کنترل کنیم].

آقای رهپیک - عناوین عقود اسلامی در قانون برنامه پنجم آمد،^۱ که بعداً برای این عنوانین، در ضمن «آیین نامه» تعریف آوردند، ولی در «قانون»، برای اینها تعریفی نیامده است.

آقای علیزاده - اگر آقایان موافقت، بگوییم که «صکوک اجاره» را تعریف کنند تا ببینیم منظورشان چیست.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، در خود قانون، آن را تعریف کنند.

آقای علیزاده - بگوییم منظور از «اوراق صکوک اجاره» را روشن کنند یا «صکوک اجاره»؟

آقای هاشمی شاهرودی - نه، فقط «صکوک اجاره».

آقای مؤمن - «صکوک» خودش به معنای اوراق است؛ جمع «صک» است.

آقای علیزاده - بله، می‌گوییم «صکوک اجاره» را در این مصوبه تعریف کنید.

آقای مدرسی یزدی - یا اگر تعریفش در قانون دیگری انجام شده است، به آنجا ارجاع دهند.

آقای رهپیک - قانونی ندارد.

آقای علیزاده - می‌گوییم منظور از «اوراق صکوک اجاره» چیست؟

آقای هاشمی شاهرودی - تعریفش در خود قانون مشخص شود.

آقای علیزاده - این‌طور می‌نویسیم که «باید تعریف «صکوک اجاره» آورده شود تا اظهار نظر ممکن گردد». این را همه قبول دارید؟

آقای مدرسی یزدی - بله.

۱. در این خصوص، در ماده (۸۳) قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵، چنین آمده است: «ماده ۸۳-

الف- به بانک مرکزی اجازه داده می‌شود در چهارچوب قانون بودجه سنواتی جهت تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی توسعه‌ای دولتی نسبت به انتشار اوراق مشارکت و انواع صکوک اسلامی در بازارهای بین‌المللی اقدام نماید.

ب- به شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها اجازه داده می‌شود در راستای تأمین منابع ارزی طرح‌های سرمایه‌گذاری خود، پس از تأیید وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی، اقدام به انتشار اوراق مشارکت و انواع صکوک اسلامی نمایند. تضمین اصل و سود این اوراق با شرکت‌ها و شهرداری‌های مذکور است.» همچنین در بند (ب) ماده (۹۷) و بند (ف) ماده (۲۲۴) این قانون نیز صرفاً با عباراتی کلی همچون «اوراق صکوک اسلامی» و «صکوک اسلامی»، به این موضوع اشاره شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، خوب است.

آقای علیزاده - پس آقایان فقها می‌فرمایند اگر همین تعریفی را که در آیین‌نامه آمده است، در اینجا بیاورند، قبول دارند.^۱

آقای رهپیک - بند (الف) ماده (۲)، می‌گوید دولت بدهکار و طلبکار خودش را با صدور «اوراق تسویه‌ی خزانه»، جابه‌جا کند؛ یعنی طلبی که از این اشخاص دارد با بدهی که به آنها دارد، جابه‌جا کند.

آقای هاشمی شاهرودی - این، تهاتر است.

آقای رهپیک - بله، در واقع نهایتاً تهاتر می‌شود؛ منتها حالا آیا واقعاً لازم نیست از این طلبکاران و بدهکاران کسب رضایت بشود؟

آقای مؤمن - درست انجام می‌دهد دیگر.

آقای مدرسی یزدی - گفته است «در صورت درخواست».

آقای رهپیک - نه، صحبتی از «درخواست» نشده است، بلکه گفته است که دولت این اوراق را صادر می‌کند و در اختیار آنها قرار می‌دهد؛ دولت اوراق را صادر می‌کند و بعد این اوراق را در اختیار اشخاص طلبکار و بدهکار قرار می‌دهد.

آقای مؤمن - آنوقت این اشخاص تسویه‌ی طلب خود را در آن اوراق می‌نویسند. حالا چه کسی باید نظارت کند که درست نوشته‌اند یا نه؟ لابد دیوان محاسبات باید این کار را بکند.

آقای علیزاده - اگر درست هم نوشته باشند که او می‌تواند بگوید این درست نیست، اما اینجا این موضوع را نمی‌خواهد بگوید. این بند می‌خواهد بگوید که با واگذاری این اوراق، معلوم شود که این اشخاص از دولت فلان میزان طلب دارند.

آقای مؤمن - نه، یعنی اینکه آنها با این اوراق بروند کارشان را انجام دهند.

آقای رهپیک - نه، دولت این اوراق را صادر می‌کند و به طلبکار می‌دهد تا او هم برود این اوراق را به طرف مقابل خودش بدهد.

آقای مؤمن - نه، با این کار تسویه حساب می‌کنند؛ اوراق تسویه را تسویه می‌کنند.

۱. بند (۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۸۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۶ شورای نگهبان: «۱- در بند (ب) ماده (۲)، باید «اوراق صکوک اجاره» تعریف شود تا اظهار نظر ممکن گردد. ...»

آقای رهپیک - اسم آن، اوراق تسویه است.

آقای مؤمن - فقط اسم که نیست؛ این اوراق برای تسویه حساب است. برای این است که این بدهی‌ها و طلبکاری‌های این اشخاص را تسویه کند.

آقای رهپیک - اشخاص طلبکار و متقابلاً بدهکار.

آقای مؤمن - بله، بدهی‌ها و طلبکاری‌های اینها را بررسی می‌کنند و در این اوراق می‌نویسند. بعد این اوراق را به این اشخاص می‌دهند.

آقای هاشمی شاهرودی - بعد اینها [= جمع مبلغ اوراق تسویه خزانه که صادر می‌شود و در اختیار طلبکاران قرار می‌گیرد،] در بودجه‌های سنواتی پیش‌بینی می‌شود.

آقای ابراهیمیان - جنس این اسناد، تعهدی است؛ مثل یک سفته که صادرکننده، پرداخت وجه آن را تعهد می‌کند.

آقای مؤمن - نه.

آقای رهپیک - بله دیگر.

آقای ابراهیمیان - بله، منظورم این است که این اوراق، یک صورت‌حساب صرف نیست.

آقای مدرسی یزدی - بند (پ) می‌گوید: «در صورت درخواست اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی...»؛ اینجا گفته است «در صورت درخواست».

آقای سلیمی - اصل آن اوراق صادر می‌شود و به افراد واگذار می‌شود؛ بعد اگر این اشخاص درخواست کردند، می‌توانند [این اوراق را با بدهی‌هایشان به دولت] تهاتر کنند.

آقای رهپیک - موضوع بند (پ)، غیر از این است؛ یک چیز دیگر است.

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد؛ دولت می‌خواهد یک سند به آنها بدهد.

آقای مؤمن - سند یعنی یک برگه‌ی معتبر که در آن [میزان مطالبات] نوشته می‌شود. این، چه عیبی دارد؟

آقای علیزاده - بله، یک سندی است که در آن مقدار طلب و بدهی معلوم می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - از چه نظر؟

آقای مؤمن - از این نظر که نشان می‌دهد دولت، این مقدار بدهکار است؛ آن را حساب می‌کنند و می‌دهند.

آقای سلیمی - دولت نسبت به اشخاصی که بدهکار است، [با ارائه‌ی این اوراق به آنها]، می‌گوید راه تسویه‌ی طلب شما وجود دارد و آن این است که بروید و [با ارائه‌ی این اوراق] با آن کسی که به دولت بدهکار است، تسویه کنید.

آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای سلیمی - چرا دیگر؛ بند (۱) این ماده همین است.

آقای مؤمن - نه.

آقای علیزاده - آن برگه‌ی کاغذ که اعتباری ندارد، بلکه آن برگه، حاکی از طلب اوست.

آقای مؤمن - بله، حاکی از طلب او است؛ یعنی فقط میزان طلب را در یک کاغذ رسمی می‌نویسند.

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی یزدی - اینجا می‌گوید: «این اسناد صرفاً به منظور تسویه بدهی اشخاص یادشده به دولت مورد استفاده قرار می‌گیرد».

آقای هاشمی شاهرودی - دلیل عمده‌ی ذکر این موضوع در اینجا این است که عدد مربوط به این اوراق تسویه‌ی خزانه در لایحه‌ی بودجه بیاید.

آقای مؤمن - یک قسمتی از آن در لایحه‌ی بودجه می‌آید.

آقای هاشمی شاهرودی - اینها می‌خواهند، همه‌ی آن عدد در لایحه‌ی بودجه بیاید.

آقای علیزاده - منظورشان این قسمت از بند (الف) است که می‌گوید: «جمع مبلغ اوراق تسویه خزانه که به موجب این ماده صادر می‌شود و در اختیار طلبکاران قرار می‌گیرد، به صورت جمعی - خرجی در بودجه‌های سنواتی درج می‌شود».

آقای مؤمن - آن وقت همه‌ساله این را در لایحه‌ی بودجه‌ی سالانه می‌آورند؛ بند (ب) گفته است: «همه‌ساله به میزان مابه‌التفاوت مطالبات قطعی اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی از دولت و شرکت‌های دولتی و بدهی قطعی شده آنان به دولت و شرکت‌های دولتی، در لایحه بودجه سالانه، انتشار «اوراق صکوک اجاره» را پیش‌بینی نماید.»

آقای علیزاده - این موضوع بیش از این بحثی ندارد؛ رد شویم.

منشی جلسه - «پ- در صورت درخواست اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و

تعاونی، مطالبات خود از آنان را با بدهی شرکت‌های دولتی به آنها تهاتر کند. شرکت دولتی که به این ترتیب جایگزین بدهکار می‌شود، موظف است مبلغ بدهی تسویه‌شده را به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کند.»

آقای مؤمن - یعنی شرکت دولتی بدهکار دولت می‌شود و مبلغ بدهی را خودش به دولت می‌دهد. این کار خوبی است.

آقای رهپیک - حالا اینجا و بعضی از جاهای دیگر این مصوبه که مربوط به مطالبات دولت و بحث واگذاری‌ها است، یک اشکالی از نظر مغایرت با سیاست‌های کلی نظام وجود دارد.

آقای مؤمن - در اینجا که موضوع مربوط به واگذاری‌ها نیست.

آقای رهپیک - بخشی از مطالبه‌ی دولت، مربوط به واگذاری‌ها است دیگر.

آقای مؤمن - نه، اینجا دارد می‌گوید در مواردی که دولت به این اشخاص بدهی دارد و شرکت‌های دولتی هم از این اشخاص طلب دارند، اینها می‌توانند با حسابرسی که انجام می‌شود، به این صورت بدهی‌هایشان را با دولت تسویه کنند.

آقای رهپیک - شرکت دولتی، یعنی دولت دیگر.

آقای مؤمن - بله، بعد شرکت دولتی هم این بدهی تسویه‌شده را به دولت می‌دهند؛ در بند (پ) گفته است: «شرکت که به این ترتیب جایگزین بدهکار می‌شود، موظف است مبلغ بدهی تسویه‌شده را به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کند.»

آقای علیزاده - مصرف آن چه می‌شود؟

آقای مؤمن - نه، بحث مصرف نیست. این بدهی تسویه‌شده، جزء درآمدهای دولت است.

آقای رهپیک - مصرف آن، پرداخت بدهی‌های دولت است دیگر.

آقای مؤمن - اینها جزء درآمدهای عمومی دولت است؛ جزء بدهی‌های دولت نیست؛ چون گفته است به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - اینها می‌خواهند با این کار، شرکت‌های دولتی را منضبط کنند.

آقای مؤمن - بله.

آقای رهپیک - الآن یک بخش زیادی از مطالبات دولت از اشخاص، مربوط به

واگذاری‌هایی است که انجام داده است. در سیاست‌های کلی مربوط به واگذاری گفته شده است که دولت ...

آقای مؤمن - منظور این ماده، مطالبات ناشی از واگذاری نیست؛ چون بند (پ) می‌گوید که دولت در صورت درخواست اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی، مطالبات خود از آنان را با بدهی شرکت‌های دولتی به آنها تهاتر کند. آن وقت شرکت دولتی، جایگزین بدهکار می‌شود و باید مبلغ بدهی تسویه شده را به دولت و به حساب خزانه‌داری کل واریز کند. به نظرم کار خوبی است.

آقای علیزاده - فرض کنید شخصی به یک شرکت دولتی بدهکار است و یک طلبی هم جای دیگر از دولت دارد. این طلب را به این صورت، از دولت می‌گیرد و به این شرکت دولتی می‌دهد؛ چون به شرکت دولتی بدهکار است و از دولت طلبکار است. در این صورت، شرکت دولتی وقتی این مبلغ را گرفت، باید معادل آن را به خزانه‌داری کل واریز کند تا معلوم شود که بدهی دولت به خزانه رفته است.

آقای مؤمن - به این ترتیب، دارند نسبت به درآمدهای شرکت‌ها هم رسیدگی می‌کنند. **آقای علیزاده -** در اینجا نسبت به اینکه این پول به چه مصرفی برسد، صحبتی نمی‌کند.

آقای مؤمن - نخیر.

آقای علیزاده - شرکت دولتی آن مبلغ را به دولت می‌دهد و دولت هم اگر این مبلغ را بابت فروش و واگذاری شرکت‌های دولتی داده است، باید بیاید این مبالغ را طبق سیاست‌های کلی واگذاری مصرف کند.

آقای مؤمن - یا در قالب لایحه‌ی بودجه، در جای دیگر مصرف شود.

آقای سوادکوهی - جناب آقای علیزاده، من می‌خواهم به این مصوبه، یک اشکال از جهت مغایرت با اصل (۱۳۹) قانون اساسی مطرح کنم. اصل (۱۳۹) می‌گوید: «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد.» اولاً آنچه که در اینجا مورد نظر است، این است که شرکت خصوصی به دولت بدهی دارد. این مسلم است. خوب در اینجا یک سازوکاری پیش‌بینی شده که این بدهی به نحوی تهاتر بشود، البته نه آن تهاتری که ما می‌شناسیم. در واقع اینجا خواسته‌اند یک نوع تهاتری را بر دولت تحمیل

کنند و دولت را به انجام آن موظف کنند. حالا در این مورد که باید صلح شود ...

آقای علیزاده - مگر این صلح است؟!

آقای سوادکوهی - این بند، در واقع دارد به شکلی، بدهی شرکت‌ها و اشخاص حقوق خصوصی به دولت و بدهی دولت به این اشخاص را از این جیب به آن جیب می‌کند و به نحوی رفع تکلیف می‌کند. در اینجا برای اینکه یک ارفاقی می‌خواهد به اشخاص و شرکت‌های خصوصی بکند، یک وظیفه‌ای را به دولت تحمیل کرده است و به دولت می‌گوید اگر این اشخاص و شرکت‌های خصوصی از شما درخواست کردند که من آن طلبی که از شرکت دولتی دارم را با این بدهی که به شما دارم تهاتر کن، دولت موظف است این کار را بکند. به نظرم این با اصل (۱۳۹) قانون اساسی مغایرت دارد؛ چون این یک تکلیفی را به دولت تحمیل کرده است.

آقای علیزاده - اصلاً این مربوط به صلح نیست.

آقای سوادکوهی - نه، صلح نیست.

آقای علیزاده - شبیه یک نوع برهم زدن ترتیبات است. طلب این شخص به موجب اسنادی که دولت صادر کرده است، معلوم است؛ بدهی او نیز به شرکت دولتی معلوم است.

آقای سوادکوهی - خب، این باید بررسی شود.

آقای علیزاده - شرکت دولتی این اسناد را در مقابل طلبش گرفته است، نه یک ریال از بدهی آن شخص کم کرده‌اند و نه یک ریال، آن را زیاد کرده‌اند؛ این، اصلاً صلح نیست، بلکه تهاتر است و تهاتر در قانون یک عنوان مشخصی دارد.

آقای سوادکوهی - درست است؛ تهاتر، عنوان مشخص دارد.

آقای علیزاده - صلح هم یک عنوان دیگری دارد.

آقای سوادکوهی - آن تهاتر، تهاتر قهری است؛ اما در اینجا آمده‌اند یک مسئله‌ی غیر قهری را دارند به دولت تحمیل می‌کنند.

آقای علیزاده - نه، تهاتر یا قهری است، یا قراردادی است و یا قضایی است. تهاتر که تنها تهاتر قهری نیست.

آقای سوادکوهی - چرا نیست؟

آقای علیزاده - تهاتر یا قهری است، یا قراردادی است یا قضایی است. در کجای این

بند نوشته شده که این تهاتر، قهری است؟!

آقای سوادکوهی - در اینجا تهاتر، قضایی شده است.

آقای علیزاده - این هم تهاتر اصطلاحی است.

آقای مؤمن - اینجا تهاتر، قضایی نیست؛ چون طرفین، خودشان با توافق می‌خواهند که این تهاتر صورت گیرد.

آقای مدرسی یزدی - شبیه به آن است.

آقای سوادکوهی - اما دولت در اینجا موظف شده است که این کار را انجام دهد.

آقای سلیمی - اینجا بحث صلح مطرح نیست و مضمون اصل (۱۳۹) قانون اساسی نمی‌شود.

آقای علیزاده - بله، نمی‌شود.

آقای سوادکوهی - نه، عرض من هم این نیست که صلح است، ولی به یک ترتیبی رفع یک چیزی است که دولت نسبت به آنها تکلیف دارد.

آقای سلیمی - خب حسابرسی می‌کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - چون شرکت‌های دولتی شخصیت حقوقی مستقلی از دولت دارند، این تهاتر نیست. این مانند مبادله دین با دین دیگر است؛ مانند حواله است ولی تهاتر نیست. مثلاً شخصی به یک نفر بدهی دارد و از یک نفر دیگر طلب دارد. در این حالت، او طلبکارش را به بدهکارش حواله می‌دهد [تا طلبش را از بدهکارش وصول کند]. آیا این تهاتر است؟

آقای علیزاده - تهاتر نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - اینجا هم شبیه به همان حواله است که آن را نوعی مصالحه می‌دانند.

آقای علیزاده - در این بند (پ)، لفظ «تهاتر» از باب تسامح به کار برده شده است؛ مسامحه در لفظ است.

آقای سوادکوهی - هر چه باشد.

آقای جنتی - شما نسبت به این بند، اشکال دارید؟

آقای هاشمی شاهرودی - اگر مصالحه باشد، مضمون اصل (۱۳۹) می‌شود.

آقای مؤمن - مصالحه در قضاء اصلاً وجود ندارد.

آقای علیزاده - این مصالحه نیست.

آقای سوادکوهی - چرا؛ بالاخره یک توافق است.

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره یک چیزی هست دیگر.

آقای سوادکوهی - جابه‌جایی دین به دین است.

آقای هاشمی شاهرودی - تهاتر برای یک نفر است.

آقای ره‌پیک - اصل (۱۳۹) مربوط به صلح دعاوی است.

آقای علیزاده - فرض کنید اصلاً ما هم بالاتر از این را بپذیریم [و بگوییم ماهیت تهاتر در اینجا هم صلح دعاوی است]. خوب اگر صلح دعاوی بود، چه می‌شود؟

آقای سوادکوهی - این دعواست و حکم قضایی دارد.

آقای علیزاده - نه، دعوا نیست.

آقای سوادکوهی - چرا؛ دولت از آن اشخاص مطالبه دارد و لذا از لحاظ حقوقی باید حکم دادگاه وجود داشته باشد.

آقای علیزاده - فرض کنید شخصی صد میلیون تومان از دولت طلب دارد و دویست میلیون تومان هم به یک شرکت دولتی بدهکار است. اینجا در بند (پ) دارد می‌گوید که به جای اینکه این طلب خود را از دولت وصول کند، [آن را بابت بخشی از بدهی‌اش به شرکت دولتی حساب کند]؛ یعنی اینجا آن طلبش از دولت، تبدیل به دین می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - دو دین است.

آقای ابراهیمیان - اینجا در واقع، تهاتر واقعی نیست، بلکه مبادله‌ی دین یا طلب است، ولی صلح نیست.

آقای علیزاده - بله، تهاتر واقعی نیست. این بند می‌گوید اشخاصی که به شرکت‌های دولتی بدهکار هستند و از دولت طلبکار، اگر این طلبی که از دولت دارند را به این صورت به شرکت‌های دولتی بدهند، من دولت آن را [به عنوان پراخت بدهی] قبول دارم.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، دولت می‌گوید من با این ترتیب، دین تو را برمی‌دارم.

آقای علیزاده - بله، دین از گردن تو، به این صورت، برداشته می‌شود. منتها شرکت دولتی هم وقتی این طلب را گرفت، باید معادل آن را به حساب خزانه واریز کند. یعنی در واقع به جای اینکه دولت مبلغ بدهی‌اش را به دست طلبکار [= شخص حقیقی یا

حقوقی خصوصی] بدهد، می‌گوید به این نحو عمل شود و بعداً آن شرکت دولتی، پول را به حساب خزانه‌ی دولت بریزد. این کار، اسمش صلح نیست، بلکه یک نوع تبدیل مدیون است؛ یعنی مدیون از آن آقا [= شخص حقیقی یا حقوقی خصوصی] تبدیل می‌شود به این شرکت دولتی.

آقای هاشمی شاهرودی - این همان حواله است دیگر.

آقای علیزاده - بله، تبدیل مدیون است.

آقای سوادکوهی - ولی تحمیل است.

آقای مؤمن - نه، تحمیلی در کار نیست؛ خب حسابرسی می‌کنند.

آقای سوادکوهی - فرض کنید دولت علیه آن شرکت خصوصی طرح دعوا کرده است و به حکم دادگاه، رأی به نفع او صادر شده و به مرحله‌ی اجرا رسیده است و الآن می‌خواهد طلبش را از آن شرکت بگیرد. حالا با این مصوبه، آن شرکت، یک درخواست می‌دهد و می‌گوید که من یک طلبی از یک شرکت دولتی دارم، [بدهی‌ام را با آن طلبم تهاتر کنید].

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که این بند را مشمول اصل (۱۳۹) می‌دانند و می‌گویند مورد به مورد این تهاترها نیاز به تصویب مجلس دارد، رأی بدهند.

آقای مدرسی یزدی - بند (پ) از این نظر که اشکالی ندارد؛ منتها اینکه از حیث فقهی، تقریر این موضوع چیست، یک مقدار مشکل است.

آقای هاشمی شاهرودی - حواله است دیگر.

آقای یزدی - طلب را با بدهی، تهاتر می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - حواله که ...

آقای هاشمی شاهرودی - حواله بر مدیون است.

آقای علیزاده - در قانون مدنی ما یک عنوانی به نام «تبدیل تعهد» داریم^۱ که یا به

۱. ماده (۲۹۲) قانون مدنی: «ماده ۲۹۲- تبدیل تعهد در موارد ذیل حاصل می‌شود:

۱- وقتی که متعهد و متعهدله به تبدیل تعهد اصلی به تعهد جدیدی که قائم‌مقام آن می‌شود به سببی از اسباب تراضی نمایند. در این صورت، متعهد نسبت به تعهد اصلی بری می‌شود.

۲- وقتی که شخص ثالث با رضایت متعهدله قبول کند که دین متعهد را ادا نماید.

۳- وقتی که متعهدله مافی‌الذمه متعهد را به کسی دیگر منتقل نماید.»

صورت تبدیل دین است یا به صورت تبدیل مدیون و یا به صورت تبدیل دائن. در اینجا، از نوع تبدیل مدیون است.

آقای یزدی - بله، شخص طلبش را با بدهی که به او دارد، تهاتر می‌کند.

آقای مؤمن - کار خوبی که این بند کرده این است که گفته است مبلغ بدهی تسویه شده را به حساب خزانه‌ی عمومی واریز کنند.

منشی جلسه - «تبصره ۱- دولت مجاز است احکام سه‌گانه این ماده را در مورد اشخاص، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و بانک‌ها اجراء کند.

تبصره ۲- پرداخت مطالبات و دیون ایتارگران، جانبازان، آزادگان و خانواده شهدا و مفاد قانون تفسیر ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۴ از محل منابع حاصل از واگذاری سهام، سهم‌الشرکه، حق بهره‌برداری و بهره مالکانه با تأیید ذی‌حساب دستگاه بنیاد شهید و امور ایتارگران در اولویت قرار دارد.»

آقای علیزاده - اینکه اشکال دارد.

آقای رهپیک - تبصره (۱) اشکال دارد؛ مبهم است و تبصره (۲) هم از جهت مغایرت با سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، اشکال دارد.

آقای مؤمن - تبصره (۱) چه اشکالی دارد؟

آقای رهپیک - در بند (پ)، دولت هم دائن است و هم مدیون، اما در این تبصره معلوم نیست؛ چون گفته است که دولت مجاز است احکام سه‌گانه‌ی این ماده را در مورد اشخاص فلان اجرا کند. خوب این احکام دو طرف دارد؛ یک‌جایی دولت طلبکار است و یک‌جایی بدهکار است که دارد تهاتر می‌کند. اما اینجا معنا ندارد.

۱. قانون تفسیر ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان مصوب ۱۳۶۸، مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۴ مجلس شورای اسلامی: «موضوع استفساریه:

ماده واحده- آیا ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان مصوب ۱۳۶۸/۹/۱۳، شامل حقوق و مزایای دوران اسارت همه آزادگان اعم از شاغل و غیرشاغل می‌شود؟
نظر مجلس:

بلی، شامل حقوق و مزایای دوران اسارت همه آزادگان اعم از شاغل و افراد غیرشاغلی که قبل از اسارت در هیچ یک از دستگاه‌های اجرایی «موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸» شاغل نبوده‌اند، می‌شود.»

آقای مؤمن - نه، دولت با خودش تهاتر نمی‌کند، بلکه تهاتر با شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی است.

آقای علیزاده - اینکه اشکالی ندارد؛ چون منظور، هر آن چیزی است که تهاتر در آن قابل اعمال است، ولی به نظر من تبصره دوم، از جهت سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، ایراد دارد.

آقای مؤمن - نه، چه مغایرتی دارد؟

آقای علیزاده - در سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، [محل مصرف وجوه حاصل از واگذاری شرکت‌های دولتی] معلوم شده است.

آقای مؤمن - خب، این تبصره دارد می‌گوید که این محل‌های مصرف در اولویت قرار دارد.

آقای علیزاده - محل‌های مصرف، در سیاست‌های کلی اصل (۴۴) معلوم شده است. این مصوبه که نمی‌تواند بگوید دولت [پرداخت مطالبات و دیون ایثارگران، جانبازان و... را] از محل واگذاری این شرکت‌ها بدهد.

آقای مؤمن - نه، تبصره (۲) که چیزی به موارد مصرف سیاست‌های کلی اضافه نمی‌کند، بلکه فقط گفته است که دولت طلب این اشخاص را در اولویت قرار بدهد.

آقای رهپیک - در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، مصارف درآمدهای حاصله از واگذاری شرکت‌های دولتی ذکر شده است.^۱

۱- جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ابلاغی ۱۳۸۴/۳/۱ مقام معظم رهبری:

«د- سیاست‌های کلی واگذاری:

۱- الزامات واگذاری: ...

۲- مصارف درآمدهای حاصله از واگذاری: وجوه حاصل از واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و در قالب برنامه‌ها و بودجه‌های مصوب به ترتیب زیر مصرف می‌شود:

۱-۲- ایجاد خوداتکایی برای خانواده‌های مستضعف و محروم و تقویت تأمین اجتماعی

۲-۲- اختصاص سی درصد (۳۰٪) از درآمدهای حاصل از واگذاری به تعاونی‌های فراگیر ملی به منظور فقرزدایی

۲-۳- ایجاد زیربنای اقتصادی با اولویت مناطق کمتر توسعه یافته

آقای مؤمن - بله، تبصره (۲) می‌گوید این بدهی‌های دولت که یا عمومی هستند یا دولتی و در بالا آنها را گفتیم، اینها را نسبت به دیگر بدهی‌های دولت در اولویت قرار دهید.

آقای عزیزاده - خب، آیا می‌توانند چنین کاری بکنند؟

آقای مؤمن - اگر اشخاص حقیقی یا حقوقی وجود دارند که ایثارگر یا جانباز یا آزاده‌اند و یا از خانواده‌ی شهدا هستند یا از جمله افراد قانون تفسیر ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان هستند، اینها را در اولویت قرار می‌دهند.

آقای عزیزاده - تبصره (۲) که این را نمی‌گوید.

آقای رهپیک - این تبصره اشکال دارد.

آقای مؤمن - ماده (۱۳) را بخوانید. آن ماده هم یک عده‌ی دیگر را ضمیمه کرده است. حالا این تبصره می‌گوید، این افراد را در پرداخت مطالباتشان در اولویت قرار بدهید؛ یعنی به اینها زودتر پول بدهید تا به دیگران.

آقای عزیزاده - درست است؛ یعنی مطالبات اینها بابت چیز دیگری نیست. من فکر کردم که مطالبات اینها از جهت مطالباتی است که دولت طبق قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران دارد. اگر این‌طور بود، اشکال داشت.

آقای مؤمن - نه، فقط می‌گوید که اینها در اولویت قرار گیرند.

آقای رهپیک - از کدام محل حاج‌آقا؟

آقای مؤمن - اگر اینها جزء تعاونی‌ها هستند یا جزء اشخاص حقوقی هستند ...

آقای سلیمی - اگر بدهی‌های ایثارگران را از این محل بدهند، اشکال دارد؟

آقای مؤمن - نه، دادن مطالبات اینها از این محل، اولویت دارد.

آقای سلیمی - منظور این است که دولت اینها را در اولویت قرار بدهد.

آقای رهپیک - تبصره (۲) گفته است که پرداخت مطالبات و دیون اینها از محل منابع

→

۲-۴- اعطای تسهیلات (وجوه اداره‌شده) برای تقویت تعاونی‌ها و نوسازی و بهسازی بنگاه‌های اقتصادی غیردولتی با اولویت بنگاه‌های واگذارشده و نیز برای سرمایه‌گذاری بخش‌های غیردولتی در توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته

۲-۵- مشارکت شرکت‌های دولتی با بخش‌های غیردولتی تا سقف چهل و نه درصد (۴۹٪) به منظور توسعه اقتصادی مناطق کمتر توسعه‌یافته

۲-۶- تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام شرکت‌های دولتی با رعایت بند (الف) این سیاست‌ها»

حاصل از واگذاری سهام، سهم‌الشرکه و... در اولویت قرار گیرد. جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) هم گفته است که پول حاصل از محل درآمدهای فروش سهام به فلان مصرف‌ها برسد. خب این مورد ذکرشده در تبصره که جزء مصارف مشخص شده در سیاست‌های کلی اصل (۴۴) نیست. جزء (۲) بند (د) سیاست‌ها، به طور حصری چند مورد را به عنوان مصارف ذکر کرده و گفته است که وجوه حاصل از واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی فقط در این محل‌ها مصرف بشود.

آقای مؤمن - نه، این‌طور نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی می‌فرمایید اولویت دادن پرداخت مطالبات و دیون این افراد، اشکال دارد؟

آقای ره‌پیک - بله دیگر؛ اینجا که این‌طور است.

آقای مؤمن - در این سه بند ماده (۲)، وظایفی را برای دولت نسبت به طلبکارهای از دولت و بدهکارهای به دولت تعیین کرده است. حالا در این تبصره (۲) می‌گوید اگر در میان این بدهکارها و طلبکارها، آزاده یا ایثارگر یا جانباز و یا مشمول ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان در بین اینها بود، دولت مطالبات و دیون اینها را زودتر پرداخت کند.

آقای سلیمی - بله، این تبصره، همین را دارد می‌گوید.

آقای ره‌پیک - نه، این را نمی‌گوید.

آقای مؤمن - همین است؛ فقط گفته است که اینها در اولویت قرار گیرند.

آقای ره‌پیک - تبصره (۲) دارد می‌گوید از محل منابع حاصل از واگذاری سهام، سهم‌الشرکه، حق بهره‌برداری و بهره‌ی مالکانه، مطالبات اینها پرداخت شود.

آقای مؤمن - می‌دانم، ولی منظور این است که از این محل، در اولویت قرار بدهد.

آقای ره‌پیک - خب منابع حاصل از واگذاری، محل مصرف مشخصی دارد.

آقای مدرسی یزدی - اصلاً این محل، جایی برای اولویت دادن به مطالبات و دیون اینها ندارد.

آقای ره‌پیک - اصلاً این تبصره، یک چیز دیگری است.

آقای مؤمن - نه، می‌گوید اگر در اینها ایثارگری بود، او را در اولویت قرار دهید.

آقای ره‌پیک - نه، تبصره یک چیز دیگری است.

آقای مدرسی یزدی - اصلاً آوردن این محل در اینجا، غلط است. یک ریال از این محل برای اختصاص به این مصرف وجود ندارد.

آقای مؤمن - کدام محل؟

آقای مدرسی یزدی - محل واگذاری سهام، سهم الشرکه و...

آقای مؤمن - خوب مگر نمی‌شود که جانباز یا ایثارگر در تعاونی یا شرکت خصوصی باشد و از دولت مطالبه داشته باشد؟ منظور تبصره (۲) این است که اینها در اولویت پرداخت مطالبات قرار گیرند.

آقای رهپیک - این تبصره (۲)، یک چیز خاصی است.

آقای علیزاده - یعنی می‌فرمایید که این تبصره (۲)، هیچ ارتباطی با بندهای ماده (۲) ندارد؟

آقای رهپیک - بله، ارتباطی ندارد.

آقای مؤمن - چرا ارتباط ندارد؟!

آقای رهپیک - آن [مفاد بندهای ماده (۲)] عام است و اصلاً چیزی راجع به محل پرداخت نگفته است

آقای علیزاده - بله، من هم از این جهت می‌گویم این تبصره با بندهای ماده (۲) ارتباطی ندارد؛ چون در آن بندها اصلاً نگفته است که از فلان محل پرداخت شود.

آقای رهپیک - بله، کلی گفته است.

آقای مؤمن - خوب حالا این تبصره (۲)، اولویت گذاشته است.

آقای علیزاده - تبصره (۲) می‌گوید: «پرداخت مطالبات و دیون ایثارگران، جانبازان، آزادگان و خانواده شهدا و مفاد قانون تفسیر ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۴ از محل منابع حاصل از واگذاری ... در اولویت قرار دارد»؛ این تبصره نمی‌خواهد بگوید که تنها مطالبات آن‌چنانی ایثارگران [که در بندهای ماده (۲) ذکر شده است] را در اولویت پرداخت قرار دهند، بلکه می‌گوید اینها هر نوع طلبی دارند، از محل فروش سهام، سهم‌الشرکه و آن سهامی که در اجرای اصل (۴۴) واگذار می‌شود، داده شود.

آقای رهپیک - اما آن پول، محل مصرف خاصی دارد.

آقای علیزاده - بله، محل مصرف عایدات ناشی از واگذاری‌ها، این نیست. محل

مصرف آن، در سیاست‌های کلی اصل (۴۴) مشخص شده است.

آقای مؤمن - منظورش همین است که عرض کردم.

آقای عزیززاده - نه، حداقل باید بگوییم اطلاق این تبصره، اشکال دارد.

آقای مؤمن - نخیر. حالا عبارت تبصره را می‌خوانیم: «پرداخت مطالبات و دیون ایثارگران، جانبازان، آزادگان و خانواده شهدا و مفاد قانون تفسیر ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان...» یعنی می‌گوید که دولت پرداخت مطالبات و دیون اینها را از محل منابع حاصل از واگذاری سهام شرکت‌ها در اولویت قرار بدهد؛ از سهام همین شرکت‌هایی که اینجا در ماده (۲) گفتیم.

آقای عزیززاده - نه، این‌طور نگفته است؛ کجا چنین چیزی گفته است؟

آقای ابراهیمیان - اصلاً مطالبات و دیونی که در این تبصره آمده است، موضوع این سه بند ماده (۲) نیست.

آقای رهپیک - بله، در بندهای ماده (۲) چنین چیزی نیامده است؛ فقط در این تبصره (۲) این مطلب آمده است.

آقای عزیززاده - بله، در اینجا [= تبصره (۲)] می‌گوید. حداقلش این است که اطلاق این تبصره، نسبت به آن مواردی که عایدات و واگذاری‌ها را نمی‌شود به این محل مصرف اختصاص داد، اشکال دارد.

آقای مؤمن - خب منظور این تبصره هم این نیست که اینها به آن موارد مصرف ذکر شده در سیاست‌های کلی اضافه بشود، بلکه تبصره دارد می‌گوید که مطالبات اینها در اولویت قرار گیرد. وقتی از اولویت صحبت می‌کند، یعنی خود آن مصارف ذکر شده در سیاست‌ها.

آقای مدرسی یزدی - مسئله‌ی آقایانی که به تبصره (۲) اشکال وارد می‌کنند این است که می‌گویند ایثارگران به هر دلیلی ممکن است طلبی از دولت داشته باشند ...

آقای مؤمن - به هر دلیلی نیست.

آقای مدرسی یزدی - چرا.

آقای مؤمن - نه، نمی‌گوید به هر دلیل، بلکه می‌گوید ایثارگرانی که جزء تعاونی هستند یا جزء آن شخصیت‌های حقوقی هستند.

آقای مدرسی یزدی - اشکالی ندارد.

آقای مؤمن - اگر این طور فرض کردید، می بینید که این تبصره اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - حالا فرض می کنیم که اصلاً جزء آنهایی باشند که شما می فرمایید. البته اصلاً احتیاجی نیست که بگوییم ایثارگران حتماً باید جزء تعاونی باشند؛ چون در خود ماده (۲)، عبارت «اشخاص حقیقی» هم داشت، چیزهای دیگری هم داشت.

آقای مؤمن - نه، این ایثارگران موضوع تبصره (۲)، باید جزء همین هایی باشند که در ماده (۲) گفته اند.

آقای مدرسی یزدی - اگر ایثارگران جزء کسانی بودند که از دولت طلب دارند و دولت می خواست که از منابع حاصل از واگذاری سهام شرکت های اصل (۴۴) به آنها بدهی اش را پرداخت بکند، و این تبصره می گفت که ایثارگران در اولویت هستند، درست بود؛ اما حالا آقایان می فرمایند که اصلاً زدن چنین حرفی لغو است، چرا؟ چون هیچ منبعی از آنجا [عایدات ناشی از واگذاری شرکت های دولتی] به ایثارگران نمی رسد.

آقای ابراهیمیان - بله، پرداخت مطالبات و دیون به آنها نمی رسد.

آقای مدرسی یزدی - بسیار خب.

آقای مؤمن - اگر جزء تعاونی ها هم باشند، باز هم می فرمایید به آنها نمی رسد؟

آقای مدرسی یزدی - نه، نمی رسد.

آقای مؤمن - چرا؟

آقای مدرسی یزدی - به خاطر اینکه محل های مصرف عایدات ناشی از واگذاری ها در سیاست های کلی مشخص شده است.

آقای مؤمن - به آنها می توان داد. به اینها اولویت داده اند.

آقای مدرسی یزدی - محل مصرف [منابع حاصل از واگذاری شرکت های دولتی در سیاست های کلی اصل (۴۴)] مشخص شده است. محل مصرف آن منبع، بسته شده و تمام شده است.

آقای مؤمن - آنها را نمی گوید. منظور تبصره، همین پول هایی است که اینجا [بر اساس مفاد ماده (۲)] می خواهند بدهند. تبصره (۲) دارد می گوید همین ها را با اولویت به اینها بدهید.

آقای علیزاده - اینها را نگفته است.

آقای مدرسی یزدی - پس چرا عبارت «از محل منابع حاصل از واگذاری...» را اینجا آورده است؟

آقای مؤمن - چون در همین‌ها است.

آقای علیزاده - نه، در اینجا دارد یک حکم دیگری را می‌گوید.

آقای مؤمن - نخیر، تبصره می‌گوید که این اشخاص در اولویت قرار گیرند.

آقای ابراهیمیان - ادامه‌ی این بحث، تکرار مکررات می‌شود، ولی سه محل مصرفی که در [جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی] ذکر شده است، یکی مربوط به خوداتکایی برای خانواده‌های مستضعف است و یکی بحث اختصاص درآمدها به تعاونی‌های فراگیر است که تعاونی، شخصیت حقوقی مستقل دارد و هرگز نمی‌تواند جانباز یا ایثارگر باشد. البته اعضای تعاونی ممکن است جانباز یا ایثارگر باشند، [ولی خود تعاونی نمی‌تواند جانباز یا ایثارگر باشد]. سوم هم ایجاد زیربناهای اقتصادی است که بر هیچ کدام از این سه مورد، عنوان دادن مطالبه و دیون صادق نیست. آن وقت، اولویت وقتی معنا دارد که آن خرجی که الان دارند می‌گویند جزء یکی از همین سه مورد باشد. الان آن خرج جزء هیچ کدام از این سه مورد نیست تا موقع پرداخت، بگوییم این مورد در اولویت قرار گیرد. این خرج تراشی، عنوان جدیدی است؛ بنابراین شامل این سه مورد نمی‌شود.

آقای مؤمن - پس آوردن عبارت «اولویت» در تبصره (۲) غلط است، و الا شما باید بتوانید «اولویت» را در اینجا معنا کنید.

آقای شبزنده‌دار - یک وقت به عنوان قانون اولیه می‌گوییم که اینها را از فلان منبع بپردازید، این می‌شود قانون اولی؛ در اینجا شما ممکن است بگویید که مثلاً آن منبع اصلاً درست نیست. اما در اینجا مفروض این است که مطالبات و دیون موضوع این تبصره، از آن محل پرداخت می‌شود؛ چون عبارتش این است: پرداخت مطالبات از فلان منبع که مفروع‌عنه است پرداخت می‌شود، و حالا دارد می‌گوید ایثارگران و جانبازان در پرداخت از آن منبع در اولویت قرار گیرند. نمی‌گوید که از آن منبع پرداخت شود.

آقای مؤمن - بله، عبارت «در اولویت» به کار برده‌اند.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی اینکه می‌گویند محل مصرف آن منبع، در سیاست‌ها مشخص شده است معنا ندارد؟

آقای مؤمن - نه، محل‌های مصرف همین‌هاست

آقای شب‌زنده‌دار - پرداخت مطالبات از این منبع، مفروغ‌عنه گرفته شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - معنایش این نیست.

آقای علیزاده - حاج‌آقای شب‌زنده‌دار، تبصره (۲) می‌گوید که اول مطالبات و دیون این‌تارگران داده شود، بعد نوبت به بقیه می‌رسد.

آقای هاشمی شاهرودی - به این‌تارگران اولویت داده که از آن منبع، مطالباتشان داده شود؛ در حالی که محل‌های مصرف وجوه حاصل از واگذاری، در سیاست‌های کلی مشخص شده است

آقای مؤمن - نخیر، معنای تبصره این نیست.

آقای علیزاده - آقایانی که این تبصره (۲) را خلاف جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) می‌دانند، رأی بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، ما که رأی می‌دهیم.

آقای علیزاده - رأی آورد.

منشی جلسه - (۸) رأی آورد.

آقای مؤمن - چه می‌نویسید؟

منشی جلسه - به اطلاق تبصره ایراد وارد کردید یا به کل آن؟

آقای مدرسی یزدی - این تبصره، اصلاً اطلاق ندارد.

آقای مؤمن - همه‌ی این بحث‌ها به خاطر این است که این تبصره را طوری دیگر معنا کردید و به عبارت «در اولویت قرار دادن» توجه نفرمودید. منظور تبصره، پرداخت مطالبات و دیون از همین وجوه است، نه از پول جدید.

آقای علیزاده - اگر این وجوه، ناشی از فروش سهام و سهم‌الشرکه شرکت‌های دولتی باشد، نمی‌توان آنها را بابت مطالبات و دیون پرداخت کرد، تا بتوانیم این‌تارگران در اولویت پرداخت قرار بگیرند. بنابراین، این تبصره خلاف اصل (۱۱۰) است.

آقای مدرسی یزدی - البته اگر دین، مربوط به یکی از همین امور [مذکور در سیاست‌های کلی واگذاری] باشد، عیبی ندارد. از این جهت، بهتر است بگوییم که اطلاق تبصره (۲) ایراد دارد.

آقای ره‌پیک - اصلاً ما در سیاست‌های کلی واگذاری، چیزی به نام پرداخت دین نداریم.

آقای مؤمن - می‌فرمایید پرداخت دین ندارد! همه‌اش مربوط به پرداخت دیون بود.

منشی جلسه - حاج‌آقا، بگویم اطلاق تبصره (۲) ایراد دارد؟

آقای علیزاده - بله. ۱. «ماده ۳- به دولت اجازه داده می‌شود عملیات اجرایی وصول مطالبات دولت (وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی) را در مواردی که واجد شرایط مذکور در ماده (۲) این قانون می‌باشند، تا مبلغ بدهی قابل تسویه طبق آیین‌نامه اجرایی که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، تا پایان سال ۱۳۹۵ متوقف و محدودیت خروج مدیران اشخاص یادشده از کشور را به لحاظ بدهی‌های مذکور در سقف مبلغ یادشده مرتفع کند.»

آقای مدرسی یزدی - یعنی چه؟

آقای مؤمن - یعنی کمک می‌کند که این اشخاص و مدیران اذیت نشوند.

آقای مدرسی یزدی - یعنی چه؟

آقای مؤمن - برای اینکه می‌خواهد موانع تولید و رقابت را رفع بکند.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا این اشکالی که شما به بند (پ) ماده قبلی کردید، عین همان اشکال بر این ماده نیز وارد است.

آقای علیزاده - در این ماده هم، محل مصرف را تعیین نکرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر محل مصرفش، مشمول همین منابع حاصل از واگذاری سهام شرکت‌های دولتی باشد، دوباره این ماده هم خلاف سیاست‌های کلی است.

آقای علیزاده - نه، مشمول نمی‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - مثلاً شخصی یک بدهی به دولت دارد و یک طلبی هم از دولت دارد، می‌آید ...

آقای علیزاده - می‌آید اینها را با هم تهاتر می‌کند و بعد این شرکت دولتی باید آن مبلغ بدهی تسویه‌شده را به دولت بدهد و به خزانه واریز کند. این اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - اصلاً این ماده، در مقام بیان آن جهت‌ها نیست.

۱. بند (۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۸۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۶ شورای نگهبان: «۱- ... به علاوه، اطلاق تبصره (۲) این ماده، مغایر جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و بالتجیه مغایر بند یک اصل (۱۱۰) قانون اساسی می‌باشد.»

آقای هاشمی شاهرودی - در سیاست‌های کلی گفته شده که این پولی که این شرکت طلب دارد، باید بگیرد و خرج فلان مورد بشود، نه اینکه آن را به دولت بدهد.

آقای رهپیک - اطلاق این ماده هم اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - اصلاً این ماده، در مقام بیان آن موضوع نیست که بگوییم اطلاقش اشکال دارد.

آقای علیزاده - شرکت دولتی باید معادل آن مبلغ بدهی تسویه شده را به خزانه واریز کند. وقتی معادل آن را پرداخت کند، مثل این است که خودش این مبلغ را داده است.

آقای هاشمی شاهرودی - در این موارد که [در واقع] پولی به خزانه نمی‌دهد؛ چون این مبلغ با بدهی دولت تهاتر شده است.

آقای رهپیک - مصرف می‌شود دیگر.

آقای علیزاده - نه، بند (پ) ماده (۲) می‌گوید: «شرکت دولتی که به این ترتیب جایگزین بدهکار می‌شود، موظف است مبلغ بدهی تسویه شده را به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کند.» وقتی این مبلغ را آنجا واریز کرد، یعنی این مبلغ را جابه‌جا می‌کند، ولی در اینجا که محل مصرفی برای آن مبلغ تعیین نکرده‌اند.

آقای مؤمن - با طلب شرکت دولتی تهاتر می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - شرکت که در اینجا پولی نگرفته است.

آقای رهپیک - بابت بدهی دولت داده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، بابت بدهی دولت داده است.

آقای علیزاده - نه.

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاً تهاتر معنایش همین است؛ پولی که رد و بدل نمی‌شود.

آقای علیزاده - با آن شرکت دولتی تهاتر می‌کند. پس شرکت باید معادل آن مبلغ را به دولت بدهد. اینجا نوشته است دیگر: «شرکت دولتی که به این ترتیب جایگزین بدهکار می‌شود، موظف است مبلغ بدهی تسویه شده را به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کند.»

آقای هاشمی شاهرودی - خب، به حساب درآمد عمومی واریز می‌شود، ولی به مصرفی که در سیاست‌های کلی ذکر شده است، نمی‌رسد.

آقای علیزاده - در اینجا که محل مصرف تعیین نشده است؛ محل مصرفش طبق قانون

[= سیاست‌های کلی اصل (۴۴)] است.

آقای مدرسی یزدی - یک ابهامی در اینجا هست و آن اینکه آیا این پول به همان مصرفی می‌رسد که باید بدهی در آنجا خرج می‌شد؟

آقای مؤمن - نه، مصرف نمی‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاً چیزی به حساب خزانه عمومی واریز نمی‌شود.

آقای علیزاده - در اینجا صحبتی از محل مصرف نکرده است.

آقای مدرسی یزدی - نه، این خوب است.

آقای رهپیک - اصل آن این است که طلب‌های دولت را از بدهکاران بگیرند و آن را بابت بدهی‌های دولت پردازند. اصل آن، این است؛ اما اطلاق آن، چون ...

آقای مدرسی یزدی - این دیگر از موضوع سیاست‌های کلی خارج می‌شود.

آقای رهپیک - بله دیگر، از موضوع سیاست‌های کلی خارج می‌شود؛ لذا حداقل اطلاق این حکم اشکال دارد؛ چون حداقل بخشی از این مطالبات دولت از افراد، مطالبات ناشی از واگذاری سهام و اموال شرکت‌های دولتی است.

آقای مؤمن - نخیر.

آقای رهپیک - حال آنکه این وجوه ناشی از فروش شرکت‌های دولتی را باید بگیرند و به مصارف تعیین‌شده در سیاست‌های کلی اصل (۴۴) برسانند، اما اینجا می‌گویند دولت بدهی خودش را با این وجوه بدهد.

آقای مدرسی یزدی - البته این ماده، سیاست‌های مربوط به واگذاری را نفی نمی‌کند؛ ولی به نظرم به آن ابهام بگیریم، خوب است تا ببینیم سرنوشت این وجوه و مبالغ تسویه‌شده که به خزانه واریز شده، چه می‌شود؟

آقای رهپیک - نه، اصلاً واریز به خزانه مطرح نیست؛ تهاثر با بدهی دولت است.

آقای علیزاده - گفته‌اند به حساب درآمد عمومی واریز می‌شود.

آقای رهپیک - باشد؛ بالاخره همین هم باید به خزانه برود.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر چنین شود، یعنی اینکه این وجوه، خرج بدهی دولت شد، نه خرج آن محل‌های تعیین‌شده در سیاست‌ها. یقیناً همین‌طور است. احسنت، دقت خوبی است آقای دکتر [رهپیک].

آقای علیزاده - اگر آقایان موافقت، ما این ایراد را این‌طور بنویسیم که: باید تکلیف این

وجوهی که مربوط به واگذاری سهام و سهم‌الشرکه شرکت‌های دولتی ...

آقای هاشمی شاهرودی - که مشمول سیاست‌های کلی اصل (۴۴) است.

آقای عزیزاده - ... موضوع سیاست‌های کلی اصل (۴۴) می‌باشد را مشخص کنید.

آقای رهپیک - خوب است. یعنی باید این مواد را طوری بنویسند که پرداخت مطالبات

اشخاص از دولت، خارج از عایدات ناشی از واگذاری‌های مربوط به اصل (۴۴) باشد.

آقای عزیزاده - آقایانی که این ایراد را قبول دارند، بفرمایند.

آقای مدرسی یزدی - خوب است.

آقای اسماعیلی - این ایراد نیست؛ ابهام است.

آقای عزیزاده - بله، چون تکلیف این وجوه را از این جهت روشن نکرده است، ابهام

دارد.

آقای مؤمن - مگر از درآمد عمومی دولت نیست؟ چرا می‌فرمایید ابهام دارد؟ خب، در

مصوبه‌ی بودجه، تکلیف آن را مشخص می‌کنند.

آقای رهپیک - نه، از جهت محل مصرف آن، ابهام دارد.

آقای مؤمن - چه ابهامی دارد؟ قانون اساسی می‌گوید کلیه‌ی دریافت‌های دولت در

خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و کلیه‌ی پرداخت‌ها هم طبق اعتبار مصوب انجام

می‌شود.

آقای عزیزاده - بله، در لایحه‌ی بودجه هم غیر از این نباید بگویند.

آقای مؤمن - بله، خود مجلس هم این کار را نمی‌کند.

آقای رهپیک - نه، اشکال این مواد، مغایرت با اصل (۵۳)^۱ که نیست.^۲

منشی جلسه - تبصره ماده (۳): «تبصره - سازمان تأمین اجتماعی مکلف است تا پایان

۱. اصل پنجاه و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های

خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام

می‌گیرد.»

۲. بند (۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۸۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۶ شورای نگهبان: «۱- ... همچنین بند (پ) این

ماده، از این جهت که تکلیف وجوهی که مربوط به واگذاری سهام و سهم‌الشرکه و ... موضوع

سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی است را مشخص نکرده است، ابهام دارد؛ پس

از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

سال ۱۳۹۵ از ممنوع‌الخروج نمودن کارفرما و توقیف ابزار و ماشین‌آلات تولید و مواد اولیه خودداری کند.»

آقای رهپیک - چرا؟

آقای عزیزاده - تا نتوانند اینها را راحت بفروشند.

آقای رهپیک - خب، آیا این امکان‌پذیر است؟ چون سهام و اموال سازمان تأمین اجتماعی برای مردم است.

آقای مؤمن - برای خود سازمان تأمین اجتماعی است. دولت هم گاهی از سازمان تأمین اجتماعی قرض می‌کند

آقای رهپیک - خب، این تبصره می‌گوید اینها را ممنوع‌الخروج نکنید و اموالشان هم توقیف نشود، چرا توقیف نکنند؟

آقای عزیزاده - من یک سؤال از شما دارم. الآن چرا اینها ممنوع‌الخروج می‌شوند؟ چون قانون می‌گوید. خب همین قانون الآن دارد می‌گوید اینها ممنوع‌الخروج نشوند.

آقای مدرسی یزدی - ولی قانون هم نباید خلاف شرع باشد.

آقای عزیزاده - بله، نباید خلاف شرع باشد. من خودم با این قانون مخالف هستم، اما آیا ما می‌توانیم بگوییم این مصوبه از جهت مغایرت با قانون اساسی یا شرع، ایراد دارد؟

آقای مدرسی یزدی - بله، باید ببینیم اگر خلاف شرع یا خلاف قانون اساسی است، به آن ایراد بگیریم.

آقای هاشمی شاهرودی - توقیف ابزار، ماشین‌آلات و اینها واقعاً [برای تولید] مضر است.

آقای رهپیک - خب اگر تأدیه‌ی حقوق اینها متوقف بر توقیف اینها باشد، یعنی این بدهکار، همین کارخانه را دارد و هیچ سرمایه‌ی دیگری الا این کارخانه ندارد، [چه کار باید بکنند؟] این تبصره می‌گوید تا سال ۱۳۹۵ اینها را توقیف نکنید، [خب پس چه کار کنند؟]

آقای مدرسی یزدی - این تکلیف، برای سازمان تأمین اجتماعی است یا برای مردم؟

آقای مؤمن - برای سازمان تأمین اجتماعی است.

آقای مدرسی یزدی - البته برای مردم که نیست، برای خود سازمان است؛ چون تأمین اجتماعی یک چیز مستقل است.

آقای رهپیک - مقصودش، بدهکارهای سازمان است.

آقای مؤمن - نخیر، مقصودش خود سازمان تأمین اجتماعی است.

آقای علیزاده - نه، می‌گوید سازمان تأمین اجتماعی نباید اموال اشخاصی که بابت حق بیمه و اینها از آنها طلب دارد را توقیف کند.

آقای مؤمن - نه.

آقای علیزاده - بله دیگر.

آقای رهپیک - همان‌ها را می‌گوید.

آقای علیزاده - تبصره می‌گوید: «سازمان تأمین اجتماعی مکلف است تا پایان سال ۱۳۹۵ از ممنوع‌الخروج نمودن کارفرما و توقیف ابزار و ماشین‌آلات تولید و مواد اولیه خودداری کند.»

آقای مدرسی یزدی - چه برای خودش، چه برای دیگران.

آقای رهپیک - نه، شامل خودش نمی‌شود.

آقای علیزاده - شامل خودش که نمی‌شود؛ شامل بدهکارهای سازمان تأمین اجتماعی می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای رهپیک - ببینید، این لایحه می‌خواهد موانع تولید را رفع کند. فرض کند یک شرکتی در زمینه‌ی پرداخت حق بیمه به سازمان تأمین اجتماعی بدهکار است. خب، این تبصره می‌گوید که برای اینکه رونق تولید ایجاد شود، سازمان تأمین اجتماعی که به خاطر وصول طلبش، هم حق دارد مدیران آن شرکت را ممنوع‌الخروج کند و هم اموال شرکت را ضبط کند و طلبش را از وی استیفا کند، تا سال ۱۳۹۵ دست نگه دارد. برای اینکه ما می‌خواهیم تولید را رونق دهیم، توی طلبکار نمی‌توانی با بدهکار این کارها را انجام بدهی.

آقای علیزاده - ممنوع‌الخروج کردن مدیران شرکت یک حرفی است، اما توقیف کردن، مگر چه بلایی بر سر املاک می‌آورد که آن را هم ممنوع کرده است؟

آقای مدرسی یزدی - می‌گوید سازمان، مأمور خودش را ممنوع‌الخروج نکند.

آقای علیزاده - ابزار و ماشین‌آلات را توقیف نکند.

آقای رهپیک - حالا اگر هیچ راهی برای وصول طلب نبود آلاً توقیف، چه باید کرد؟

آقای هاشمی شاهرودی - اینجا از باب «نظرة الى میسره»^۱ است.

آقای رهپیک - بله.

آقای مدرسی یزدی - نه، الآن «میسره» که دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی می‌فرمایید کارخانه را تعطیل کنند؟!

آقای علیزاده - نه، معنای توقیف [ابزار و ماشین‌آلات تولید و مواد اولیه] که تعطیل کردن کارخانه نیست؛ معنایش این است که از نقل و انتقال آن به غیر جلوگیری کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - توقیف یعنی پلمب؛ ما در دستگاه قضایی بودیم، می‌دانیم که توقیف یعنی پلمب کارخانه.

آقای ابراهیمیان - نه حاج‌آقا، ما الآن در مقرراتمان داریم؛ مثلاً در مورد مطالبات دولت و شهرداری‌ها ...

آقای علیزاده - نه، توقیف اعم از اینها است. توقیف یعنی از نقل و انتقال جلوگیری شود.

آقای مدرسی یزدی - بله، یک‌وقت منظور از توقیف، توقیف معامله است، یک‌وقت توقیف خود کارخانه است. اگر منظور توقیف معامله‌ی اموال کارخانه باشد، بله اشکالی ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، اینجا که نگفته است توقیف معامله؛ گفته است توقیف ابزار و ماشین‌آلات.

آقای مدرسی یزدی - خب توقیف ابزار و ماشین‌آلات، یعنی توقیف معامله‌ی ابزار و ماشین‌آلات.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی ابزار و ماشین‌آلات کارخانه را پلمب کنند.

آقای علیزاده - اگر منظور این باشد که معامله‌ی ابزار و ماشین‌آلات متوقف شود، چه اشکالی دارد؟

آقای مؤمن - نه، منظورش توقیف معامله نیست.

آقای مدرسی یزدی - نه، واقعاً باید بینابین یک چیزی را درست کنند. این‌طوری، به صورت کلی درست نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - این خلاف است.

۱. سوره‌ی بقره، آیه (۲۸۰): «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ» اگر بدهکار، قدرت پرداخت نداشته باشد، او را تا هنگام توانایی مهلت دهید. (ترجمه‌ی آیت‌الله مکارم شیرازی)

آقای سلیمی - اگر به نظر آقایان فقها، این موضوع خلاف شرع است، رأی بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، حکم این تبصره، خلاف شرع نیست؛ چون سازمان تأمین اجتماعی هم دولت است؛ قانون می‌تواند چنین حکمی برای آن وضع کند.

آقای علیزاده - بله، یک مؤسسه‌ی عمومی است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، یک مؤسسه عمومی است. یعنی دولت دارد برای خودش، محدودیت‌هایی وضع می‌کند و می‌گوید این کار را نکن. چنین حکمی خلاف شرع که نیست.

آقای ابراهیمیان - الآن ما در این زمینه قانون داریم؛ «قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری‌ها». در آن قانون می‌گوید که به شهرداری‌ها حدود یک یا یک سال و نیم مهلت داده می‌شود تا بدهی‌های خود را به اشخاص بپردازند و این اشخاص، حق توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری‌ها را ندارند.^۱

آقای رهپیک - حاج‌آقا، در اینجا منظور، اموال دولت که نیست؛ اموال سازمان تأمین اجتماعی است که بخش زیادی از سهام آن متعلق به بخش خصوصی است.

آقای هاشمی شاهرودی - باشد؛ برای دولت است دیگر.

آقای علیزاده - سازمان تأمین اجتماعی، یک مؤسسه‌ی عمومی است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، مؤسسه‌ی عمومی یا حالا هر چه اسم آن را می‌گذارید.

منشی جلسه - سازمان تأمین اجتماعی، یک مؤسسه‌ی عمومی غیردولتی است.

آقای رهپیک - نه، خود آن خصوصی است.

۱. قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری‌ها مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی (اصلاحی ۱۳۸۹/۵/۲۷): «ماده واحده- وجوه و اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری‌ها اعم از اینکه در تصرف شهرداری و یا نزد اشخاص ثالث و به صورت ضمانت‌نامه به نام شهرداری باشد، قبل از صدور حکم قطعی قابل تأمین و توقف و برداشت نمی‌باشد. شهرداری‌ها مکلفند وجوه مربوط به محکوم‌به احکام قطعی صادره از دادگاه‌ها و یا اوراق اجرایی ثبتی یا اجرای دادگاه‌ها و مراجع قانونی دیگر را در حدود مقدورات مالی خود از محل اعتبار بودجه سال مورد عمل و یا در صورت عدم امکان از بودجه سال آتی خود بدون احتساب خسارت تأخیر تأدیه به محکوم‌لهم پرداخت نمایند. در غیر این صورت ذی‌نفع می‌تواند برابر مقررات نسبت به استیفای طلب خود از اموال شهرداری تأمین یا توقیف یا برداشت نماید.»

- آقای هاشمی شاهرودی** - حکم این تبصره، اشکال شرعی ندارد.
- آقای عزیزاده** - اگر اشکال شرعی ندارد، ایراد قانون اساسی هم اصلاً ندارد.
- آقای مدرسی یزدی** - صبر کنید ببینیم واقعاً سازمان تأمین اجتماعی، دولتی است یا نه؟
- آقای عزیزاده** - مؤسسه‌ی عمومی است؛ مثل شهرداری.
- منشی جلسه** - مؤسسه‌ی عمومی غیردولتی است.
- آقای عزیزاده** - تابع حکومت است.
- آقای هاشمی شاهرودی** - تابع دولت است دیگر.
- آقای هاشمی شاهرودی** - تابع حکومت است؛ ضمن حکومت است؛ بالاخره متعلق به اشخاص که نیست.
- آقای عزیزاده** - من اگر نماینده‌ی مجلس بودم، به این تبصره رأی نمی‌دادم.
- آقای هاشمی شاهرودی** - اتفاقاً این تبصره، خوب است.
- آقای عزیزاده** - اگر من در مجلس بودم می‌گفتم که توقیف حقوقی اموال اشکالی ندارد، اما توقیف مادی آن اشکال دارد؛ اما اینجا [به صورت کلی گفته است].
- آقای هاشمی شاهرودی** - با توقیف حقوقی هم می‌روند همه‌ی معاملات آن شرکت را متوقف می‌کنند و اصلاً آن شرکت فلج می‌شود. یکی از علل همین رکودی که الآن در کشور است، همین قوانین است.
- آقای عزیزاده** - به هر حال، این تبصره از حیث قانون اساسی، ایرادی ندارد.
- آقای سوادکوهی** - خیلی چیز بدی است، که اینها حقوق بیمه را نمی‌دهند، بعد هم اعلام ورشکستگی می‌کنند و می‌روند یک کار دیگری می‌کنند.
- منشی جلسه** - من قانون آن را آوردم؛ سازمان تأمین اجتماعی جزو مؤسسات عمومی غیردولتی است.
- آقای عزیزاده** - بله، اینکه معلوم است؛ و نکته‌ی دیگر هم اینکه ما در اینجا سازمان تأمین اجتماعی را جزو مؤسسات عمومی می‌گیریم و اگر وظیفه‌ای برای آن تعیین کنند، [طبق اصل (۷۵) قانون اساسی] می‌گوییم باید بودجه‌ی لازم برای آن را هم تعیین کنند.
- آقای مدرسی یزدی** - اگر اساسنامه‌اش اجازه نداده باشد و مردم هم طبق آن اساسنامه سهام این سازمان را خریده باشند، [وضعیت این حکم، چه می‌شود؟]

آقای علیزاده - اصلاً تشکیل سازمان تأمین اجتماعی به موجب اساسنامه نیست؛ به موجب قانون است.^۱ سازمان تأمین اجتماعی به موجب قانون به وجود آمده است.

آقای ابراهیمیان - مردم، سهام دار آن نیستند، بلکه افراد یک پولی به سازمان می پردازند و آن پول جزو دارایی ها و منابع خود آن سازمان می شود. سازمان هم در مقابل آن پول، تعهداتی را به عهده می گیرد.

آقای علیزاده - این مؤسسات حتی مانند بانک هم نیستند که مردم پولی بپردازند تا بعداً برداشت کنند. در اینجا بسیاری حق بیمه می پردازند ولی چیزی نمی گیرند.

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره این سازمان، برای حکومت است.

آقای علیزاده - ببینید اگر اشکال شرعی ندارد، رد شویم.

منشی جلسه - «ماده ۴- کلیه بانکها و مؤسسات اعتباری موظفند از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون تا مدت سه سال:

الف- سالانه حداقل سی و سه درصد (۳۳٪) اموال خود اعم از منقول، غیرمنقول و سرقفلی را که به تملک آنها و شرکت های تابعه آنها درآمده است و به تشخیص شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مازاد می باشد، واگذار

۱. ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵- مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی از نظر این قانون واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی دارد، تشکیل شده و یا می شود.»

ماده (۳) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ کمیسیون مشترک رسیدگی به لایحه مدیریت خدمات کشوری مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳- مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی: واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده یا می شود و بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی تأمین گردد و عهده دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد.»

ماده (۱) لایحه قانونی اصلاح قانون تشکیل سازمان تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۸/۴/۲۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران: «ماده ۱- به منظور اجراء و تعمیم و گسترش انواع بیمه های اجتماعی و استقرار نظام هماهنگ و متناسب با برنامه های تأمین اجتماعی، همچنین تمرکز وجوه و درآمدهای موضوع قانون تأمین اجتماعی و سرمایه گذاری و بهره برداری از محل وجوه و ذخائر، سازمان مستقلی به نام «سازمان تأمین اجتماعی» وابسته به وزارت بهداشت و بهزیستی که در این قانون «سازمان» نامیده می شود، تشکیل می گردد. سازمان دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است و امور آن منحصرأ طبق اساسنامه ای که به تصویب هیئت وزیران می رسد، اداره خواهد شد.»

کنند. منظور از شرکت‌های تابعه مذکور، شرکت‌هایی هستند که بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مالک بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سهام آن باشند یا اکثریت اعضای هیئت مدیره آن را تعیین کنند.»

آقای مدرسی یزدی - اگر این کار را بکنند که بانک‌ها بسته می‌شوند.

آقای مؤمن - بله، در این صورت واقعاً بانک می‌شوند و دیگر شرکت اجرایی نخواهند بود.

آقای مدرسی یزدی - بله، حالا که فعلاً دارند از راه کارهای آزاد و همین املاک، پول در می‌آورند.

منشی جلسه - «ب- سهام تحت تملک خود و شرکت‌های تابعه خود را در بنگاه‌هایی که فعالیت‌های غیربانکی انجام می‌دهند، به استثنای طرح‌های نیمه تمام شرکت‌های تابعه واگذار کنند. تشخیص «غیربانکی» بودن فعالیت بنگاه‌هایی که بانک‌ها، مؤسسات اعتباری و شرکت‌های تابعه، سهامدار آنها هستند، بر عهده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است.

تبصره ۱- معادل صد درصد (۱۰۰٪) مابه‌التفاوت حاصل از فروش اموال و دارایی‌های مازاد بانک‌های دولتی نسبت به مبلغ قیمت دفتری و هزینه‌های فروش پس از کسر سهم سود قطعی سپرده‌گذاران، به خزانه‌داری کل کشور واریز و جهت افزایش سرمایه همان بانک تخصیص داده می‌شود. وجوه حاصل از این تبصره از پرداخت مالیات و سود سهم دولت معاف است.

تبصره ۲- با رعایت سیاست‌های کلی و قانون اجرای سیاست‌های کلی اجرای اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ و اصلاحات بعدی آن، وجوه حاصل از واگذاری باقیمانده سهام دولت در بانک‌ها و بیمه‌های مشمول واگذاری مطابق با دستورالعملی که به تصویب وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌رسد، در قالب بودجه‌های سنواتی به افزایش سرمایه بانک‌های دولتی اختصاص می‌یابد.

تبصره ۳- در اجرای این ماده وزارت امور اقتصاد و دارایی موظف است ظرف مدت سه سال مطابق دستورالعملی که به تصویب مجمع عمومی بانک‌ها می‌رسد،

نسبت به بازسازی ساختار مالی و استقرار حاکمیت شرکت در بانک‌های دولتی اقدام کند.»

آقای رهپیک - این تبصره (۲) هم از نظر مغایرت با سیاست‌های کلی اشکال دارد.

آقای علیزاده - تبصره (۲) یک چیزی است و تبصره (۳) یک چیز دیگر است.

آقای مؤمن - بله.

آقای علیزاده - بفرمایید ایراد تبصره (۲) چیست؟

آقای رهپیک - تبصره (۲) می‌گوید: «... وجوه حاصل از واگذاری باقیمانده سهام دولت در بانک‌ها و بیمه‌های مشمول واگذاری ... به افزایش سرمایه بانک‌های دولتی اختصاص می‌یابد.» این محل مصرف هم جزء مصارف تعیین شده در سیاست‌های کلی اصل (۴۴) نیست.

آقای علیزاده - بله، اشکال دارد. محل مصرف وجوه ناشی از واگذاری‌ها در سیاست‌های کلی مشخص شده است. پس این تبصره هم همان اشکال سابق [= اشکال تبصره (۲) ماده (۲)] را دارد.

آقای مدرسی یزدی - بله، همان ایراد تبصره‌ی بالا را دارد.

آقای علیزاده - بله، همان اشکال تبصره‌ی بالایی را دارد.

آقای رهپیک - چون محل‌های مصرف این وجوه در سیاست‌های کلی، مشخص شده است.

آقای علیزاده - در اینجا می‌گویند که کل آن وجوه را باید به افزایش سرمایه‌ی بانک‌ها اختصاص دهند. این، خلاف جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) است.

آقای اسماعیلی - خود این تبصره دارد می‌گوید: «با رعایت سیاست‌های کلی...».

آقای رهپیک - بیخود گفته است. یعنی با رعایت سیاست‌ها، خلاف آن عمل کنیم؟!

آقای مدرسی یزدی - شاید در سیاست‌های کلی یک استثنایی در این زمینه وجود داشته باشد.

آقای رهپیک - نه، استثنایی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - چرا؛ یک استثنا دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - در جاهایی که دولت ضروری و لازم بداند، استثنا شده است.^۱

۱. جزء (۱) بند (الف) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی

آقای رهپیک - آن یک چیز دیگر است.

آقای عزیزاده - آن [جزء (ب) ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)] می‌گوید که دولت می‌تواند تا بیست درصد (۲۰٪) ارزش مجموع سهام بنگاه‌های دولتی را نگه بدارد و واگذار نکند.^۱

آقای رهپیک - آن در مورد تقسیم‌بندی شرکت‌های قابل واگذاری و غیر قابل واگذاری است.

آقای هاشمی شاهرودی - اینجا در تبصره (۲)، قانون اجرای سیاست‌ها را هم اضافه کرده است؛ یعنی هم رعایت خود سیاست‌های کلی اصل (۴۴) لازم دانسته شده و هم

→

ایران، ابلاغی ۱۳۸۴/۳/۱ مقام معظم رهبری: «الف - سیاست‌های کلی توسعه بخش‌های غیردولتی و جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی:

۱- دولت حق فعالیت اقتصادی جدید خارج از موارد صدر اصل (۴۴) را ندارد و موظف است هرگونه فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های قبلی و بهره‌برداری از آن) را که مشمول عناوین صدر اصل (۴۴) نباشد، حداکثر تا پایان برنامه پنج‌ساله چهارم (سالانه حداقل ۲۰٪ کاهش فعالیت) به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار کند. با توجه به مسئولیت نظام در حُسن اداره کشور، تداوم و شروع فعالیت ضروری خارج از عناوین صدر اصل (۴۴) توسط دولت بنا به پیشنهاد هیئت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی برای مدت معین مجاز است. اداره و تولید محصولات نظامی، انتظامی و اطلاعاتی نیروهای مسلح و امنیتی که جنبه محرمانه دارد، مشمول این حکم نیست.» در همین زمینه، تبصره (۲) ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم (۴۴) قانون اساسی مقرر می‌دارد: «تبصره ۲- تداوم مالکیت، مشارکت و مدیریت دولت در بنگاه‌های مربوط به گروه یک ماده (۲) این قانون و بعد از انقضاء قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی و یا شروع فعالیت در موارد ضروری تنها با پیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای اسلامی و برای مدت معین مجاز است.»

۱. جزء (ب) ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم (۴۴) قانون اساسی: «ب- دولت مکلف است هشتاد درصد (۸۰٪) از ارزش مجموع سهام بنگاه‌های دولتی در هر فعالیت مشمول گروه دو ماده (۲) این قانون به استثنای راه و راه‌آهن را به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی واگذار نماید.»

تبصره ۱- دولت مجاز است به منظور حفظ سهم بهینه بخش دولتی در فعالیت‌های گروه دو ماده (۲) این قانون با توجه به حفظ حاکمیت دولت، استقلال کشور، عدالت اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی به میزانی سرمایه‌گذاری نماید که سهم دولت از بیست درصد (۲۰٪) ارزش این فعالیت‌ها در بازار بیشتر نباشد.»

قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴).

آقای ره‌پیک - ما به قانون [اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)]، کاری نداریم.

آقای هاشمی شاهرودی - این موضوع ذکر شده در تبصره (۲)، شاید به قانون اجرای سیاست‌ها مربوط باشد. شاید در آن قانون، یک چیزهایی باشد که این اجازه را به دولت می‌دهد که این‌گونه بکنند. آن قانون را هم ببینید. البته این تبصره، حتماً خلاف سیاست‌ها است، ولی آن قانون را هم ببینید، شاید در آن قانون، یک چیزی در این خصوص وجود داشته باشد.

آقای اسماعیلی - چون خود این تبصره دارد می‌گوید «با رعایت سیاست‌های کلی»، [احتمالاً یک چیزی باید باشد].

آقای علیزاده - این تبصره (۲)، حتی در لایحه‌ی دولت هم نبوده است؛ این تبصره در مجلس اضافه شده است.

آقای مؤمن - خوب اضافه شود، چه اشکالی دارد؟

آقای ره‌پیک - راجع به محل‌های مصرف این وجوه، عین همین بندهای سیاست‌های کلی، در خود قانون اجرای سیاست‌های کلی هم موادی آمده است.

آقای علیزاده - آقای دکتر، در مورد بانک‌ها احکام جداگانه‌ای نگفته‌اند؟

آقای ره‌پیک - نه دیگر، به صورت کلی گفته‌اند: «بنگاه‌های دولتی».

آقای علیزاده - به نظرم ما در این خصوص، از خود مجلسی‌ها یک سؤالی بپرسیم؛ بگوییم شما مجوز این حکم تبصره (۲) را برای ما بیاورید. اگر نیاوردند همان ایراد قبلی را به اینجا هم بگیریم.

آقای مدرسی یزدی - خودتان هم نگاه بفرمایید.

آقای ابراهیمیان - یک بحث مربوط به واگذاری خود سهام آن شرکت و مؤسسه است و یک بحث مربوط به واگذاری اموال آن است. عرض من این است که آیا سیاست‌های کلی ناظر به واگذاری خود آن شرکت و سهام آن است؟ اگر این چنین است، این با فروش اموال بانک، فرق می‌کند. فروش اموال بانک با واگذاری خود سهام و در واقع واگذاری یک بنگاه، دو مفهوم متمایز است. عرض من این است که اگر آنچه که در سیاست‌های کلی آمده است مربوط به واگذاری سهام بنگاه‌ها و مؤسسات است، این با واگذاری اموال آن بنگاه فرق می‌کند و اینها یک مفهوم متباین هستند.

آقای مدرسی یزدی - آنچه که در سیاست‌های کلی آمده، مربوط به واگذاری سهام بنگاه‌ها است.

آقای رهپیک - جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) می‌گوید: «۲- مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری: وجوه حاصل از واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و در قالب برنامه‌ها و بودجه‌های مصوب به ترتیب زیر مصرف می‌شود: ...»

آقای علیزاده - بانک‌ها خودش یک بحث دیگری دارد.

آقای رهپیک - نه، همین است؛ بانک‌ها هم «بنگاه دولتی» هستند.

آقای علیزاده - در سیاست‌های کلی، قسمت مربوط به بانک‌ها را بیاورید؛ در آنجا می‌گوید که همه‌ی بانک‌ها باید واگذار شود جز بانک ملی و چند بانک دیگر.^۱

آقای سوادکوهی - غیر از این چیزی نداریم.

آقای رهپیک - نه، خود شرکت‌های دولتی مادر تخصصی را هم داریم که آنها هم یک چیز دیگر است.

آقای ابراهیمیان - تبصره (۱) گفته است: «معادل صد درصد (۱۰۰٪) مابه‌التفاوت حاصل از فروش اموال و دارایی‌های مازاد بانک‌های دولتی ... به خزانه‌داری کل کشور واریز و جهت افزایش سرمایه همان بانک تخصیص داده می‌شود.» خب این را هم باید ایراد می‌گرفتید.

آقای رهپیک - ببینید، اصل (۴۴) در مورد وجوه حاصل از فروش سهام شرکت‌ها و بنگاه‌های دولتی می‌گوید، این وجوه باید به این چند مصرف معین برسد. برای کدام

۱. جزء (۲) بند (ج) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ابلاغی ۱۳۹۴/۳/۱ مقام معظم رهبری: «ج- توسعه بخش‌های غیردولتی از طریق واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی:

... واگذاری (۸۰٪) از سهام بنگاه‌های دولتی مشمول صدر اصل (۴۴) به بخش‌های خصوصی، شرکت‌های تعاونی سهامی عام و بنگاه‌های عمومی غیردولتی به شرح ذیل مجاز است:

۱- ...

۲- بانک‌های دولتی به استثنای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک ملی ایران، بانک سپه، بانک صنعت و معدن، بانک کشاورزی، بانک مسکن و بانک توسعه صادرات.

۳- ...»

شرکت‌ها؟ آن شرکت‌هایی که آنجا گفتیم که باید واگذار شوند. اما موضوع تبصره (۱)، یک بحث دیگری است. الآن اشکالمان به این تبصره نیست؛ چون در تبصره (۱) که بانک را نمی‌خواهند واگذار کنند؛ تبصره (۱) می‌گوید از محل فروش اموال و دارایی‌های مازاد این بانک‌ها، برای همان بانک، افزایش سرمایه بدهید.

آقای مؤمن - منظور سهامی است که بانک‌های دولتی در شرکت‌ها دارند، نه سهام خود بانک‌ها.

آقای ابراهیمیان - سهام دولت در بانک‌ها.

آقای مؤمن - سهام مازاد بانک‌های دولتی.

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره خود تبصره (۲) گفته است که با رعایت سیاست‌های کلی اصل (۴۴) این کار انجام شود؛ نگفته است که مخالف آن انجام شود.

آقای مدرسی یزدی - این تبصره هم اصلاً موضوع ندارد؛ صدر و ذیلش با هم تناقض دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - چه کسی می‌گوید تناقض دارد؟

آقای شبزنده‌دار - تناقض پیش می‌آید؛ چون خود سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، افزایش سرمایه‌ی بانک‌ها را منع کرده است، اما این تبصره دارد می‌گوید با رعایت سیاست‌های کلی، بانک‌ها افزایش سرمایه بدهند!

آقای مؤمن - اموال و دارایی‌های مازاد بانک‌های دولتی فروخته می‌شود یا اگر شرکت‌های مازاد درست کرده‌اند و خودشان را تاجر کرده‌اند، [آنها را می‌فروشند و به سرمایه‌ی بانک اضافه می‌کنند].

آقای اسماعیلی - اگر با رعایت سیاست‌های کلی اصل (۴۴) و قانون اجرای سیاست‌ها نتوانند این کار را بکنند، خوب نمی‌کنند.

آقای سوادکوهی - نمی‌شود.

آقای اسماعیلی - خوب، اگر این تبصره، موضوع نداشته باشد، نمی‌کنند.

آقای سوادکوهی - این تبصره، الآن حداقل ابهام دارد؛ برای اینکه خود سیاست‌های کلی اصل (۴۴) گفته است که افزایش سرمایه ندهید، اما این تبصره می‌گوید افزایش سرمایه بدهند.

آقای اسماعیلی - نه، می‌گوید با رعایت سیاست‌های کلی.

آقای ابراهیمیان - یعنی هر جا که امکان دارد.

آقای مؤمن - افزایش سرمایه‌ی بانک‌های دولتی که عیبی ندارد؛ تجارت بانک‌ها عیب دارد.

آقای سوادکوهی - چرا؛ افزایش سرمایه هم عیب دارد.

آقای علیزاده - بنگاه‌های دولتی که حتماً شامل این شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به بانک‌ها نمی‌شود.

آقای رهپیک - مگر بانک‌های دولتی، بنگاه دولتی نیستند؟ هستند.

آقای سوادکوهی - بله، بنگاه دولتی هستند.

آقای علیزاده - یک‌وقت بحث مربوط به سهام خود بانک است و یک‌وقت بحث مربوط به واگذاری اموال بانک‌ها است. همان حرفی که آقای دکتر [ابراهیمیان] فرمودند. ما باید ببینیم در اینجا منظور کدام است.

آقای رهپیک - ما اصلاً کاری به میزان فروش سهام نداریم. ما می‌گوییم جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، محل مصرف وجوه حاصل از واگذاری سهام را مشخص کرده است. آنجا می‌گوید هر چه سهم فروختید، محل مصرفش در این چند مورد است. خب این محل مصرفی که در این تبصره آمده است، جزء آن مصارف جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی نیست. این جزء (۲) بند (د) به چه کسی دارد می‌گوید؟ به همه دارد می‌گوید. می‌گوید اگر بنگاه‌های دولتی را فروختید، وجوهش را فقط در این محل‌ها مصرف کنید. خب افزایش سرمایه‌ی بانک‌ها جزء این موارد مصرف مشخص شده در سیاست‌ها نیست. پس این عبارت «با رعایت سیاست‌های کلی» که در تبصره (۲) آمده است، به کجا اشاره دارد؟!

آقای مدرسی یزدی - این تبصره را مجلس اضافه کرده است یا در لایحه‌ی دولت بوده است؟

آقای ابراهیمیان - مجلس اضافه کرده است.

آقای علیزاده - جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی: «۲- مصارف درآمدهای حاصله از واگذاری؛ وجوه حاصل از واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و در قالب برنامه‌ها و بودجه‌های مصوب به ترتیب زیر مصرف می‌شود:

۱-۲- ایجاد خوداتکایی برای خانواده‌های مستضعف و محروم و تقویت تأمین اجتماعی؛ ملاحظه می‌کنید که در این بند، بانک‌ها جدا نشده‌اند و فصل مربوط به بانک‌ها، فقط مربوط به بانک‌هایی است که قابل واگذاری است، و آلا که اینها جزء بانک‌ها هستند.

آقای رهپیک - نه، آن فرق می‌کند.

آقای علیزاده - «۲-۲- اختصاص (۳۰٪) از درآمدهای حاصل از واگذاری به تعاونی‌های فراگیر ملی به منظور فقرزدایی

۲-۳- ایجاد زیربنای اقتصادی با اولویت مناطق کمتر توسعه یافته

۲-۴- اعطای تسهیلات (وجوه اداره شده) برای تقویت تعاونی‌ها و نوسازی و بهسازی بنگاه‌های اقتصادی غیردولتی با اولویت بنگاه‌های واگذار شده و نیز برای سرمایه‌گذاری بخش‌های غیردولتی در توسعه مناطق کمتر توسعه یافته.»

آقای هاشمی شاهرودی - خب، بانک‌ها مشمول این جزء (۲-۴) که مربوط به اعطای تسهیلات است می‌شوند.

آقای رهپیک - تبصره (۲) که ربطی به تسهیلات ندارد؛ موضوعش افزایش سرمایه‌ی بانک است.

آقای هاشمی شاهرودی - با این مصوبه می‌خواهند جلوی این را بگیرد که چیزی که از سهم دولت واگذار می‌شود، دولت در جای دیگر خرج نکند، بلکه آن را به بانک بدهند تا به سرمایه‌ی بانک اضافه شود و بانک بتواند تسهیلات بیشتری به مردم بدهد.

آقای علیزاده - در اینجا که اصلاً صحبتی از تسهیلات نشده است. اگر منظورشان این است که شما می‌گویید، باید آن را در این ماده ذکر بکنند.

آقای هاشمی شاهرودی - همین است دیگر.

آقای رهپیک - نه، موضوعی که در اینجا ذکر شده است، افزایش سرمایه‌ی بانک‌ها است، نه ارائه‌ی تسهیلات.

آقای هاشمی شاهرودی - خب منظورشان این است که به سرمایه‌ی بانک‌ها اضافه شود تا بانک بتواند به مردم تسهیلات بیشتری بدهد.

آقای رهپیک - این که افزایش سرمایه‌ی بانک محسوب نمی‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا دیگر؛ افزایش سرمایه‌ی بانک برای ارائه‌ی تسهیلات است دیگر.

آقای رهپیک - نه، افزایش سرمایه، جدای از موضوع تسهیلات است.

آقای هاشمی شاهرودی - بند (الف) ماده (۴) گفته است که سالانه باید حداقل سی و سه درصد (۳۳٪) از اموال مازاد بانک‌ها به مردم واگذار شود. بعد گفته است که درآمد حاصل از این واگذاری، صرف افزایش سرمایه‌ی بانک‌ها شود. این، یعنی اینکه بانک‌ها با این افزایش سرمایه، تسهیلات بیشتری به مردم بدهند.

آقای علیزاده - اینها اصلاً با هم فرق دارد. یک وقت می‌گویند سرمایه‌ی بانک افزوده شود، یک وقت می‌گویند این مقدار وجوه اداره‌شده به بانک می‌دهیم تا آن را برای دادن وام صرف کنند و بعد هم اقساط تسهیلات را بگیرند و دوباره برگردانند. در این صورت اخیر که چیزی به سرمایه‌ی بانک اضافه نمی‌شود.

آقای رهپیک - بله، به بانک اعتبار می‌دهند؛ یک خط اعتباری برای ارائه‌ی تسهیلات می‌دهند.

آقای هاشمی شاهرودی - اینجا هم همین را می‌خواهد بگوید.

آقای مؤمن - اینجا دارد می‌گوید سرمایه‌ی بانک اضافه شود.

آقای هاشمی شاهرودی - خب می‌گوید به سرمایه‌ی بانک اضافه شود تا بانک بتواند تسهیلات بیشتری بدهد.

آقای مؤمن - قهراً نتیجه‌اش همین است.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی دولت حق ندارد این وجوه را در جای دیگری خرج بکند و مثلاً در عملیات بنگاه‌داری هزینه کند.

آقای علیزاده - منظور این تبصره، اعطای تسهیلات نیست. برای ارائه‌ی تسهیلات، دولت ممکن است در قالب لایحه‌ی بودجه، مثلاً بگوید که من این مقدار پول به بانک ملی اختصاص می‌دهم تا بانک ملی آن را برای فلان امور، به مردم وام بدهد. خب با این کار، که چیزی به سرمایه‌ی بانک ملی اضافه نمی‌شود.

آقای ابراهیمیان - یک ابهام بگیریم.

آقای هاشمی شاهرودی - وقتی سرمایه‌ی بانک اضافه شد، بانک با این سرمایه‌اش، وام بیشتری هم می‌تواند به مردم بدهد.

آقای علیزاده - پولی که به منظور افزایش سرمایه در اختیار بانک‌ها قرار می‌گیرد، [با پولی که به منظور دادن وام و تسهیلات به بانک‌ها داده می‌شود،] فرق دارد.

آقای مؤمن - اینکه می‌گوید سرمایه‌ی بانک‌ها اضافه شود، یعنی چه؟

آقای علیزاده - یعنی اینکه اگر مثلاً بانک ملی تا الآن سرمایه‌اش سه هزار میلیارد بوده است، حالا چهار هزار میلیارد بشود.

آقای مؤمن - خوب، با این چهار هزار میلیارد چه کار می‌کنند؟

آقای علیزاده - ممکن است آن را به هر مصرفی برسانند. ببینید؛ یک وقت دولت می‌گوید من هزار میلیارد به بانک ملی می‌دهم تا آن را برای این امور، به مردم وام و تسهیلات بدهد. این مسئله با این چیزی که در اینجا [در خصوص افزایش سرمایه‌ی بانک] آمده است، فرق می‌کند.

آقای مؤمن - فرقی نمی‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - چون در بند (الف) همین ماده گفته‌اند که دولت نمی‌تواند با پول حاصل از فروش مازاد اموال بانک‌ها، ملک بخرد، پس هر چه سرمایه‌ی بانک از این طریق افزوده بشود، آن را در بخش تسهیلات مصرف می‌کنند.

آقای مؤمن - بله، در بند (الف) نگفته‌اند که بانک‌ها می‌توانند آن را در جایی دیگر خرج یا مصرف کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره، مربوط به همان بند (الف) است؛ یعنی می‌خواهد بگوید اینکه ما در بند (الف) گفتیم که بانک‌ها نباید با سرمایه‌ی حاصل از فروش مازاد اموال خود تجارت کنند، یعنی اینکه باید با آن تسهیلات بدهند. در این صورت، هر چه بر سرمایه‌ی بانک‌ها اضافه شود، مشمول همان بند (الف) است.

آقای مدرسی یزدی - لازم نیست که بانک حتماً با آن افزایش سرمایه، به مردم تسهیلات بدهد، بلکه ممکن است آن را خرج توسعه‌ی زیربناها کند و مثلاً ساختمان بسازد.

آقای هاشمی شاهرودی - دستور بانک مرکزی این است که با آن باید تسهیلات بدهند.

آقای مدرسی یزدی - اینجا که نگفته است فقط باید با آن تسهیلات بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - بانک مرکزی فقط اجازه‌ی ارائه‌ی تسهیلات می‌دهد؛ اجازه نمی‌دهد که بانک با این پول، تجارت کند.

آقای رهپیک - سرمایه که زیاد می‌شود، سهام هم زیاد می‌شود؛ یعنی بانک باید سهامش را افزایش بدهد.

آقای مؤمن - بانک باید بانکداری بکند، نه تجارت.

آقای سلیمی - عنوان جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) این است: «وجوه حاصل از واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی». ماده (۴) این مصوبه، اصلاً ارتباطی به موضوع واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی که در سیاست‌های کلی آمده است ندارد. این ماده دارد می‌گوید که اموال زائد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری باید فروخته شود که این مسئله، با بحث سیاست‌های کلی واگذاری فرق می‌کند. ما یک وقت می‌گوییم که این مؤسسات باید غیردولتی بشوند و سهام خود را بفروشند، [در این صورت، این کار، موضوع سیاست‌های کلی واگذاری است و باید در قالب سیاست‌های کلی انجام شود]، اما در اینجا فرض این است که این مؤسسات دولتی را به عنوان «دولتی بودن» قبول کرده‌ایم ولی اینها یک سری اموال زائد دارند که حالا می‌گوییم اینها باید این اموال زائد خود را بر اساس تشخیص شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی بفروشند. حالا قانون‌گذار برای اینکه آنها به این کار تن بدهند و این اموال مازاد را بفروشند و از این طریق، از هزینه‌های زیادی که بر نظام بار می‌شود، کاسته بشود، گفته است که هر چه از فروش این اموال مازاد عاید شد، به خود بانک‌ها برمی‌گردانیم و به سرمایه‌ی خودشان اضافه می‌کنیم.

آقای مدرسی یزدی - در سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، به «وجوه حاصل» تصریح شده است.

آقای سلیمی - منظور از آن، وجوه حاصل از واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی است، اما در اینجا منظور وجوه حاصل از فروش اموال زائد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری است که بر اساس تشخیص شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی باید بفروشند.

آقای سوادکوهی - در تبصره (۲) ماده (۴) هم گفته است: «وجوه حاصل از واگذاری باقیمانده سهام دولت در بانک‌ها و بیمه‌های مشمول واگذاری».

آقای اسماعیلی - این ماده (۴)، کلاً یک پیام دارد؛ نمی‌شود یک تبصره‌ی آن را از تبصره‌ی دیگرش جدا کنیم [و آن را معنا کنیم]. ماده (۴) با همه‌ی اجزایش، یک حرف دارد می‌زند و آن این است که می‌خواهد پول و سرمایه‌ی بانک‌ها را سازماندهی کند تا در کارهای غیر بانکی مصرف نشود، بلکه برود در همان جایی مصرف بشود که بانک به خاطر آن تأسیس شده است. ماده (۴)، این موضوع را می‌خواهد بگوید؛ چیز دیگری

جدای از این نمی‌گوید. برای اینکه به این هدف برسد در بند اول یعنی بند (الف) گفته است که بانک‌ها سالانه باید سی و سه درصد (۳۳٪) از اموال زائد خود را بفروشند؛ نمی‌تواند در بند اول بگوید سی و سه درصد (۳۳٪) از اموال مزادشان را بفروشند و در تبصره ی بند (۴) بگوید بخرند! این دارد سهام بانک‌ها را افزایش می‌دهد تا بانک‌ها بتوانند عملیات بانکی انجام بدهند. اینها همه با هم معنا می‌شود. بند (الف) به بانک‌ها می‌گوید که سی و سه درصد (۳۳٪) از اموال زائد خود را بفروشید، نه اینکه بفروشید و دوباره بخرید. بند (ب) هم در همین راستا می‌گوید که سهام بنگاه‌هایی را که کار غیر بانکی می‌کنند بفروشید، نه اینکه بفروشید و دوباره با وجوه حاصل از آن، کار غیر بانکی بکنید. یعنی می‌خواهد دارایی بانک‌ها را در اموری که مربوط به کار بانکداری است، متمرکز کند و به نظر من اگر این عمل شود، کار بسیار خوبی است. این ماده دو پیام دارد؛ بند (الف) و (ب)، که بند (ب) هم سه تبصره برای اجرای همان بند (ب) دارد. بنابراین، این چیزی که در این ماده آمده است مخصوصاً با تصریح به «رعایت سیاست‌های کلی و قانون اجرای سیاست‌های کلی»، به نظر من هیچ مشکلی ندارد.

آقای عزیزاده - با یک توضیحی که می‌دهم، این ماده اشکالی ندارد. چرا اشکال ندارد؟ چون این ماده، بانک‌هایی که باید واگذار بشوند را نگفته است، بلکه آن بانک‌هایی را گفته است که طبق قانون نباید واگذار شوند و باقی می‌مانند. عبارت «با رعایت سیاست‌های کلی اصل (۴۴)» را هم برای همین آورده است؛ یعنی بانک‌هایی که طبق قانون و سیاست‌های کلی اصل (۴۴) نباید واگذار شوند و باقی می‌مانند، اموال مزادشان را که می‌فروشند، وجوه حاصل از این فروش را به سرمایه‌ی خود بانک اضافه می‌کنند؛ یعنی به سرمایه‌ی همین بانک‌هایی که باقی هستند و طبق سیاست‌های اصل (۴۴) قابل واگذاری نیستند، اضافه می‌شود. چند بانک است که طبق اصل (۴۴) قابل واگذاری نیستند؛ یکی بانک ملی است، یکی بانک سپه است و... . خب این که اشکالی ندارد. اما آن بانک‌هایی هم که باید واگذار شوند، خب با همه‌ی متعلقاتشان واگذار می‌شوند و تمام می‌شود می‌رود. حتی اگر این مصوبه مربوط به همان بانک‌هایی باشد که واگذار می‌شوند و خصوصی هستند، حکم این ماده که می‌گوید وجوه حاصل از فروش اموال مزادشان را صرف افزایش سرمایه‌شان بکنند، اشکالی ندارد. اشکالی دارد؟

آقای ابراهیمیان - نه.

آقای عزیزاده - در مورد بانک‌های دولتی هم که غیرقابل واگذاری اند گفته است که این کار را نکنند. بنابراین، این ماده اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - اگر مربوط به این مراد می‌شود، اشکالی ندارد و کار خوبی کرده است.

آقای ابراهیمیان - به نظرم، یک ابهام به این ماده بگیریم.

آقای عزیزاده - ماده بعدی را بخوانیم.

آقای رهپیک - نه، اینکه اطلاق دارد.

آقای عزیزاده - نه، پس عبارت «با رعایت سیاست‌های کلی اصل (۴۴)» را برای چه گفته‌اند؟ معلوم می‌شود که این ماده، اطلاق ندارد.

آقای ابراهیمیان - حالا این مشکل خودشان است؛ برای این ماده را اجرا کنند، سیاست‌های کلی اصل (۴۴) را هم در آن رعایت کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - البته این ماده اشکالی ندارد، ولی آیا اطلاق این حکمی که در تبصره (۳) آمده است و گفته است اجرای این ماده مطابق با دستورالعملی که به تصویب مجمع عمومی بانک‌ها می‌رسد، انجام می‌شود، خلاف اصل (۸۵) قانون اساسی نیست؟

آقای اسماعیلی - نه، آنکه دستورالعمل است.

آقای مدرسی یزدی - اتفاقاً بدتر است. اگر به جای «دستورالعمل»، «آیین‌نامه» گفته بود، بهتر بود.

آقای عزیزاده - بله، چون اگر آیین‌نامه باشد [برای نظارت از جهت عدم مغایرت مفاد آن با قوانین عادی] به مجلس ارسال می‌شود.

آقای رهپیک - [در مجمع عمومی بانک‌ها،] وزیر حضور دارد.

آقای مدرسی یزدی - باشد.

منشی جلسه - «ماده ۵- در صورت عدم انجام تکالیف موضوع ماده (۴) این قانون، مجازات‌های زیر نسبت به بانک یا مؤسسه اعتباری متخلف اعمال می‌شود:

الف- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با اخطار قبلی، نسبت به اعمال مجازات‌های قانونی از جمله ماده (۴۴) قانون پولی و بانکی کشور مصوب

۱۳۵۱/۴/۱۸ و اصلاحات بعدی آن اقدام می‌کند.

ب- سود بانک‌ها و مؤسسات اعتباری که منشأ آن فعالیت‌های غیر بانکی شامل نگاه‌داری و نگهداری سهام باشد، در سال ۱۳۹۵ با نرخ بیست و هشت درصد (۲۸٪) مشمول مالیات می‌شود. پس از آن، هر سال سه واحد به درصد نرخ مذکور اضافه می‌شود تا به پنجاه و پنج درصد (۵۵٪) برسد.

پ- عایدی املاک غیرمنقول مازاد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری شامل زمین، مستغلات، سرقفلی و اموال مشابه آن در سال ۱۳۹۵ با نرخ بیست و هشت درصد (۲۸٪) مشمول مالیات می‌شود. پس از آن، هر سال سه واحد درصد به نرخ مذکور اضافه می‌شود تا به پنجاه و پنج درصد (۵۵٪) برسد. منظور از عایدی املاک در این ماده، مابه‌التفاوت قیمت بازاری ملک در ابتدا و انتهای سال مالی است و بانک یا مؤسسه اعتباری که دارایی غیرمنقول مازاد نگهداری می‌کند موظف است از سال ۱۳۹۵ به بعد، بر اساس نرخ‌های مقرر در این ماده، همه‌ساله مالیات بر عایدی دارایی غیرمنقول مازاد تحت تملک خود را بپردازد. چگونگی تقویم دارایی موضوع این ماده، مطابق آیین‌نامه اجرایی است که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان امور مالیاتی کشور تهیه می‌شود و ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ت- مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره بانک‌ها و مؤسسات اعتباری که به دلایلی جز موارد تبصره (۱) این ماده و یا حکم قضایی مبنی بر عدم واگذاری اموال و سهام موضوع ماده (۴) این قانون، اقدام به اجرای این حکم نمایند به مدت پنج سال از عضویت در هیئت مدیره و نیز تصدی سِمَت مدیرعاملی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری محروم می‌شوند.

تبصره ۱- موارد زیر از شمول مجازات‌های مقرر در این ماده مستثنی است:

الف- مواردی که بانک یا مؤسسه اعتباری حسب مورد به تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران یا سازمان بورس و اوراق بهادار اقدامات لازم برای واگذاری دارایی‌های موضوع این ماده را انجام داده ولی به عللی خارج از اراده بانک یا مؤسسه اعتباری واگذاری آن ممکن نشده باشد؛

ب- نگهداری اموال منقول یا غیرمنقول و سهامی که به تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به صورت قهری به تملک بانک یا مؤسسه اعتباری درآمده باشد. نگهداری این گونه اموال و سهام تا یک سال پس از تاریخ تملک، مشمول مجازات‌های موضوع این ماده نیست. تعیین مصادیق قهری بودن تملک، مطابق آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه می‌شود و ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

تبصره ۲- نظارت مستقیم بر اجرای این حکم با وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌باشد و وزارت مزبور موظف است هر سه ماه یک‌بار گزارش عملکرد حکم این ماده را به کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی ارائه کند.»

آقای مؤمن - اینکه در اینجا اختیار را به هیئت وزیران داده است، اشکالی ندارد؟

آقای علیزاده - اختیار تعیین مصادیق قهری بودن تملک را به هیئت وزیران داده است.

آقای مؤمن - بله، بند (ب) می‌گوید: «تعیین مصادیق قهری بودن تملک، مطابق آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه می‌شود و ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد»؛ این تعیین مصادیق قهری بودن را که نمی‌شود با آیین‌نامه تعیین کرد.

آقای اسماعیلی - چون در قانون مدنی موارد قهری بودن تملک روشن است، در اینجا هیئت وزیران فقط باید مصداق را تشخیص دهد.

آقای مؤمن - پس حداقل، این مطلب را در اینجا اضافه کنند.

آقای مدرسی یزدی - مثلاً شخصی فوت می‌کند و اموال و دارایی‌های او به وراثت می‌رسد.

آقای علیزاده - در اینجا که بحث از ارث می‌ت نیست؛ در اینجا مثلاً یک شرکت منحل می‌شود و دارایی‌هایش به سهامدارانش می‌رسد.

آقای مدرسی یزدی - خب ممکن است شخصی مثلاً نذر کرده باشد.

آقای مؤمن - بله، ممکن است. پس لازم است که به قانون مدنی ارجاع بدهند و مثلاً بگویند تملک قهری طبق فلان ماده از قانون مدنی، تا معلوم باشد قهری بودن تملک بر چه اساسی است.

آقای علیزاده - منظور بند (ب)، این است که بانک درخواست وصول طلبش را از بدهکار می‌کند و بدهکار نمی‌دهد. در این حالت، بانک مال او را توقیف می‌کند. بعد مال را به مزایده می‌گذارند و اگر خریداری پیدا نشد، بانک طبق قانون اجرای احکام مدنی^۱ این مال را با قیمت کارشناسی بابت طلب خودش قبول می‌کند. این بند که از تملک قهری صحبت می‌کند، این موضوع را می‌خواهد بگوید. گفته است بانک می‌تواند این‌گونه اموال را حداکثر تا یک سال پس از تملک نگهدارد تا بتواند برایش مشتری پیدا کند.

آقای مدرسی یزدی - این، خوب است.

آقای مؤمن - اصل کار خوب است.

آقای علیزاده - منظور ماده از تدوین آیین‌نامه در بند (ب)، تعیین مصادیق این‌گونه تملک‌های قهری است.

آقای مؤمن - بله، تعیین مصادیق است که البته باید با توجه به قوانین باشد.

آقای مدرسی یزدی - به نظر می‌رسد اشکالی نداشته باشد.

منشی جلسه - در بند (الف) ماده (۵) گفته است که بانک مرکزی با توجه به ماده (۴۴) قانونی پولی و بانکی کشور،^۲ نسبت به اعمال مجازات قانونی اقدام می‌کند، اما آنجا

۱. ماده (۱۳۱) قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۸/۱ مجلس شورای ملی: «ماده ۱۳۱- هرگاه مالی که مزایده از آن شروع می‌شود خریدار نداشته باشد محکوم‌له می‌تواند مال دیگری از محکوم‌علیه معرفی و تقاضای توقیف و مزایده آن را بنماید یا معادل طلب خود از اموال مورد مزایده به قیمتی که ارزیابی شده قبول کند یا تقاضای تجدید مزایده مال توقیف شده را بنماید...»

۲. ماده (۴۴) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ مجلس شورای ملی: «ماده ۴۴- تخلف از سایر مقررات این قانون و آیین‌نامه‌های آن و دستورات بانک مرکزی ایران که به موجب این قانون یا آیین‌نامه‌های آن صادر می‌شود موجب مجازات‌های انتظامی زیر خواهد بود:

۱- تذکر کتبی به مدیران یا متصدیان متخلف

۲- پرداخت مبلغی روزانه تا حداکثر دویست هزار ریال برای ایام تخلف

۳- ممنوع ساختن بانک یا مؤسسه اعتباری غیر بانکی از انجام بعضی امور بانکی به طور موقت یا دائم. مرجع رسیدگی به تخلفات موضوع این ماده و صدور حکم به مجازات‌های انتظامی هیئت انتظامی بانک‌ها خواهد بود که مرکب است از نماینده دادستان کل، یک نفر نماینده کانون بانک‌ها و یک نفر از اعضای شورای پول و اعتبار به انتخاب شورا. دبیر کل بانک سیمت دادستان هیئت را خواهد داشت. احکام هیئت انتظامی ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در شورای پول و اعتبار خواهد بود و

[در ماده (۴۴) قانون پولی و بانکی] گفته شده است که هیئت انتظامی بانک‌ها مرجع رسیدگی و صدور حکم به مجازات است؛ اما الآن اینجا در بند (الف) می‌گوید که بانک مرکزی نسبت به اعمال مجازات قانونی اقدام می‌کند.

آقای مؤمن - [هیئت انتظامی بانک‌ها] در بانک مرکزی است.

منشی جلسه - الآن منظور این بند این است که خود بانک مرکزی این کار را می‌کند یا اینکه باید بر اساس ماده (۴۴) قانونی پولی و بانکی کشور عمل می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، مطابق قانون باید انجام شود.

آقای عزیزاده - اگر بگویید خود بانک مرکزی هم این کار را بکند، اشکالی ندارد؛ چون معلوم است که بانک مرکزی هم از آن طریق [= از طریق هیئت انتظامی بانک‌ها، موضوع ماده (۴۴) قانونی پولی و بانکی کشور] عمل می‌کند.

منشی جلسه - «ماده ۶- تا پایان سال ۱۳۹۴ پنجاه درصد (۵۰٪) منابع و از سال ۱۳۹۵، صد درصد (۱۰۰٪) منابعی که از محل حساب ذخیره ارزی به عاملیت بانک‌های دولتی صرف اعطای تسهیلات به بخش‌های خصوصی و تعاونی شده است و طی سال‌های آتی وصول می‌شود، پس از کسر تعهدات قبلی به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز و جهت افزایش سرمایه دولت در بانک‌های دولتی با اولویت همان بانک‌های عامل منظور می‌شود. برای این منظور به بانک‌های عامل حساب ذخیره ارزی اجازه داده می‌شود تا یکصد هزار میلیارد (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به اتکای مطالبات جاری (حصه تسهیلات اعطایی سررسید نشده) از اشخاص بابت اعطای تسهیلات از محل حساب ذخیره ارزی، اوراق بهادار مبتنی بر دارایی منتشر نمایند و منابع حاصل را به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز کنند. ...»

→

رأی شورا قطعی است.

تبصره ۱- وجوه موضوع ماده (۴۳) و بند (۲) این ماده به وسیله بانک مرکزی ایران از بانک یا مؤسسه مربوط وصول و به حساب درآمد عمومی منظور خواهد شد.

تبصره ۲- ترتیب رسیدگی و تشخیص تخلفات و تعیین هر یک از مجازات‌های انتظامی برای تخلفات و ترتیب درخواست تجدید نظر و طرز رسیدگی مجدد و اجرای تصمیمات هیئت رسیدگی و شورای پول و اعتبار مطابق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید.»

آقای رهپیک - این مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی نیست؟

آقای علیزاده - چرا.

منشی جلسه - «... صد درصد (۱۰۰٪) وجوه مذکور با تصویب هیئت وزیران صرف افزایش سرمایه بانک‌های دولتی می‌شود. ضوابط ناظر بر انتشار اوراق بهادار مذکور و تسویه حساب بانک‌های عامل با خزانه‌داری کل کشور به موجب آیین‌نامه اجرایی است که ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این قانون به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

آقای اسماعیلی - کجای این ماده اشکال دارد؟

آقای رهپیک - می‌گوید آن پول‌هایی که بابت تسهیلات پرداختی از محل حساب ذخیره‌ی ارزی، وصول می‌شود و به خزانه‌داری کل واریز می‌شود را به بانک‌ها بدهند.

آقای علیزاده - این پول مال بانک نیست، چرا باید از خزانه بردارند و به بانک‌ها بدهند؟

آقای هاشمی شاهرودی - بانک‌های دولتی را دارد می‌گوید.

آقای علیزاده - خوب باشد.

آقای یزدی - بحثی ندارد.

آقای رهپیک - می‌گوید تسهیلاتی که از حساب ذخیره ارزی داده‌اند، بازپرداخت آن را به خزانه بریزند. بعد می‌گوید دولت مکلف است که پنجاه درصد (۵۰٪) و صد درصد (۱۰۰٪) این منابع را هر ساله دائماً جهت افزایش سرمایه‌ی دولت در بانک‌ها منظور کند. این مخالف اصل (۵۲) قانون اساسی است دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - نه دیگر؛ منظور این است که باید روال قانونی‌اش را هم طی کند.

آقای علیزاده - خوب، این را نگفته است. این طلب‌های خود بانک را دارد می‌گوید.

آقای رهپیک - نه، می‌گوید از این به بعد شما باید این‌گونه در بودجه‌ی سالانه منظور کنید. این، مغایر اصل (۵۲) است دیگر.

آقای علیزاده - درست است؛ این وجوه متعلق به بانک نبوده است، متعلق به دولت بوده است.

آقای سلیمی - این ماده، در لایحه‌ی دولت به چه صورت بوده است؟

آقای علیزاده - اصلاً این ماده در لایحه‌ی دولت بوده است؟

آقای رهپیک - حالا اینکه در لایحه‌ی بوده یا نبوده است، فرقی نمی‌کند.

آقای علیزاده - نه، اگر در لایحه‌ی دولت نبوده باشد، [بار مالی دارد و] خلاف اصل (۷۵) هم هست.

آقای رهپیک - بله، غیر از آن، اگر در لایحه‌ی دولت نبوده باشد، خلاف اصل (۷۵) هم می‌شود، ولی ...

آقای علیزاده - من لایحه‌ی دولت را می‌خوانم، نگاه کنید ببینید همین است: «ماده ۶- صد درصد منابعی که از محل حساب ذخیره ارزی به عاملیت بانک‌های دولتی صرف اعطای تسهیلات به بخش‌های خصوصی و تعاونی شده است و طی سال‌های آتی وصول می‌شود، پس از کسر تعهدات قبلی به حساب افزایش سرمایه دولت در بانک‌های دولتی منظور می‌شود. ...» خب، دارد می‌گوید «به حساب افزایش سرمایه دولت منظور می‌شود»؛ اینکه اشکالی ندارد. به نظر شما اشکالی دارد؟

آقای اسماعیلی - نه.

آقای علیزاده - از جهت اصل (۷۵) اشکالی ندارد. در لایحه‌ی دولت هم همین بوده است. ادامه‌ی این ماده، در لایحه، این بوده است: «... به بانک‌های عامل حساب ذخیره ارزی اجازه داده می‌شود تا یکصد هزار میلیارد (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به اتکای مطالبات از اشخاص بابت اعطای تسهیلات از محل حساب ذخیره ارزی، اوراق بهادار مبتنی بر دارایی منتشر نمایند و منابع حاصل را به خزانه واریز نمایند. صد درصد وجوه مذکور با تصویب هیئت وزیران صرف افزایش سرمایه بانک‌های دولتی خواهد شد. مقررات ناظر بر انتشار اوراق بهادار فوق و تسویه حساب بانک‌های عامل با خزانه به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

آقای علیزاده - این پول‌ها باید به خزانه واریز شود و باید از خزانه هم برداشت شود. برداشت دوباره‌ی این پول‌ها از خزانه، حتماً دوباره نیازمند تصویب مجلس است. دیگر؛ اینکه معلوم است.

آقای اسماعیلی - اینجا نگفته‌اند که دوباره از خزانه بردارند.

آقای مدرسی یزدی - کسی که نمی‌تواند همین طوری از خزانه برداشت کند.

منشی جلسه - «ماده ۷- از ابتدای سال ۱۳۹۵ کلیه معافیت‌های مقرر در مواد (۷)، (۱۱) و (۱۲) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۸/۹/۲۵ در

۱. مواد (۷)، (۱۱) و (۱۲) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۸/۹/۲۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷- متن زیر به عنوان ماده (۱۴۳ مکرر) و چهار تبصره ذیل آن به قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ الحاق می‌شود: ماده ۱۴۳ مکرر- از هر نقل و انتقال سهام و حق تقدم سهام شرکت‌ها اعم از ایرانی و خارجی در بورس‌ها یا بازارهای خارج از بورس دارای مجوز، مالیات مقطوعی به میزان نیم درصد (۰/۵٪) ارزش فروش سهام و حق تقدم سهام وصول خواهد شد و از این بابت وجه دیگری به عنوان مالیات بر درآمد نقل و انتقال سهام و حق تقدم سهام و مالیات بر ارزش افزوده خرید و فروش مطالبه نخواهد شد. کارگزاران بورس‌ها و بازارهای خارج از بورس مکلفند مالیات یادشده را به هنگام هر انتقال از انتقال‌دهنده وصول و به حساب تعیین‌شده از طرف سازمان امور مالیاتی کشور واریز نمایند و ظرف ده روز از تاریخ انتقال، رسید آن را به همراه فهرستی حاوی تعداد و مبلغ فروش سهام و حق تقدم مورد انتقال به اداره امور مالیاتی محل ارسال کنند.

تبصره ۱- تمامی درآمدهای صندوق سرمایه‌گذاری در چارچوب این قانون و تمامی درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار موضوع بند (۲۴) ماده (۱) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ و درآمدهای حاصل از نقل و انتقال این اوراق یا درآمدهای حاصل از صدور و ابطال آنها از پرداخت مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۳/۲ معاف می‌باشد و از بابت نقل و انتقال آنها و صدور و ابطال اوراق بهادار یادشده مالیاتی مطالبه نخواهد شد.

تبصره ۲- سود و کارمزد پرداختی یا تخصیصی اوراق بهادار موضوع تبصره (۱) این ماده به استثنای سود سهام و سهم‌الشرکه شرکت‌ها و سود گواهی‌های سرمایه‌گذاری صندوق‌ها، مشروط به ثبت اوراق بهادار یادشده نزد سازمان جزء هزینه‌های قابل قبول برای تشخیص درآمد مشمول مالیات ناشر این اوراق بهادار محسوب می‌شود.

تبصره ۳- در صورتی که هر شخص حقیقی یا حقوقی مقیم ایران که سهامدار شرکت پذیرفته‌شده در بورس یا بازار خارج از بورس، سهام یا حق تقدم خود را در بورس‌ها یا بازارهای خارج از بورس خارجی بفروشد، از این بابت هیچ گونه مالیاتی در ایران دریافت نخواهد شد.

تبصره ۴- صندوق سرمایه‌گذاری مجاز به هیچ گونه فعالیت اقتصادی دیگری خارج از مجوزهای صادره از سوی سازمان نمی‌باشد.

ماده ۱۱- نهاد واسط از پرداخت هرگونه مالیات و عوارض نقل و انتقال و مالیات بر درآمد آن دسته از دارایی‌هایی که تأمین مالی آن از طریق انتشار اوراق بهادار به عموم صورت می‌گیرد معاف است. وجوه

خصوصاً اوراق صکوک و تمامی اوراق بهاداری که در چهارچوب قوانین و بر اساس ضوابط و مقررات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران منتشر می‌شود، حاکم است.»

آقای مؤمن - یعنی آن معافیت‌ها در اینجا هم حاکم می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - این معافیت‌ها، معافیت‌های مالیاتی است و می‌توانند چنین معافیت‌هایی را وضع کنند؛ اشکالی ندارد.

آقای اسماعیلی - نه دیگر؛ این را مجلس اضافه کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - این مغایر اصل (۷۵) نیست؟

آقای رهپیک - نه، این معافیت‌ها در خود لایحه‌ی دولت بوده است.

منشی جلسه - «ماده ۸- به منظور کمک به تأمین نقدینگی برای حمایت از واحدهای تولیدی کالا و خدمات و تسهیل در وصول مطالبات سررسید گذشته بانک‌ها و یا مؤسسات مالی و یا اعتباری دارای مجوز از این واحدها اقدامات زیر انجام می‌شود:

الف- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است از طریق کلیه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دولتی و خصوصی عامل در صورت درخواست متقاضی، متناسب با بازپرداخت هر بخش از تسهیلات پرداختی به واحدهای تولیدی، نسبت به آزادسازی وثیقه‌های مازاد و یا تبدیل وثیقه متناسب با میزان باقیمانده تسهیلات اقدام نماید. انتخاب وثیقه باقیمانده جهت تضمین با بانک است.

ب- دریافت وکالت بلاعزل از تسهیلات‌گیرندگان و وثیقه‌گذاران بابت وثائق در

→

حاصل از اقدامات تأمین مالی که از طریق انتشار اوراق بهادار توسط این‌گونه نهادها صورت می‌گیرد، باید در حساب خاصی متمرکز شود و هرگونه برداشت از این حساب باید تحت نظارت و با تأیید سازمان انجام گیرد. دستورالعمل مربوط به فعالیت نهادهای واسط ظرف مدت سه ماه به پیشنهاد سازمان به تصویب شورای عالی بورس و اوراق بهادار خواهد رسید.

ماده ۱۲- درآمد حاصل از فروش دارایی به نهاد واسط برای تأمین مالی از طریق عرضه عمومی اوراق بهادار معاف از مالیات است و به نقل و انتقال آن هیچ‌گونه مالیات و عوارضی تعلق نمی‌گیرد. هزینه استهلاک ناشی از افزایش ارزش دارایی در خرید مجدد همان دارایی توسط فروشنده به هر نحوی که باشد جزء هزینه‌های قابل قبول مالیاتی نخواهد بود.»

رهن بانکها و مؤسسات اعتباری دولتی و خصوصی ممنوع است و وثیقه گیرندگان موظفند در قالب قراردادهای منعقدہ یا سایر طرق قانونی نسبت به به اجراء گذاشتن وثیقه‌ها عمل کنند.

پ- ...»

آقای مؤمن - بله، بهتر است که «به اجرا گذاشتن وثیقه‌ها» از طریق وکالت بلاعزل نباشد.

منشی جلسه - «پ- متن زیر به عنوان تبصره (۴) به ماده (۳۴) قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ و اصلاحات بعدی آن الحاق می‌گردد:

تبصره ۴- در راستای تسهیل در وصول مطالبات سررسید گذشته بانکها یا مؤسسات مالی و یا اعتباری دارای مجوز به یکی از روش‌های زیر عمل می‌شود:

۱- بانک و یا مؤسسه مالی و یا اعتباری تسهیلات‌دهنده، در صورت درخواست واحد تولیدی بدهکار، به بازار فرابورس یا کارشناس رسمی دادگستری مراجعه و تمام اموال و دارایی‌های واحد تولیدی را قیمت‌گذاری می‌نماید و با هدف تأمین طلب بانک و یا مؤسسه مالی و یا اعتباری بر روی درصد قابل واگذاری به خریدار، یک مناقصه برگزار می‌کند. با پرداخت میزان طلب بانک و مؤسسه مالی و یا اعتباری از واحد تولیدی توسط خریدار، آن بخش از سهم واحد تولیدی که در مناقصه مشخص شده است، به خریدار منتقل و اموال مورد ترهین آزاد می‌شود.

در صورتی که بدهکار از مجوز فوق برای تسویه بدهی‌های خود استفاده کند، در صورت درخواست خریدار، بدهکار مکلف است به خریدار سهام واحد تولیدی بدهکار اعم از اینکه بانک و یا مؤسسه مالی و یا اعتباری باشد و یا سهام خود را از طریق فرابورس خریداری کرده باشد، اجازه دهد تا با خرید نقدی بخش دیگری از سهام این واحد تولیدی به قیمت قبلی، سهام خود را تا سقف سهام مورد نیاز برای تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده، افزایش دهد.

۲- در مورد معاملات بانکها و مؤسسات مالی و یا اعتباری مجاز، هرگاه مال مورد وثیقه به مبلغ پایه کارشناسی رسمی دادگستری مرضی‌الطرفین خریداری نداشته باشد، به تقاضای بستانکار و ضمن اخطار به تسهیلات‌گیرنده و راهن،

مهلت دو ماهه داده می‌شود تا طلب بانک یا مؤسسه مالی و یا اعتباری را پرداخت نماید و یا ملک مورد وثیقه را با پرداخت تمام یا بخشی از طلب بانک تا سقف مبلغ پایه مزایده فک رهن کند. چنانچه ظرف مدت مذکور طلب بستانکار پرداخت نشود یا مال مورد مزایده توسط راهن فک رهن نشود، مزایده با کسر ده واحد درصد مبلغ پایه کارشناسی فوق‌الذکر در هر نوبت تا پنج بار در فواصل یک‌ماهه و بدون ارزیابی مجدد تکرار می‌شود. در صورتی که این سازوکار منجر به فروش مال مورد وثیقه نگردد، بانک مکلف است در صورت عدم فک رهن مورد وثیقه توسط راهن و یا تسهیلات‌گیرنده به آخرین قیمت مزایده، مال مورد وثیقه را بر مبنای پنجاه درصد (۵۰٪) قیمت پایه اولین مزایده خریداری نموده و مبلغ مازاد بر طلب خود را به مدت سه سال و در سه قسط مساوی به راهن پرداخت کند.

در صورتی که طلب بانک و یا مؤسسه مالی و یا اعتباری به یکی از روش‌های مذکور تعیین تکلیف شود، جریمه‌هایی که تا زمان اجرایی شدن این قانون به تسهیلات اخذشده تعلق گرفته برای واحدهای تولیدی بخشوده می‌شود.

هزینه‌های تکرار مزایده بر عهده تسهیلات‌گیرنده و راهن است که به هنگام تسویه حساب به بستانکار پرداخت می‌شود.»

آقای علیزاده - آقایان فقها در مجمع فقهی قم، این ماده را بررسی فرموده‌اند؟

آقای مؤمن - نخیر.

آقای علیزاده - من نظرم این است که بگذارید تا این ماده را آقایان در مجمع فقهی قم بررسی بکنند تا ببینیم نظرشان چیست، بعداً ما نسبت به این ماده، نظر بدهیم.

آقای رهپیک - بند (۱) این ماده اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - [فراز دوم جزء (۱) تبصره (۴)] اجبار بدهکار به این ترتیبات، اشکال شرعی دارد؛ چون می‌گوید بدهکار مجبور است این را بپذیرد.

آقای رهپیک - یعنی می‌گوید بدهکار مکلف است که اجازه دهد سهامش به این ترتیب برای پرداخت بدهی‌اش فروخته شود. این حکم، از جهت قانون اساسی هم اشکال دارد؛ چون مستلزم اضرار به غیر است.

آقای هاشمی شاهرودی - این تکلیف بدهکار، اشکال شرعی دارد.

آقای علیزاده - کجا؟

آقای هاشمی شاهرودی - «... در صورت درخواست خریدار، بدهکار مکلف است به خریدار سهام واحد تولیدی بدهکار اعم از اینکه بانک و یا مؤسسه مالی و یا اعتباری باشد و یا سهام خود را از طریق فرابورس خریداری کرده باشد، اجازه دهد تا با خرید نقدی بخش دیگری از سهام این واحد تولیدی به قیمت قبلی، سهام خود را تا سقف سهام مورد نیاز برای تشکیل مجمع عمومی فوق العاده افزایش دهد.»؛ خب، ممکن است این بدهکار نخواهد سهام واحد تولیدی خود را بفروشد.

آقای رهپیک - گفته است این سهام را تا سقف سهام مورد نیاز برای تشکیل مجمع عمومی فوق العاده بفروشد.

آقای هاشمی شاهرودی - با همان قیمت قبلی! گفته است: «به قیمت قبلی، سهام خود را تا سقف سهام مورد نیاز برای تشکیل مجمع عمومی فوق العاده، افزایش دهد.» این شبهه‌ی اشکال شرعی دارد.

آقای رهپیک - خلاف قانون اساسی هم هست.

آقای سوادکوهی - نه، چون بدهکار بر اساس حکم قسمت اول جزء (۱) تبصره (۴)، این توافق را پذیرفته است.

آقای هاشمی شاهرودی - کجا پذیرفته است؟

آقای رهپیک - در قسمت اول می‌گوید «در صورت درخواست واحد تولیدی بدهکار»؛ یعنی اگر بانک و بدهکار با هم توافق کردند، این کار انجام می‌شود.

آقای رهپیک - توافق بدهکار به اندازه‌ی بدهی‌اش است، نه بیشتر.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، به اندازه‌ی بدهی اوست؛ اما اینجا می‌گوید بدهکار باید «اجازه دهد تا با خرید نقدی بخش دیگری از سهام این واحد تولیدی به قیمت قبلی»، سهامی علاوه بر میزان بدهی‌اش را بفروشد.

آقای علیزاده - این قید «در صورتی که» [در ابتدای فراز دوم جزء (۱) تبصره (۴)]، برمی‌گردد به قسمت دیگر سهام.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر تکلیف به فروش سهام بدهکار، به اندازه‌ی بدهی‌اش باشد اشکالی ندارد، اما این ماده بدهکار را مکلف کرده است تا اجازه بدهد خریدار مازاد بر میزان بدهی، بخش دیگری از سهامش را هم بدهد تا مجمع عمومی فوق العاده تشکیل شود.

آقای سلیمی - اگر بدهکار از فراز اول استفاده کرد، ملزم به رعایت فراز دوم هم می‌شود.

آقای سوادکوهی - بله دیگر، این یک توافق طرفینی است.

آقای رهپیک - اولی بدهکار است.

آقای مدرسی یزدی - اصل انجام این کار، در صورت درخواست بدهکار است.

آقای رهپیک - بله، در صورت درخواست بدهکار و درخواست پرداخت بدهی از سوی او است.

آقای مدرسی یزدی - اول بدهکار باید درخواست بکند؛ [وقتی خودش درخواست می‌کند] یعنی کل آن را باید بپذیرد.

آقای رهپیک - آیا شما می‌توانید از اول یک تکلیفی را به کسی تحمیل کنید؟ یعنی می‌توانید به بدهکار بگویید که اگر خواستی بدهی‌ات را بدهی، باید بپذیری که بقیه‌ی سهامت را هم بدهی.

آقای سوادکوهی - نه، این تحمیل نیست.

آقای مدرسی یزدی - می‌توان به او گفت، اگر با این روش خاص خواستی بدهی‌ات را بدهی، این کار را هم باید بکنی.

آقای رهپیک - اصلاً با هر روشی بخواهد بدهد. سؤال همین است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد.

آقای رهپیک - اگر این‌طوری باشد، پس هر تکلیفی را می‌توان به افراد تحمیل کرد؛ آیا امکان دارد؟

آقای هاشمی شاهرودی - این درخواست بدهکار، برای برگزاری مناقصه است.

آقای مدرسی یزدی - همراه با متعلقات آن است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، به اندازه‌ی دیون است نه بیشتر.

آقای مدرسی یزدی - نه، همراه با متعلقات آن است.

آقای سلیمی - اگر بدهکار این روش را بخواهد، باید این تکلیف را هم بپذیرد.

آقای علیزاده - بدهکار وقتی درخواست می‌دهد، با توجه به مجموع احکام این بند، درخواست می‌دهد.

آقای مدرسی یزدی - بله، بدهکار درخواست اجرای بند (۱) را می‌کند.

آقای مؤمن - بعد از درخواست، او را مجبور می‌کنند [که بخشی دیگر از سهامش را تا سقف سهام مورد نیاز برای تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده، واگذار کند]. یعنی اگر چنین درخواستی از سوی بدهکار شد، آن اجبار هم در آن هست.

آقای علیزاده - اگر بدهکار موافق نیست، می‌تواند از اول درخواست ندهد.

آقای هاشمی شاهرودی - درخواست، عقد نیست که شرط ضمنی آن، لازم‌الوفاء باشد. این درخواست که عقد لازمی درست نمی‌کند.

آقای مؤمن - بدهکار فقط درخواست قیمت‌گذاری و برگزاری مناقصه‌ی مال خودش را می‌کند، اما در ادامه به او می‌گویند که باید این کار [= واگذاری بخشی دیگر از سهام واحد تولیدی خود] را هم بکنی.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، درخواست که عقد نیست. حالا بالاخره، راجع به این موضوع شبهه داریم. اجازه بدهید این موضوع را در مجمع فقهی قم مطرح کنند تا ببینیم نظر آنها چیست.

آقای رهپیک - اصل این بند می‌گوید که بدهکار برود بدهی‌اش را پرداخت کند. در قسمت اول، یک تسهیلاتی برای پرداخت بدهی ایجاد کرده‌اند. یعنی قسمت اول می‌گوید وقتی که یک کسی بدهی دارد، برای اینکه پرداخت این بدهی تسهیل شود، بیايند از این طریق استفاده کنند و آن اموال را به این صورت، به مناقصه بگذارند. مثلاً می‌گوید کسی که صد تومان بدهی دارد، ما قانون‌گذاری می‌کنیم و می‌گوییم که می‌تواند بدهی‌اش را با این سازوکار پرداخت کند و در این صورت، مکلف است اجازه دهد تا خریدار برای اینکه بتواند تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده بدهد، بقیه‌ی سهام او را هم به همان قیمت بخرد! خب، این چنین حکمی چه ارتباطی به این بدهی بدهکار دارد؟!

آقای مدرسی یزدی - خب، بدهکار از اول قبول نکند. این دارد می‌گوید اگر می‌خواهی با این شیوه، عمل کنی باید این کار را هم بکنی.

آقای رهپیک - بسیار خب، این حکم با حقوق افراد تعارض پیدا نمی‌کند؟

آقای مدرسی یزدی - چه تعارضی؟ خود بدهکار اقدام به این کار کرده است.

آقای رهپیک - یعنی می‌فرمایید ما می‌توانیم چنین حکمی را تجویز کنیم؟ حق بانک، گرفتن بدهی [به همان مقدار بدهی بدهکار] بوده است؛ بقیه‌ی سهام واحد تولیدی، جزو اموال بدهکار است.

آقای مدرسی یزدی - اینجا گفته است: «در صورت درخواست بدهکار».

آقای رهپیک - این درخواست، مجوز تسویه بدهی است.

آقای مدرسی یزدی - نه، درخواست این شیوهی پرداخت است. ادامه اش را بخوانید.

آقای رهپیک - این طریق، خارج از طریق تسویه بدهی است. اگر این طور باشد، ما می توانیم بگوییم می توان راجع به اموال دیگر بدهکار هم به همین صورت، قانون گذاری کرد.

آقای مدرسی یزدی - بله، مثلاً من طلبکار شما هستم، می گویم اگر می خواهی می توانی به جای پول، ماشینت را به من بدهی، اما بعداً اگر خواستم باید آن ماشینت را هم به من واگذار کنی.

آقای رهپیک - آن، مصالحه است، اما اینجا مصالحه نیست، بلکه قانون گذاری است. «قانون» دارد بدهکار را مکلف می کند که اجازه ی واگذاری بقیه ی اموالش را هم بدهد. اصلاً این تعبیر «مکلف است اجازه دهد» یعنی چه؟

آقای علیزاده - معنای این مصوبه این است که اگر بدهکار چنین درخواستی کرد، به این گونه عمل می شود؛ یعنی اگر چنین درخواستی کرد، این موضوع را هم باید قبول کند.

آقای رهپیک - یعنی تا آخرش باید بروی و مکلف هستی اموال دیگری را هم بدهی!
آقای علیزاده - بله.

آقای رهپیک - [اگر این مصداق اضرار نباشد،] پس مصداق اضرار کجاست؟!

آقای علیزاده - خب می تواند از ابتدا چنین درخواستی ندهد و شرایط این ماده را قبول نکند. ولی من نظرم این است که بگذاریم مجمع فقهی در این زمینه نظر بدهد.
آقای هاشمی شاهرودی - درخواست مجوز تسویه بدهی عقد نیست تا بگویید این حکم بعدی در قالب شرط ضمن عقد است و بدهکار باید تا آخرش برود. این، یک درخواست است، یک طلب است، این چه الزامی دارد که [به چیزی علاوه بر پرداخت بدهی اش] متعهد باشد؟

آقای مدرسی یزدی - پس باید اصل آن هم برگردد؛ چون آن برمی گردد، این هم برمی گردد. اگر این طوری است پس باید بگوییم بانک هم می تواند از تعهداتش برگردد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، بعداً که بدهی، تسویه شد، بیع است.

آقای مدرسی یزدی - نه، بیع همراه با شرط است.

آقای سوادکوهی - در اینجا چون قرار است که خرید سهام وسیله تسویه‌ی بدهی قرار بگیرد، یک مشوق برای خرید سهام به این صورت پیش‌بینی کرده‌اند [که عبارت است از الزام بدهکار به فروش بخشی دیگر از سهام شرکت به خریدار تا رسیدن به حد نصاب مورد نیاز برای تشکیل مجمع عمومی]. چون صرف خرید سهام بدون داشتن هیچ‌گونه قدرت و اختیار، بی‌فایده است. لذا اینها گفته‌اند که اگر بدهکار این روش را انتخاب کند، این دنباله‌های قانونی هم هست که باید قبول کند؛ یعنی طرف [= طلبکار] می‌تواند برود بخشی دیگر از سهام بدهکار را هم بخرد تا نصاب لازم برای تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده را کسب کند. مثل این است که می‌گوییم اگر این ماشه‌ی اسحله را بچکانی، این عوارض را هم دارد. در اینجا هم در واقع می‌خواهد خریدار را تشویق کند که سهامی که بابت بدهی بدهکار به او واگذار شده است، مؤثر در اداره امور شرکت هم هست. به نظر من، این اشکالی ندارد. بدهکار هم از اول می‌تواند این طریق را انتخاب نکند، اما اگر این روش پرداخت دیون را انتخاب کرد، از لوازمش این است که به فروش بخشی دیگر از سهامش هم اقدام کند.

آقای علیزاده - اگر اجازه دهید، بگذاریم تا آقایان در مجمع فقهی قم هم این موضوع را بررسی بکنند و بعد که نظر مجمع آمد، ما راجع به این موضوع، تصمیم بگیریم.

آقای سلیمی - به نظر می‌رسد که مجموعه‌ی این ماده، روی هم یک حکم دارد. مجموعه‌ی این ماده می‌گوید اگر کسی به بانک بدهکار است و می‌خواهد از طریق فروش مال خود و واگذاری سهامش به طلبکار، بدهی‌اش را پرداخت کند، مجموع این راه را انتخاب کرده است؛ یعنی خریدار هم برای اینکه متضرر نشود و اختیار مال او به دست بدهکار که یک قسمت از مالش را فروخته است نیفتد، این مقررات را جمعاً باید بپذیرد. در واقع، با پذیرش مجموعه‌ی این ماده توسط بدهکار، این کار انجام می‌شود.

آقای مؤمن - این که می‌فرمایید این مقررات را جمعاً باید بپذیرد، یعنی چه؟

آقای شب‌زنده‌دار - یعنی اگر بدهکار این شیوه را برای پرداخت بدهی‌اش خواست، به این صورت باید عمل کند؛ یعنی باید به حکم ذیل ماده هم متلزم بشود.

آقای مؤمن - اگر نخواهد ...

آقای سلیمی - اگر نمی‌خواهد، این راه را انتخاب نکند. کسی که او را مجبور نکرده است. مانند کسی است که خودش را از پشت بام پایین می‌اندازد؛ تا خودش را پایین نینداخته است که مشکلی ندارد، ولی وقتی انداخت، «الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار»^۱ در واقع، این بدهکار، خودش به دست خودش، با انتخاب این شیوه، آن حکم ذیل ماده را هم می‌پذیرد و با پذیرش خودش، این کار دارد انجام می‌شود. می‌توانست این شیوه را انتخاب نکند. می‌تواند بدهی بانک را بدهد و سهام خودش را هم نفروشد، اما حالا که می‌خواهد با واگذاری سهامش، بدهی‌اش را تسویه کند، باید به حکم ذیل ماده هم ملتزم بشود. چون انتخاب این شیوه به دست خودش است، هیچ منافاتی با اختیار خودش ندارد و به نظرم، مغایرت شرعی ندارد. حالا البته تشخیص این امر با خود آقایان فقها است، ولی به نظر ما این ماده، مشکل شرعی نباید داشته باشد.

آقای مؤمن - مثل این است که بگوییم اگر شخص بدهی‌اش را بدهد، باید صد ضربه شلاق هم بخورد!

آقای اسماعیلی - این واحدهای تولیدی که به بانک‌ها بدهی دارند، گاهی برای تسویه‌ی بدهی، مثلاً یک قطعه زمینی دارند که هیچ کس آن را نمی‌خرد، همان را به جای بدهی به بانک می‌دهند. به بانک می‌گویند برو آن زمین را به جای بدهی‌ات بردار. گاهی هم این‌طوری است. حالا این قانون می‌گوید اگر بدهکار می‌خواهد به جای بدهی، مال بدهد، فقط آن زمین نه، بلکه تمام دارایی‌های بدهکار را به کارشناس

۱. قاعده «الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار»، قاعده‌ی عدم معذورت شخص مضطر به اختیار خود است. این قاعده در مواردی هم چون تجری، اجتماع امر و نهی و ترتب در علم اصول به کار می‌رود و در فقه نیز برخی از مشکلات از طریق این قاعده حل می‌شود. کاربرد این قاعده در جایی است که مکلفی با اختیار خویش کاری انجام دهد که به سلب اختیار از او و مضطر شدن وی منجر گردد. اصولیون بر این اعتقادند که این اضطرار با مسئول بودن او در نظر عقل و شرع منافات ندارد؛ یعنی اگر اساس و ریشه‌ی اضطرار شخص مکلف، سوء اختیار او باشد، این امر موجب معذورت او نمی‌گردد و همچنان مسئولیت عدم انجام تکلیف خویش را بر عهده دارد. (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ‌نامه اصول فقه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ج ۱، ۱۳۸۹، ص ۶۰۸)

رسمی دادگستری می‌دهیم تا قیمت‌گذاری شود و آن وقت به اندازه‌ی بدهی، از همه‌ی اموال بدهکار وصول می‌کنیم، نه فقط از اموال بی‌ارزشش، نه فقط آن زمینی که هیچ مشتری ندارد. این مصوبه الآن می‌خواهد جلوی این کار را بگیرد؛ یعنی به بدهکار می‌گوید اگر می‌خواهی به جای بدهی‌ات، مال بدهی، از همه‌ی اموال بده؛ چرا می‌خواهی فقط از اموال بی‌ارزشت بدهی؟ اگر هم این شیوه را نمی‌خواهی، بدهی‌ات را از سایر طرق قانونی بده.

آقای سلیمی - اجبار هم نیست.

آقای علیزاده - البته نگویید که اجباری در کار نیست.

آقای اسماعیلی - اجبار خودخواسته است.

آقای علیزاده - نه، صدر تبصره (۴) می‌گوید: «در راستای تسهیل در وصول مطالبات سررسید گذشته بانک‌ها یا مؤسسات مالی و یا اعتباری دارای مجوز به یکی از روش‌های زیر عمل می‌شود: ...» که دو راه پیش‌بینی کرده است؛ یا این یا آن. بنابراین، به هر حال اجبار وجود دارد.

آقای مدرسی یزدی - اجبار بعد از انتخاب است دیگر؛ مثل کسی که به اختیار ازدواج می‌کند و به اجبار باید نفقه‌ی زوجه‌اش را بدهد.

آقای علیزاده - نه، بدهکار مالش را بابت بدهی‌اش گرو گذاشته و بانک هم آن را به عنوان گرو قبول کرده است. حالا که بانک نمی‌تواند بگوید که من از بقیه‌ی دارایی‌های بدهکار طلبم را برمی‌دارم؛ اول باید از همین گرو، طلبش را بگیرد.

آقای مدرسی یزدی - اگر بدهکار این شیوه را بخواهد، باید این روش خاص را قبول کند.

آقای علیزاده - من می‌گویم همان‌طور که اول هم گفتیم، اگر اجازه بفرمایید ابتدا مجمع فقهی این را بررسی کنند، بعد ما راجع به این ماده نظر بدهیم.

آقای اسماعیلی - مجمع فقهی هم بررسی کند.

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد، بررسی کنند ولی دو نفر از آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی، در این جلسه تشریف دارند؛ دو نفر از ارکان آن مجمع اینجا هستند.

آقای علیزاده - نه، حالا اجازه بدهید که بررسی کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره تفصیل مسئله و اطراف آن، شبهه دارد.

آقای عزیزاده - بله، در آنجا اطراف این ماده (۸) را بررسی بفرمایید و همه‌ی جوانب آن را مورد بررسی قرار دهید.

آقای عزیزاده - خلاف قانون اساسی که نیست، اما خلاف شرع بودنش، نیاز به بررسی دارد. ماده (۹) را بخوانید.

آقای مدرسی یزدی - ماده (۲) این مصوبه هم بررسی می‌خواهد.

آقای هاشمی شاهرودی - همه‌ی مواد مصوبه را بررسی می‌کنند دیگر.^۱

منشی جلسه - «ماده ۹- به سازمان بورس و اوراق بهادار اجازه داده می‌شود با رعایت مواد (۲۶) و (۲۷) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ پس از استقرار و راه‌اندازی شرکت‌های رتبه‌بندی اعتباری براساس

۱. بند (۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۸۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۶ شورای نگهبان: «۲- در فراز دوم جزء (۱) تبصره (۴) بند (پ) ماده (۸) موضوع الحاق تبصره مزبور به ماده (۳۴) قانون ثبت اسناد و املاک کشور، تکلیف بدهکار به نحو مرقوم اشکال دارد؛ اگر قید شود در صورتی که خریدار در ضمن عقد مناقصه شرط کند، اشکال مرتفع می‌گردد. همچنین در فراز دوم جزء (۲)، الزام بدهکار به قبول حکم این فراز به نحو مذکور خلاف موازین شرع است. به علاوه در ذیل این فراز، پرداخت مبلغ مازاد بر طلب ظرف سه سال و در سه قسط توسط بانک، خلاف موازین شرع شناخته شد. مضافاً بر این دو، فراز اخیر این جزء نیز مبنیاً بر ایرادات بالا اشکال دارند و باید حذف شوند.»

۲. مواد (۲۶) و (۲۷) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۶- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، وظایف و اختیارات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موضوع ماده (۴) قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت مصوب ۱۳۷۶/۶/۳۰ به سازمان واگذار می‌شود.

تبصره- اوراق مشارکتی که به موجب این قانون معاف از ثبت نزد سازمان باشد، از شمول این ماده مستثنی است.

ماده ۲۷- اوراق بهادار زیر از ثبت نزد سازمان معاف است:

- ۱- اوراق مشارکت دولت، بانک مرکزی و شهرداری‌ها
- ۲- اوراق مشارکت منتشره توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری تحت نظارت بانک مرکزی
- ۳- اوراق بهادار عرضه‌شده در عرضه‌های خصوصی
- ۴- سهام هر شرکت سهامی عامی که کل حقوق صاحبان سهام آن کمتر از رقم تعیین‌شده توسط سازمان باشد.

۵- سایر اوراق بهاداری که به تشخیص شورا نیاز به ثبت نداشته باشند از قبیل اوراق منتشره توسط سازمان‌ها و مراجع قانونی دیگر.

تبصره- ناشر اوراق بهاداری که از ثبت معاف است، موظف است مشخصات و خصوصیات اوراق و

رتبه اعلامی شرکت‌های مزبور، مجوز انتشار اوراق مشارکت را صادر نماید. نحوه ضمانت و تعیین نرخ اوراق مذکور به موجب آیین‌نامه اجرایی است که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان بورس و اوراق بهادار، حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. ماده ۱۰- کلیه معاملات ثانویه اوراق مشارکت و سایر اوراق بهادار اسلامی (صکوک) از قبیل اوراق مرابحه و اسناد خزانه اسلامی صرفاً از طریق بورس یا بازار خارج از بورس موضوع قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود. تبصره ۱- ...»

آقای مدرسی یزدی - «اوراق مرابحه» چیست؟ اینها باید تعریف شوند.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، یک تعریفی در آیین‌نامه‌ها برایش آمده است.^۱ مرابحه، شبیه مضاربه است.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، اگر تعریف این اوراق در جایی آمده و برای بررسی به شورای نگهبان هم آمده است که هیچ؛ وگرنه ما داریم صحت این اوراق را بدون بررسی تأیید می‌کنیم. پس ما باید ببینیم این اوراق چیست؟

آقای هاشمی شاهرودی - در همان آیین‌نامه‌ای که آقایان خواندند، [تعریف اوراق مرابحه] آمده است.

آقای علیزاده - اگر تعریفش در آیین‌نامه آمده است، بگوییم که مثل همان تعریف را در اینجا هم بیاورند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، در خود «قانون» بیاورند.

→

نحوه و شرایط توزیع و فروش آنرا طبق شرایطی که سازمان تعیین می‌کند، به سازمان گزارش کند.»
۱. در ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی تبصره (۲) ماده (۷) قانون حمایت از احیا، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری مصوب ۱۳۹۳/۹/۱۹ هیئت وزیران آمده است: «ماده ۱- در این آیین‌نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:

۱- ...

۱۹- اوراق مرابحه: اوراق بهادار با نام قابل نقل و انتقالی که نشان‌دهنده مالکیت مشاع دارنده آن در دارایی مالی (طلب) است که براساس قرارداد مرابحه حاصل شده است. قرارداد مرابحه، فروش دارایی به بیشتر از قیمت خرید آن با ذکر میزان سود و مبلغ پرداختی بابت خرید می‌باشد.»

آقای رهپیک - عنوان «مرابحه»، به عنوان حق مرابحه، جزو عقود بانکی و بورس آمد. بعد در آن آیین‌نامه‌ای که برای بانک‌ها تنظیم شد، اینها تعریف شده است.

آقای علیزاده - تعریف آن در «قانون» نیامده است. این را هم مانند قبلی [= «اوراق صکوک اجاره» در بند (ب) ماده (۲) این مصوبه] بگوییم که تعریف آن را در اینجا اضافه کنند.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای علیزاده - می‌گوییم تعریف اوراق مرابحه در «قانون» آورده شود.

آقای مدرسی یزدی - یا [اگر در قانونی تعریف شده است، به آنجا] ارجاع داده شود.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، اگر تعریفش در قانونی آمده است، به آن اشاره شود.

آقای علیزاده - بگویند «اوراق مرابحه» موضوع ماده فلان قانون. ما همین حرف را در مورد اوراق اجاره‌ی بهادار [= مذکور در بند (ب) ماده (۲) این مصوبه] هم داشتیم.

منشی جلسه - کلمه‌ی «مرابحه» در نرم‌افزار مجموعه‌ی قوانین نیست.

آقای مدرسی یزدی - من که یادم نمی‌آید تاکنون در مصوبه‌ای، اوراق مرابحه آمده باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - از عقود جایگزین است.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، باید ببینیم تعریفش چیست. ما نمی‌توانیم یک عنوان مبهمی را تصویب بکنیم، که بعد هم بگویند شورای نگهبان آن را تأیید کرده است.^۱

منشی جلسه - «تبصره ۱- انتشار اوراق مشارکت قابل بازخرید قبل از سررسید توسط بانک‌های دولتی و خرید اوراق مشارکت منتشرشده توسط سایر بانک‌ها (اعم از دولتی و خصوصی) به وسیله بانک‌های دولتی ممنوع است.

تبصره ۲- انتشار اوراق بهادار قابل بازخرید قبل از سررسید توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که با هدف مدیریت نظام پولی کشور انجام می‌شود، مجاز است.»

آقای هاشمی شاهرودی - «قبل از سررسید»، یعنی اینکه دارنده‌ی این اوراق، قبل از

۱. بند (۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۸۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۶ شورای نگهبان: «۳- در ماده (۱۰)، «اوراق مرابحه» باید تعریف شود تا اظهار نظر ممکن گردد.»

مدت هم می‌تواند آنها را بفروشد.

آقای سلیمی - بله، اوراق است دیگر؛ قبل از مدت هم می‌توان آنها را فروخت.

منشی جلسه - «ماده ۱۱- معاملات و دریافت‌ها و پرداخت‌های موضوع انتشار اوراق بهادار دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ از طریق نهاد واسط موضوع بند (د) ماده (۱) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به منظور تأمین مالی از طریق انتشار اوراق بهادار در مواردی که خرید، فروش و اجاره‌داری جزء لاینفک ابزار تأمین مالی است با تأیید خزانه‌داری کل کشور از رعایت تشریفات مقرر در قانون محاسبات عمومی کشور و قوانین مربوط به مناقصات و مزایده‌ها مستثنی است...»

آقای رهپیک - یعنی وجوه آن را به خزانه نریزند؛ مقصودش این است.

منشی جلسه - «... سقف درآمدهای موضوع انتشار اوراق بهادار مذکور در این ماده ضمن قوانین بودجه سنواتی تعیین می‌شود.

آیین‌نامه اجرایی این ماده با اولویت دادن به بخش‌های تولیدی، ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

آقای هاشمی شاهرودی - می‌گوید سقف درآمدها ضمن قانون بودجه‌ی سنواتی تعیین می‌شود. این اشکال شما را حل نمی‌کند؟

آقای رهپیک - اینکه می‌گوید اینها از رعایت تشریفات مقرر در قانون محاسبات و قوانین مربوط به مناقصات و مزایده‌ها مستثنی هستند؛ یعنی اینکه [معاملات و پرداخت‌ها و دریافت‌های موضوع انتشار این اوراق] به خزانه واریز نمی‌شود.

۱. ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ کمیسیون مشترک رسیدگی به لایحه مدیریت خدمات کشوری مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵- دستگاه اجرایی: کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند.»

آقای هاشمی شاهرودی - آن وقت چطور گفته است که سقف درآمدها ضمن قانون بودجه تعیین می شود؟

آقای رهپیک - نه، اشکال مغایرت با اصل (۵۲) ندارد، [بلکه اشکال اصل (۵۳) دارد]؛ اینجا می گوید معاملات و پرداخت ها و دریافت های موضوع انتشار این اوراق از رعایت تشریفات مقرر در قانون محاسبات و قوانین مربوط به مناقصات و مزایده ها مستثنی هستند. خب یک بخش عمده ی تشریفات مقرر در این قوانین، همین موضوع واریز به خزانه است.

آقای مدرسی یزدی - باید خزانه داری کل کشور هم تأیید بکند.

آقای رهپیک - اصلاً به خزانه واریز نمی شود.

آقای مدرسی یزدی - یعنی در خود آن قانون نیست که [باید به تأیید خزانه داری برسد].

آقای رهپیک - اگر به خزانه می رفت که این ماده، اشکالی نداشت.

آقای علیزاده - الآن منظور این قسمت از ماده، بحث واریز به خزانه نیست. بعداً اگر در قانون بودجه، لزوم واریز این وجوه به خزانه ذکر نشد، آنجا ایراد می گیریم.

آقای رهپیک - این یک نوع کار حسابداری و نوشتنی است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، اشکالی ندارد.

آقای رهپیک - یعنی به خزانه واریز نشود، ولی در حساب ها بنویسند.

آقای هاشمی شاهرودی - اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - اصلاً خزانه داری همین است.

آقای مدرسی یزدی - یعنی چه؟

آقای سوادکوهی - آن نهاد واسط، نهاد خصوصی است.

آقای هاشمی شاهرودی - گفته است «با تأیید» خزانه داری کل کشور؛ یعنی در حساب ها نوشته می شود.

آقای مدرسی یزدی - خب تأیید که کافی نیست؛ باید قانوناً به خزانه واریز شود.

آقای هاشمی شاهرودی - این یک کار دفتری است.

آقای علیزاده - اگر در قانون بودجه، لزوم رعایت اصل (۵۳) [= موضوع واریز وجوه ناشی از معامله ی این اوراق] را نگفتند، به آنجا ایراد می گیریم. الآن این مصوبه،

می‌خواهد چیز دیگری بگوید.

آقای سوادکوهی - اصلاً نهاد واسط در بند (د) [ماده (۱) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی^۱ تعریف شده است. لذا اصلاً نمی‌توانند این وجوه را به خزانه واریز کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - با دقت نوشته‌اند.

آقای اسماعیلی - اتفاقاً کار خوبی کرده‌اند. واقعاً هم وقت گذاشته‌اند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، کارهای خوبی در این مصوبه کرده‌اند؛ مثلاً در زمینه‌ی بانک‌ها که مانند چارچ دارند زیاد می‌شوند.

منشی جلسه - «ماده ۱۲- متن زیر به عنوان ماده (۱۳۸ مکرر) به قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحات بعدی آن الحاق می‌شود:

ماده ۱۳۸ مکرر: اشخاصی که آورده نقدی برای تأمین مالی پروژه- طرح و سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی را در قالب عقود مشارکتی فراهم نمایند، معادل حداقل سود مورد انتظار عقود مشارکتی مصوب شورای پول و اعتبار از پرداخت مالیات بر درآمد معاف می‌شوند و برای پرداخت‌کننده سود، معادل سود پرداختی مذکور به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی تلقی می‌شود.»

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی اینها معاف از مالیاتند.

آقای مدرسی یزدی - این معافیت‌ها قبلاً نبوده است. این مالیات‌ها را نمی‌توانند کم کنند؛ چون الآن این معافیت‌ها باعث تقلیل درآمد عمومی می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - مجلس، هم می‌تواند مالیات وضع کند و هم می‌تواند کم کند.

۱. ماده (۱) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، مصوب ۱۳۸۸/۹/۲۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱- اصطلاحات و عباراتی که در این قانون به کار رفته است دارای معانی زیر می‌باشد:
الف- ...

د- نهاد واسط؛ یکی از نهادهای مالی موضوع قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران است که می‌تواند با انجام معاملات موضوع عقود اسلامی نسبت به تأمین مالی از طریق انتشار اوراق بهادار اقدام نماید.»

آقای علیزاده - این ماده در لایحه‌ی دولت هم بوده است؛ اگر نبود و مجلس اضافه می‌کرد، اشکال داشت.

آقای هاشمی شاهرودی - در لایحه‌ی دولت بوده است؟

آقای علیزاده - بله، هست.

منشی جلسه - «تبصره ۱- استفاده‌کننده از معافیت موضوع این ماده تا دو سال نمی‌تواند آورده نقدی را از بنگاه تولیدی خارج کند. در صورت کاهش آورده نقدی، به میزان ارزش روز معافیت استفاده‌شده، مالیات سال خروج آورده نقدی، اضافه می‌شود.»

آقای علیزاده - همه‌ی اینها در لایحه‌ی دولت بوده است.

منشی جلسه - «تبصره ۲- تشخیص تحقق به‌کارگیری آورده نقدی برای تأمین مالی پروژه- طرح یا سرمایه در گردش با اداره امور مالیاتی حوزه مربوط است.»

آقای مدرسی یزدی - اشکال این تبصره را هم که قبول نمی‌کنید.

آقای علیزاده - تبصره (۲) در لایحه‌ی دولت، نبوده است؛ ولی با این حال، اشکالی ندارد.

منشی جلسه - «ماده ۱۳- به دولت اجازه داده می‌شود از محل اعتبارات بودجه‌های سنواتی تا پنجاه درصد (۵۰٪) آن بخش از هزینه‌های تحقیقاتی یا ارتقای وضعیت محیط زیستی به واحدهای تولیدی دارای مجوز یا پروانه بهره‌برداری را که منجر به کسب حق امتیاز تولید کالا یا خدمات یا ثبت اختراع از مراجع ذیصلاح داخلی یا بین‌المللی شده است، کمک نماید. آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون به پیشنهاد وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، صنعت، معدن و تجارت و جهاد کشاورزی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۴- در مواد (۳) و (۹) قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات مصوب ۱۳۸۹/۸/۵، عبارت «و شهرک‌های

۱. گفتنی است مفاد تبصره (۲) نیز عیناً در لایحه‌ی دولت بوده است.

۲. بند (ج) ماده (۳) و ماده (۹) قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات مصوب ۱۳۸۹/۸/۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳- حمایت‌ها و تسهیلات قابل

فناوری» به ترتیب به انتهای بند (ج) و بعد از عبارت «پارک‌های علم و فناوری» اضافه می‌شود.

ماده ۱۵- به وزارتخانه‌های نفت و نیرو و سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه و وابسته به آنها حسب مورد اجازه داده می‌شود تا با رعایت قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و تا سقف مبالغی که با پیشنهاد وزارتخانه‌های مربوطه در قوانین بودجه سنواری درج می‌شود با استفاده از انواع روش‌های سرمایه‌گذاری از جمله بیع متقابل، ساخت، بهره‌برداری و تحویل (B.O.T) تأمین منابع مالی، ساخت و بهره‌برداری، طرح و ساخت کلید در درست، ساخت، بهره‌برداری و مالکیت و سایر روش‌های مصرح در قوانین و مقررات در موارد زیر که به افزایش تولید یا ارتقای کیفیت یا صرفه‌جویی در مصرف کالا یا خدمت یا زمان یا بهبود محیط زیست می‌انجامد با سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان خارجی و بخش غیردولتی داخلی، با اولویت بخش خصوصی و یا تعاونی حسب مورد قرارداد ارزی یا ریالی منعقد و یا مجوز سرمایه‌گذاری برای آنان صادر کنند.

در مواردی که سرمایه‌گذاری یا اقدامات بخش‌های خارجی و عمومی غیردولتی، خصوصی یا تعاونی داخلی به تولید یا ارتقای کیفیت یا صرفه‌جویی در کالا یا خدمت یا زمان یا بهبود کیفیت محیط زیست بیانجامد وزارتخانه‌های مذکور و

→

اعطا به شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان موضوع این قانون عبارتند از:

الف- ...

ج- اولویت استقرار واحدهای پژوهشی، فناوری و مهندسی و تولیدی شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان موضوع این قانون در محل پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد، مناطق ویژه اقتصادی و یا مناطق ویژه علم و فناوری.

د- ...

ماده ۹- به منظور ایجاد و توسعه شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تقویت همکاری‌های بین‌المللی اجازه داده می‌شود واحدهای پژوهشی و فناوری و مهندسی مستقر در پارک‌های علم و فناوری در جهت انجام مأموریت‌های محوله از مزایای قانونی مناطق آزاد در خصوص روابط کار، معافیت‌های مالیاتی و عوارض، سرمایه‌گذاری خارجی و مبادلات مالی بین‌المللی برخوردار گردند.»

سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه و وابسته به آنها مجازند در صورت نیاز منافع حاصله را حسب مورد به قیمت‌های صادراتی یا وارداتی (برای سوخت) با نرخ ارز بازار آزاد و برای سایر موارد با قیمت‌های غیر یارانه‌ای با عقد قرارداد از آنان خریداری یا اصل و سود سرمایه‌گذاری را طبق قرارداد منعقد به آنها پرداخت کنند و در صورت تمایل، سرمایه‌گذار می‌تواند نسبت به فروش آنها در داخل یا خارج اقدام نماید.

الف- طرح‌های نفت و گاز از جمله افزایش ظرفیت تولید نفت خام، گاز و میعانات گازی با اولویت مخازن مشترک و افزایش ظرفیت پالایش نفت خام و میعانات گازی، افزایش تولید محصولات پتروشیمی، ذخیره‌سازی نفت خام، میعانات گازی و گاز طبیعی مخازن مشترک در مخازن غیرمشترک و داخل کشور، ذخیره‌سازی گاز در فصول کم‌مصرف برای استفاده در فصول پرمصرف، تبدیل در جای نفت و گاز و میعانات گازی به محصول یا برق، تزریق گاز به میداین داخلی، رشد صادرات و عبور (ترانزیت) و سوآپ نفت خام، میعانات گازی و گاز و فرآورده‌های نفتی، جلوگیری از سوختن گازهای همراه نفت و میعانات گازی و جایگزینی گاز داخلی یا وارداتی با فرآورده‌های نفتی ذی‌ربط و کلیه طرح‌هایی که به افزایش تولید یا صرفه‌جویی در مصرف نفت خام و میعانات گازی و گاز و فرآورده‌های نفتی بیانجامد.

ب- طرح‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی در بخش‌های مختلف از جمله صنعت با اولویت صنایع انرژی‌بر و حمل و نقل عمومی و ریلی درون و برون‌شهری و ساختمان، توسعه استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، گسترش استفاده از گاز طبیعی فشرده یا مایع با اولویت شهرهای بزرگ و مسیر راه‌های اصلی بین شهری، تولید و یا جایگزین کردن خودروهای کم‌مصرف و یا برقی با خودروهای پرمصرف و فرسوده و کاهش هزینه‌های حمل بار و مسافر و کاهش دموراژ (خسارت تأخیر) کشتی‌ها و طرح‌های حمل و نقل ریلی، جاده‌ای، دریایی، هوایی اعم از زیرساخت‌ها و وسایل حمل و نقل، طرح‌هایی که به کاهش گازهای گلخانه‌ای منجر می‌شود، ماشین‌آلات و واحدهای تولیدی بخش کشاورزی.

ب- طرح‌های احداث نیروگاه با بازدهی (راندمان) بالا، افزایش تولید و بازدهی حرارتی نیروگاه‌ها که منجر به افزایش بازدهی حرارتی شود، با اولویت نصب بخش بخار در نیروگاه‌های چرخه (سیکل) ترکیبی اعم از ترکیب برق و گرما (CHP) و ترکیب برق، سرما و گرما (CCHP) و مولدهای مقیاس کوچک (DG) توسعه استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، کاهش تلفات انرژی در تولید، انتقال و توزیع، بهینه‌سازی و صرفه‌جویی در مصرف برق و انرژی، برقی کردن چاه‌های کشاورزی با اولویت استفاده از منابع انرژی‌های نو از جمله انرژی خورشیدی، جایگزینی مصرف برق به جای گاز یا فرآورده‌های نفتی در مناطقی که توجیه اقتصادی دارد و افزایش سهم صادرات و عبور (ترانزیت) برق، تولید برق از تلفات گاز و سوخت کارخانجات.

ت- طرح‌های احداث سد، بندر، آب و فاضلاب، طرح‌های جلوگیری از شوری و کاهش کیفیت آب، شیرین کردن آب شور و تولید آب شیرین با استفاده از روش‌های مختلف با اولویت روش‌های حرارتی بازیافتی، بهینه‌سازی و صرفه‌جویی در مصرف آب با کاهش تلفات آب در انتقال و توزیع، مهار و بهره‌برداری بهینه از آب‌های داخلی، مشترک و مرزی و آب‌هایی که به دریا می‌ریزد و طرح‌های جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب و کلیه طرح‌هایی که به بهبود کیفیت و کاهش مصرف آب می‌انجامد، طرح‌های زهکشی اراضی کشاورزی و شیوه‌های نوین آبیاری، تضمین خرید آب یا اجازه فروش آب به سرمایه‌گذاران در کلیه موارد از جمله شرب و بهداشت، صنعت، کشاورزی و آبیاری.

ث- سایر طرح‌هایی که به ارتقای کیفیت یا کمیت کالاها و خدمات تولیدی یا صرفه‌جویی و جلوگیری از هدر رفتن سرمایه‌های انسانی، مالی، محیط زیست و زمان منجر می‌شوند.

تبصره ۱- توجیه فنی و اقتصادی و زیست‌محیطی، زمان‌بندی اجراء و بازپرداخت و سقف تعهد دولت در هر یک از طرح‌هایی که نیاز به تعهد دولت دارد با پیشنهاد وزارتخانه ذی‌ربط به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد. شورای اقتصاد مکلف است حداکثر تا مدت یک ماه پس از وصول هر طرح به دبیرخانه آن، رسیدگی و تعیین تکلیف کند.

تبصره ۲- صندوق توسعه ملی و بانک‌های عامل موظفند به طرح‌های دارای توجیه فنی و اقتصادی این ماده با اولویت، تسهیلات ارزی و ریالی پرداخت نمایند.

تبصره ۳- تعهد بازپرداخت اصل و سود سرمایه‌گذاری طرح‌های موضوع این ماده در مواردی که عواید و منابع حاصل از اجرای آنها به حساب درآمد عمومی واریز می‌شود و یا به صرفه‌جویی در مصرف سوخت و کاهش هزینه‌های عمومی می‌انجامد در سقف و ترتیبی که به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد به عهده دولت است و وزارت نفت موظف است منابع ناشی از افزایش تولید یا صرفه‌جویی نفت خام، میعانات گازی و گاز و فرآورده‌های نفتی را از محل افزایش درآمد یا کاهش واردات حسب مورد به قیمت‌های صادراتی و وارداتی (برای سوخت) و در سایر موارد به قیمت‌های غیریارانه‌ای به صورت مستقیم یا از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط طبق قرارداد به سرمایه‌گذار که به روش‌های رقابتی انتخاب گردیده پرداخت کند و همزمان به حساب بدهکار دولت (خزانه‌داری کل کشور) منظور و تسویه حساب کند.

تبصره ۴- بازپرداخت تعهدات دولت موضوع بند (ت) این ماده از محل درآمدهای حاصل از اجرای طرح‌ها در قوانین بودجه سنواتی صورت می‌گیرد.

تبصره ۵- در اجرای بندهای این ماده اولویت با سرمایه‌گذارانی است که نفت خام، میعانات گازی و یا فرآورده‌های نفتی را برای تسویه تعهدات دولت قبول می‌کنند.»

آقای عزیزاده - البته این تبصره (۵) در لایحه‌ی دولت نبوده است، ولی ما به آن از این جهت اشکالی نداریم.

منشی جلسه - «تبصره ۶- ارزش سوخت و یا انرژی صرفه‌جویی شده بر اساس نوع و ترکیب سوخت مصرفی در دوره یک سال قبل از انعقاد قرارداد و طبق قیمت‌های صادراتی و یا وارداتی محاسبه و منظور می‌شود.

تبصره ۷- به وزارتخانه‌های مذکور اجازه داده می‌شود در صورت نیاز آب، برق، گاز و فرآورده‌های نفتی و سایر کالاها و خدمات یارانه‌ای تولید یا صرفه‌جویی شده را از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیردولتی، خصوصی یا تعاونی حسب مورد

به قیمت‌های صادراتی یا وارداتی (برای سوخت) و برای سایر موارد به قیمت‌های غیریارانه‌ای از آنان و یا سایر سرمایه‌گذاران در این زمینه خریداری یا برای ایجاد اشتغال و اجرای طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در هر استان و هر شهرستان سرمایه‌گذاری کنند. در صورت تمایل سرمایه‌گذار می‌تواند کالا یا خدمت تولید یا صرفه‌جویی شده را در داخل یا خارج به فروش برساند.

تبصره ۸- به منظور کاهش هزینه‌ها و تشویق به کاهش مصرف در کالاها و خدمات یارانه‌ای به وزارتخانه‌های مذکور و شرکت‌های تابعه و وابسته ذی‌ربط به آنها در این ماده اجازه داده می‌شود با تصویب شورای اقتصاد مصارف کمتر از حد معین، آب، برق، گاز، فرآورده‌های نفتی و سایر کالاها و خدمات یارانه‌ای را با توجه به فصل، منطقه جغرافیایی، نوع مصرف و مصرف‌کنندگان، متناسب با کاهش مصرف به حداقل قیمت و یا صفر کاهش دهد.

چگونگی اجرای این تبصره با پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، نفت، نیرو، صنعت، معدن و تجارت و جهاد کشاورزی شامل تعیین حد معین برای مصارف مناطق جغرافیایی، نوع مصرف و مصرف‌کنندگان و مقدار و قیمت مصرف تا دو ماه پس از ابلاغ این قانون به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد و در آیین‌نامه اجرایی این ماده درج می‌گردد.

آیین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، نفت و نیرو حسب مورد حداکثر ظرف مدت سه ماه پس از ابلاغ این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

آقای علیزاده - این بند ابتدایی تبصره (۸) در لایحه‌ی دولت نبوده است، ولی عبارت «اجازه داده می‌شود»، یعنی دولت مختار است و اگر نخواست، انجام نمی‌دهد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، عیبی ندارد.

آقای رهپیک - متنها گفته است که هیئت وزیران باید آیین‌نامه‌ی این ماده را بنویسد.

آقای علیزاده - نه، یعنی اگر چنین چیزی بود، آیین‌نامه‌اش را بنویسند.

آقای رهپیک - قبلاً در مصوبات دیگر هم چنین مواردی داشته‌ایم. در آنجاها هم گفتیم

این [تکلیف دولت به نوشتن آیین‌نامه برای این ماده]، قرینه‌ای است بر اینکه «اجازه‌ی به دولت»، [معنای ظاهری خود را ندارد، بلکه] به معنای این است که اینها باید حتماً بروند و این کار را انجام بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - البته اصل این چیزها خوب است، کما اینکه حالا هم اکثر این احکامی که اینجا آمده، هست ولی عملاً فایده‌ای ندارد؛ چون تا این امور از دست دولت بیرون نیاید و به بورس و بازار واگذار نشود، هیچ اتفاق مثبتی نمی‌افتد. الآن هم این اجازه‌ها وجود دارد، اما وزارتخانه‌ها انجام نمی‌دهند.

آقای رهیک - حالا این بحث‌های شکلی که این ماده دارد را تذکر می‌دهید و یا ایراد می‌گیرید؟
آقای علیزاده - اگر اجازه دهید به نظر من یک ایراد کلی بگیریم و بگوییم این کلماتی که معادل فارسی دارد و در اینجا واژه‌ی خارجی آن ذکر شده است، ابتدا معادل فارسی آن ذکر شود [و بعد در پراوتر، عبارت غیر فارسی‌اش آورده شود]، وگرنه خلاف اصل (۱۵) قانون اساسی است. آقایانی که این ایراد را قبول دارند، بفرمایند.

آقای رهیک - بله.

آقای جنتی - نیازی به رأی‌گیری نیست.

آقای علیزاده - بسیار خب، یعنی منظور روشن است.

آقای رهیک - مجلس گاهی در نگارش قانونی هم اشتباه می‌کند؛ در لایحه‌ی دولت فقط صحبت از وزارتخانه‌های نفت و نیرو بوده است، اما الآن مجلس این را به وزارتخانه‌های نفت و نیرو و سایر وزارتخانه‌ها تغییر داده است.

آقای هاشمی شاهرودی - به همه‌ی آنها اجازه داده است.

آقای رهیک - نه، منظورم از لحاظ اضافه کردن سایر وزارتخانه‌ها به اینجا است. منتها اشکالی که به نظر می‌رسد این ماده دارد این است که این قانون در مورد استفاده از تسهیلات بیع متقابل و فینانس و... دائمی است، اما مجمع تشخیص مصلحت ظاهراً این موضوع را فقط در طول اجرای برنامه‌های سوم و چهارم و تا انتهای برنامه‌ی پنجم اجازه داده است.^۱ چون شورای نگهبان به موضوع استفاده از تسهیلات بیع متقابل و

۱. بند (الف) ماده (۸۲) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)

مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «ماده ۸۲-»

الف- استفاده دستگاه‌های اجرایی از تسهیلات مالی خارجی در طول برنامه در قالب قوانین بودجه

فاینانس اشکال شرعی گرفته بود.

آقای مدرسی یزدی - بله، اطلاق استفاده از این تسهیلات، اشکال دارد؛ چون شامل تسهیلات ربوی هم می شود.

آقای رهپیک - خب، مجمع تشخیص استفاده از این تسهیلاتها را تا پایان مدت اجرای برنامه ی پنجم اجازه داده است. اما در این قانون، به صورت دائمی دارند آن را تصویب می کنند. اشکال این مصوبه، برای بعد از اتمام مدت اجرای برنامه ی پنجم است.

آقای هاشمی شاهرودی - بیع متقابل چه اشکالی داشت؟

آقای رهپیک - شورای نگهبان به آن اشکال شرعی گرفت، که به مجمع تشخیص مصلحت رفت.

آقای هاشمی شاهرودی - ما که آن زمان در جلسه نبوده ایم.

آقای مدرسی یزدی - نه، ایراد ما مربوط به فاینانس بود.^۱

آقای رهپیک - فاینانس، بیع متقابل و تسهیلات ...

آقای هاشمی شاهرودی - فاینانس، بله اشکال دارد؛ اما بیع متقابل، (BOT) و اینهایی که در اینجا آمده است، اشکالی ندارند.

آقای علیزاده - اگر اشکال شرعی فقط مربوط به فاینانس بوده باشد، در اینجا این اشکال وجود ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، چون فاینانس در این ماده نیامده است.

آقای رهپیک - گفته است: «تسهیلات مالی خارجی».

آقای مدرسی یزدی - خب، این عبارت شامل تسهیلات ربوی هم می شود.

→

سنواتی مجاز است. سهمیه های باقیمانده تسهیلات مصوب بیع متقابل و تسهیلات مالی خارجی (فاینانس) مربوط به برنامه های سوم و چهارم (با رعایت ضوابط اسلامی از جمله تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام) در طول برنامه پنجم نیز به قوت خود باقی است.»

۱. بند (۱۷) نظر شماره ۸۹/۳۰/۴۰۷۳۳ مورخ ۸۹/۹/۱۳ (غیر رسمی) شورای نگهبان در خصوص لایحه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰ - ۱۳۹۴)؛ (در ماده (۷۷) مکرر، اصلاً استفاده از سهمیه های باقی مانده تسهیلات مالی «فاینانس» چون شامل معاملات ربوی نیز می شود، خلاف موازین شرع شناخته شد.»

- آقای رهپیک** - انواع و اقسام تسهیلات اینجا نوشته شده است.
- آقای مدرسی یزدی** - اشکال آن، برای بعد از اتمام زمان اجرای برنامه‌ی پنجم توسعه است.
- آقای هاشمی شاهرودی** - اگر این تسهیلات را از خارج بگیریم، اشکال شرعی ندارد.
- آقای مدرسی یزدی** - یعنی اگر به خارجیان ربا بدهیم، اشکالی ندارد؟!
- آقای هاشمی شاهرودی** - ما نمی‌دهیم.
- آقای رهپیک** - چرا؛ شرکت‌های داخلی ما دارند می‌دهند.
- آقای علیزاده** - کجا را می‌فرمایید؟
- آقای رهپیک** - متن اصل ماده (۱۵) که می‌گوید اجازه داده می‌شود از تسهیلات بیع متقابل و بقیه‌ی تسهیلات مالی استفاده شود.
- آقای علیزاده** - «با استفاده از انواع روش‌های سرمایه‌گذاری از جمله بیع متقابل، ساخت، بهره‌برداری و تحویل (B.O.T) تأمین منابع مالی، ...» بله، گفته است: «تأمین منابع مالی».
- آقای رهپیک** - اطلاق این عبارت، نسبت به بعد از زمان اجرای برنامه‌ی پنجم توسعه نیاز به مجوز مجمع تشخیص مصلحت دارد. این یکی از اشکال‌های این ماده است، البته اگر آقایان به این اشکال رأی بدهند.
- آقای شب‌زنده‌دار** - «سایر روش‌های مصرح در قوانین و مقررات» را هم گفته‌اند.
- آقای رهپیک** - «سایر روش‌ها» هم با مجوز قانون است دیگر. هر کدام از این روش‌ها که در قانون ذکر شده، به همان مصوبه‌ی مجمع استناد شده است. در مصوبه‌ی مجمع هم، استفاده از این روش‌ها تا آخر برنامه‌ی پنجم توسعه اجازه داده شده است.
- آقای هاشمی شاهرودی** - استفاده از این روش‌ها هم در قالب همان ضوابط است؛ چون گفته است: «سایر روش‌های مصرح در قوانین و مقررات».
- آقای رهپیک** - خوب، این «قانون»، قانون دائمی است دیگر.
- آقای هاشمی شاهرودی** - باشد؛ نسبت به بقیه‌اش دائمی است.
- آقای رهپیک** - خوب، باید نسبت به همان موارد خاص [که با مجوز مجمع تشخیص مصلحت نظام، به صورت موقت تجویز شده است] ایراد گرفته شود.
- آقای هاشمی شاهرودی** - ایرادی ندارد.

آقای شبزنده‌دار - این مصوبه، دائمی است، در حالی که مجوز مجمع، چند ساله است و بعد از تمام شدن مدت، دیگر مجوزی وجود ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، [در پایان مدت زمان مجوز مجمع] از بقیه‌ی روش‌ها مثل (BOT) استفاده می‌کنند یا از بیع متقابل استفاده می‌کنند.

آقای رهپیک - نه، این عبارت «از جمله» در ماده (۱۵)، شامل آن روش‌های خلاف شرع هم می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - خب، سال‌های بعد فقط از روش بیع متقابل استفاده می‌کنند؛ ضمن اینکه شاید مقرره‌ی مجمع تشخیص هم دوباره تمدید شود.

آقای علیزاده - اینجا که می‌گوید با «سایر روش‌های مصرح در قوانین و مقررات»، منظورش بیان سایر روش‌های مجاز است، نه «با رعایت قوانین و مقررات»؛ اگر در این عبارت گفته بود «با رعایت قوانین و مقررات»، درست بود، اما نگفته است.

آقای شبزنده‌دار - اینجا می‌خواهد این روش‌ها را بر آن روش‌هایی که در مقررات و قوانین نیست، اضافه کند.

آقای علیزاده - این ماده دارد اجازه‌ی مطلق برای گرفتن همه نوع تسهیلات و تأمین منابع مالی را می‌دهد.

آقای رهپیک - بله، یعنی همه‌ی روش‌ها.

آقای علیزاده - این، اجازه‌ی مطلق است؛ گفته است می‌شود از روش‌هایی که در این ماده ذکر شده است، به علاوه‌ی آنچه که در قوانین دیگر آمده است، تسهیلات گرفت.

آقای رهپیک - تازه، مجمع تشخیص در مصوبه‌ی خود، قرارداد بیع متقابل را هم نوشته است؛ چون مجمع به صورت کلی گفته است «استفاده از تسهیلات مالی خارجی».

آقای ابراهیمیان - آقایان فقهای شورا به این موضوع ایراد گرفتند.

آقای علیزاده - قبلاً این روش‌ها همه‌ساله در مصوبه‌ی بودجه می‌آمد و آقایان فقهای شورا هم به آن ایراد می‌گرفتند. بعداً مجمع تشخیص مصلحت، استفاده‌ی از این روش‌های اخذ تسهیلات را برای یک مدت معینی، یعنی تا آخر برنامه‌ی پنجم توسعه، اجازه داد.

آقای رهپیک - بله.

آقای علیزاده - این موضوع را در مجمع تشخیص مطرح کردند و در آنجا تصویب شد. مجمع استفاده از این تسهیلات، در آن مواردی که خلاف شرع بود را به مدت

محدود اجازه داد. الآن این ماده، بدون اشاره به آن [مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام و مدت زمان تعیین شده در آن]، به طور مطلق به دولت اجازه داده است تا از این روش‌ها برای تأمین منابع مالی خارجی استفاده نکند. حداقل این است که باید نسبت به این مسئله ابهام بگیریم و بگوییم که آیا این مصوبه، برای بعد از اتمام مدت زمان اجازه‌ی مجمع هم هست یا خیر؟ آن اجازه‌ای هم که مجمع در این زمینه داد، برای همه‌ی موارد و روش‌های تأمین مالی و به این گستردگی نبود، بلکه در آن مصوبه، فقط بعضی از موارد را تعیین کرده بودند و گفته بودند که در این موارد، می‌تواند منابع مالی را تأمین کنند.

آقای رهپیک - در مورد بیع متقابل و تسهیلات مالی خارجی بود.

آقای علیزاده - بله، و بعد هم مجمع تشخیص اجازه‌ی استفاده از این تسهیلات را برای چه کارهایی داده بود؟ بنابراین، [اطلاق این مصوبه، درست نیست].

آقای هاشمی شاهرودی - اگر در این مصوبه، این طور می‌گفت: «تأمین منابع مالی خارجی، طبق مقررات قانونی»، درست می‌شد.

آقای علیزاده - بله، درست می‌شد.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا بگوییم که نمایندگان این عبارت «طبق مقررات قانونی» را به اینجا اضافه کنند.

آقای علیزاده - بله، بگویند «با رعایت موازین قانونی و شرعی».

آقای رهپیک - مصوبه‌ی مجمع این است؛ بند (الف) ماده (۸۲) [قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)]: «الف- استفاده دستگاه‌های اجرایی از تسهیلات مالی خارجی در طول برنامه در قالب قوانین بودجه سنواتی مجاز است. سهمیه‌های باقیمانده تسهیلات مصوب بیع متقابل و تسهیلات مالی خارجی (فاینانس) مربوط به برنامه‌های سوم و چهارم (با رعایت ضوابط اسلامی از جمله تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام) در طول برنامه پنجم نیز به قوت خود باقی است.»

آقای علیزاده - بله، مجمع در این مصوبه، استفاده از این تسهیلات، بعد از اتمام مدت زمان اجرای برنامه‌ی پنجم را که اجازه نداده است.

آقای اسماعیلی - می‌خواهید بگوییم که این عبارت را اضافه کنند: «با رعایت ماده

فلان مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام».

آقای هاشمی شاهرودی - نه، عبارت «با رعایت مقررات قانونی»، کافی است.

آقای علیزاده - به نظر ما الآن آقایان باید به این موضوع، به این صورت ایراد بگیرند که بگویند: اطلاق این ماده در خصوص تأمین منابع مالی خارجی در غیر از مواردی که مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب کرده است، اشکال شرعی دارد. اگر آقایان این اشکال را قبول دارند، همین را بنویسیم.

آقای جنتی - این را به صورت «ابهام» می‌نویسید یا اشکال؟

آقای رهپیک - نه دیگر، اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - با اضافه کردن یک عبارت «طبق مقررات قانونی»، درست می‌شود.

آقای علیزاده - بالاخره الآن به این موضوع ایراد دارید یا نه؟

آقای هاشمی شاهرودی - بله، اطلاق آن نسبت به بیش از مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت، ایراد دارد.

آقای مدرسی یزدی - اگر ابهام گرفته شود، من هم رأی دهم.

آقای هاشمی شاهرودی - خب ابهام بگیرید.

آقای علیزاده - پس باید بگوییم با توجه به اطلاق این ماده در خصوص تأمین منابع مالی خارجی، مشخص نیست که آیا این مصوبه ...

آقای هاشمی شاهرودی - ... با رعایت مقررات قانونی است یا نه؟

آقای علیزاده - ... مشخص نیست که آیا با لحاظ قانون مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است یا خیر؛ ابهام دارد.

آقای جنتی - اما این ماده، چنین ابهامی ندارد.

آقای رهپیک - بله، اشکال دارد.

آقای علیزاده - اشکال که دارد، ولی من [به جهت اینکه این ایراد، شرعی است] رأی ندارم.

آقای مدرسی یزدی - باید بگوییم آیا بعد از گذشت مدت زمان مصوبه‌ی مجمع، آیا دوباره هم اطلاق آن مورد نظر است یا نه؟

آقای رهپیک - سال دیگر برنامه‌ی پنجم توسعه تمام می‌شود، اما این قانون، دائمی است.

آقای عزیزاده - بله، این قانون که دائمی است.

آقای هاشمی شاهرودی - خوب ممکن است در قانون برنامه‌ی بعدی، دوباره این مجوز را بدهند.

آقای رهپیک - در مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت تصریح شده است که استفاده از این تسهیلات «در طول برنامه‌ی پنجم» مجاز است.

آقای جنتی - باید بگوییم اطلاق این ماده نسبت به مازاد بر مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت، اشکال دارد.

آقای عزیزاده - پس این طور می‌نویسیم که اطلاق این ماده در خصوص تأمین منابع مالی خارجی پس از انقضای تاریخ مذکور در مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام خلاف موازین شرع است. حالا بعداً شماره‌ی ماده‌اش را هم اینجا می‌نویسیم. اگر این ایراد را به این صورت قبول دارید، بفرمایید.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای سوادکوهی - ایراد مغایرتش با قانون اساسی را هم بگیرید.

آقای رهپیک - بله، خلاف اصل (۱۱۲) و صلاحیت‌های مجمع تشخیص است.

آقای عزیزاده - بله، آقایانی که معتقدند این ماده از جهت اینکه خلاف مصوبه‌ی مجمع است، خلاف اصل (۱۱۲) قانون اساسی است، رأی بدهند.

آقای رهپیک - بگویید خلاف اصل (۱۱۲) و نظریه‌ی تفسیری شورا از آن است.

آقای جنتی - ایراد ما، نسبت به مابعد مدتی است که مجمع تشخیص مصلحت اجازه داده است.

آقای هاشمی شاهرودی - این اشکال هم، همان اشکال اولی است. دو اشکال نیست؛ یک اشکال بیشتر نیست.

آقای عزیزاده - بله، مغایرت با اصل (۱۱۲) قانون اساسی نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای رهپیک - چرا دیگر؛ اطلاق آن، مغایر اصل (۱۱۲) است.

آقای هاشمی شاهرودی - مغایر اصل (۱۱۲) نیست؛ چون این مصوبه، چیزی خلاف مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نگفته است. مصوبه‌ی مجمع هم نسبت به مابعد این مدت [= پس از اتمام زمان اجرای برنامه‌ی پنجم توسعه]، ساکت است و آن را نفی نکرده است.

آقای سوادکوهی - به نظر من، این مصوبه مغایر اصل (۷۷) قانون اساسی^۱ است.

آقای علیزاده - یک اشکال دیگر این ماده، این است که این تأمین منابع مالی، شامل گرفتن وام خارجی هم می‌شود [که نیازمند تصویب مجلس است]^۲. آقایان با این موافقتند؟

آقای سوادکوهی - هم اصل مربوط به وام‌های خارجی [موضوع اصل (۸۰) قانون اساسی] و هم اصل (۷۷) که در آن، به طور کلی بحث قراردادهای خارجی [و لزوم تصویب آنها در مجلس] آمده است.

آقای علیزاده - اینجا که حرفی از «قرارداد» نرده است.

آقای سوادکوهی - چرا؛ ذکر کرده است؛ صراحتاً واژه‌ی «قرارداد» آمده است. چون می‌خواهد قراردادهای سرمایه‌گذاری ...

آقای هاشمی شاهرودی - منظور از «تعدیل منابع خارجی» این نیست که از خارج وارد شود و هر کار خلاف شرعی اجازه داده شود، بلکه منظور، تأمین منابع طبق مقررات است.

آقای علیزاده - این قراردادهایی که مثلاً در زمینه‌ی سدسازی با خارجی‌ها بسته می‌شود که می‌گوید بباید ما با هم سد بسازیم، اینها که نیاز به تصویب مجلس ندارد؛ چون که اینها قرارداد بین‌المللی نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای علیزاده - آن قراردادهای بین‌المللی مثل کنوانسیون و اینها است که نیاز به تصویب مجلس دارد.

آقای رهپیک - یک اشکال این مصوبه، مربوط به همین بند (الف) ماده (۸۲) مصوبه‌ی مجمع در مورد برنامه‌ی پنجم توسعه بود که سقف زمانی [برای استفاده از تأمین منابع مالی خارجی] گذاشته شده بود. اما یک اشکال هم مربوط به بند (ب) ماده (۸۲) است که آن هم مصوب مجمع تشخیص مصلحت است. بند (ب) گفته است: «ب- به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده می‌شود برای تأمین منابع مالی طرح‌های خود از

۱. اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی جمهوری ایران: «عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.»

۲. اصل هشتادم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد.»

روش بیع متقابل با رعایت اصل عدم تضمین بازگشت تعهدات ایجاد شده توسط دولت، بانک مرکزی و بانک‌های دولتی پس از تصویب شورای اقتصاد استفاده نمایند.» اما در یکی دو بند از ماده (۱۵) مصوبه‌ی رفع موانع تولید [از جمله در تبصره (۳) این ماده] آمده است که دولت باید بازپرداخت اصل و سود این تأمین مالی‌ها را تعهد بکند. این هم خلاف بند (ب) ماده (۸۲) قانون برنامه‌ی پنجم توسعه مصوب مجمع تشخیص مصلحت است.

آقای علیزاده - این برای دولت بار مالی دارد.

آقای رهپیک - در مصوبه‌ی مجمع تشخیص، استفاده از این تسهیلات اجازه داده شده است و گفته‌اند گرفتن این تسهیلات مانعی ندارد؛ یعنی اینها مجازند که که بروند قرارداد ببندد و تسهیلات بگیرند، اما با رعایت اصل عدم تضمین بازگشت تعهدات ایجاد شده توسط دولت. اما تبصره (۳) این ماده (۱۵) که الآن آن را خواندیم [می‌گوید تعهد بازپرداخت اصل و سود سرمایه‌گذاری این طرح‌ها به عهده‌ی دولت است].

آقای علیزاده - تبصره (۳)، از این جهت، خلاف اصل (۱۱۲) است.

آقای رهپیک - تبصره (۳) گفته است: «تعهد بازپرداخت اصل و سود سرمایه‌گذاری طرح‌های موضوع این ماده در مواردی که عواید و منابع حاصل از اجرای آنها به حساب درآمد عمومی واریز می‌شود و یا به صرفه‌جویی در مصرف سوخت و کاهش هزینه‌های عمومی می‌انجامد، در سقف و ترتیبی که به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد به عهده دولت است.»

آقای مدرسی یزدی - این، غیر از آن است. مجمع در آن مصوبه موافقت کرده که از این تسهیلات استفاده شود، بدون آنکه دولت تعهدی بکند.

آقای هاشمی شاهرودی - این چیزی است که شورای اقتصاد آن را تضمین می‌کند.

آقای علیزاده - در اینجا دارد تضمین دولت را هم اضافه می‌کند.

آقای رهپیک - بله، تعهدات پرداخت را بر عهده‌ی دولت می‌اندازد.

آقای علیزاده - تبصره (۳)، از این جهت خلاف اصل (۱۱۲) است.

آقای رهپیک - بله، چون خلاف بند (ب) ماده (۸۲) قانون برنامه‌ی پنجم توسعه است.

آقای علیزاده - بله، خلاف بند (ب) ماده (۸۲) قانون برنامه‌ی پنجم توسعه مصوب مجمع تشخیص مصلحت است. بنابراین آقایانی که تبصره (۳) ماده (۱۵) را از این جهت،

خلاف اصل (۱۱۲) می‌دانند، رأی بدهند.

آقای سوادکوهی - ما رأی دادیم.

آقای علیزاده - حاج آقای یزدی هم رأی می‌دهند. رأی آورد. پس تبصره (۳)، خلاف اصل (۱۱۲) قانون اساسی شناخته شد.

آقای رهپیک - یک نکته‌ی دیگر اینکه آیا شورای اقتصاد می‌تواند آیین‌نامه‌ی اجرایی این ماده را تصویب کند؟ چون این شورا اعضای غیر وزیر هم دارد.

آقای علیزاده - نه، اصلاً وزیر هم داشته باشد، [باز هم مغایر قانون اساسی است؛] چون [اصل (۱۳۸)] قانون اساسی می‌گوید که آیین‌نامه‌ی اجرایی قوانین را یا وزیر و یا هیئت وزیران وضع می‌کنند.

آقای رهپیک - یا کمیسینی متشکل از چند وزیر که همگی اعضایش وزیر باشند. اما شورای اقتصاد چهار عضو غیر وزیر دارد؛ لذا این شورا نمی‌تواند آیین‌نامه وضع کند. این، خلاف اصل (۱۳۸) است.

آقای علیزاده - آقایانی که این ماده را از این جهت، خلاف اصل (۱۳۸) قانون اساسی می‌دانند، رأی بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، اینکه درست است.

آقای علیزاده - اینکه مسلم است.

آقای هاشمی شاهرودی - این را باید این‌طور اصلاح کنند که این آیین‌نامه باید به تصویب هیئت دولت برسد.

آقای علیزاده - بله، آیین‌نامه را شورای اقتصاد تهیه بکند و هیئت وزیران تصویب کند.^۱

۱. بند (۴) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۸۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۶ شورای نگهبان: «۴- در ماده (۱۵)، در مواردی که معادل فارسی واژگانی نظیر «سواپ» و... وجود دارد ذکر گردد و الا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد. همچنین اطلاق ماده در خصوص تأمین منابع مالی خارجی پس از انقضای تاریخ مذکور در بند (الف) ماده (۸۲) قانون برنامه پنجم توسعه مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، خلاف موازین شرع شناخته شد. به علاوه تبصره (۳) این ماده، از جهت عدم رعایت اصل عدم تضمین بازگشت تعهدات ایجادشده دولت، مغایر اصل (۱۱۲) قانون اساسی است. مضافاً بر این تصویب آیین‌نامه اجرایی بند الحاقی به این ماده از سوی شورای اقتصاد، مغایر اصل (۱۳۸) قانون اساسی شناخته شد.»

منشی جلسه - «ماده ۱۶ - حذف شد.

ماده ۱۷ - ...»

آقای علیزاده - این عباراتی که در این ماده (۱۷) سیاه شده است، چیست؟ ظاهراً هنوز به تصویب نهایی مجلس نرسیده است.

منشی جلسه - بله، البته دیروز کار تصویب این مصوبه در مجلس تمام شد، ولی هنوز برای ما ارسال نشده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، درست است.

آقای علیزاده - خب، ما الآن نمی‌دانیم که ماده (۱۷) مصوب چیست؛ بررسی ادامه‌ی این مصوبه بماند برای بعد.^۱ اساسنامه را بخوانید.

۱. بررسی این مصوبه، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۵ شورای نگهبان ادامه یافته است.

**اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح، شهید رجایی،
شهید سلیمی، آذربایجان، اصفهان، بندرعباس، تهران، خراسان،
رامین، زاهدان، شازند، شاهرود، فارس، لوشان و یزد
(اعاده شده از شورای نگهبان)**

منشی جلسه - دستور اول، مصوبه‌ی هیئت وزیران در مورد (۱۵) شرکت تولید برق مختلف است [که به آنها ایراد مشابهی گرفته بودیم]؛ «اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح، شهید رجایی، شهید سلیمی، آذربایجان، اصفهان، بندرعباس، تهران، خراسان، رامین، زاهدان، شازند، شاهرود، فارس، لوشان و یزد (اعاده شده از شورای نگهبان)».^۱ ایراد شورا به این اساسنامه‌ها [در نظر مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ شورای

۱. اساسنامه شرکت‌های پانزده‌گانه‌ی تولید نیروی برق به شرح عناوین مذکور در فوق، همگی در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به تصویب هیئت وزیران رسیدند و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شدند. این اساسنامه‌ها در خصوص شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح، شهید رجایی، شهید سلیمی، آذربایجان، اصفهان، بندرعباس، تهران، خراسان، رامین، زاهدان، شازند، شاهرود، فارس، لوشان و یزد به ترتیب طی نامه‌های شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۱، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۸ و ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۰، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۰، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۰، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۹، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۲، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۳، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۵، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۸ و ۵۰۳۹۳/۲۵۳۴۰، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۶، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۲، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۴، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۷، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۳، ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۶ همگی به تاریخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شدند. اساسنامه‌های مزبور، در مجموع در دو مرحله بین شورای نگهبان و هیئت وزیران رفت و برگشت داشته‌اند. شورای نگهبان همگی این اساسنامه‌ها را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ بررسی کرد و نظر یکسان خود مبنی بر وجود ابهام در برخی از مفاد این اساسنامه‌ها و مغایرت برخی دیگر از مواد آنها با موازین شرع را به ترتیب طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۱۹، ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۸، ۹۳/۱۰۲/۱۵۲۹، ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۰، ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۴، ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۶، ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۵، ۹۳/۱۰۲/۱۵۴۰، ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۳، ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۷، ۹۳/۱۰۲/۱۵۲۸، ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۲، ۹۳/۱۰۲/۱۵۲۷ و ۹۳/۱۰۲/۱۵۳۱ همگی مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ به هیئت وزیران اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ هیئت وزیران که به صورت یکسان نسبت به این اساسنامه‌ها انجام گرفت، این مصوبات در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ شورای نگهبان بررسی شد و نظر یکسان شورا مبنی بر عدم

نگهبان] این بوده است: «۱- در بند (۴) ماده (۲)،^۱ اطلاق تجویز اخذ وام از جهت شمول نسبت به اخذ وام از منابع خارجی که مستلزم وام ربوی است، خلاف موازین شرع و احکام اولیه شناخته شد.» الآن هیئت وزیران، این ایراد را این طور اصلاح کرده‌اند؛ گفته‌اند: «۱- در بند (۱) ماده (۲)،^۲ عبارت «و پیش فروش انرژی برق» قبل از عبارت «در چارچوب» اضافه می‌شود.» که ظاهراً این قسمت، به ایراد ما ربطی ندارد. در بند (۲) این اصلاحیه می‌گویند: «۲- بند (۴) ماده (۲) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ۴- تأمین منابع مالی لازم، اخذ تسهیلات مالی و اعتباری و عرضه اوراق مشارکت با رعایت موازین قانونی» که این اصلاح، راجع به ایراد ما است.

آقای هاشمی شاهرودی - خوب است.

آقای جنتی - با این اصلاح، شرکت‌ها دیگر تعدی نمی‌کنند؛ چون [قید «با رعایت موازین قانونی» ذکر شده است].

آقای شب‌زنده‌دار - این قید «با رعایت موازین قانونی» اگر به این عبارت آخر، یعنی

→

مغایرت آنها با موازین شرع و قانون اساسی به ترتیب طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۲، ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۴، ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۳، ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۶، ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۸، ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۷، ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۸، ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۹، ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۵، ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۰، ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۴، ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۶، ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۱، ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۵ و ۹۳/۱۰۲/۳۴۵۷ همگی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام شد.

۱. بند (۴) ماده (۲) اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح [و دیگر اساسنامه‌های شرکت تولید نیروی برق] مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ هیئت وزیران: «ماده ۲- شرکت با رعایت مفاد اساسنامه و قوانین مربوط، مجاز به اقدامات زیر می‌باشد:

۱- ...

۴- پیش‌فروش انرژی برق و نیز سایر روش‌های تأمین منابع مالی از منابع داخلی و خارجی، اخذ وام و تسهیلات مالی و اعتباری، عرضه اوراق مشارکت با اخذ مجوز از مراجع قانونی»

۲. بند (۱) ماده (۲) اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح [و دیگر اساسنامه‌های شرکت تولید نیروی برق]، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ هیئت وزیران: «ماده ۲- شرکت با رعایت مفاد اساسنامه و قوانین مربوط، مجاز به اقدامات زیر می‌باشد:

۱- تولید و فروش برق (انرژی و ظرفیت) در چارچوب ضوابط و مقررات ابلاغی وزارت نیرو (از جمله مقررات بازار برق) به اشخاص حقیقی و حقوقی

۲- ...»

«عرضه اوراق مشارکت» برگردد، ایراد دارد. این همان بحثی است [که در اصول فقه وجود دارد و عبارت است از این] که در یک عبارتی که چند جمله ذکر شده است، ولی یک قید آمده است، آیا این قید فقط به عبارت اخیر برمی‌گردد یا به همه جملات برمی‌گردد؟

آقای هاشمی شاهرودی - این قید، به اخذ تسهیلات مالی و اعتباری هم برمی‌گردد؛ همه‌ی عبارات قبلی را در برمی‌گیرد.

آقای مدرسی یزدی - این قرینه است.

آقای شبزنده‌دار - چرا؟ به چه دلیل این را می‌فرمایید؟

آقای مدرسی یزدی - چون آمدن این قید [= قید «با رعایت موازین قانونی»]، معنایش این است که باید در همه‌جا قانون رعایت بشود.

آقای شبزنده‌دار - بله، باید قانون رعایت بشود، ولی این عبارت چه می‌گوید؟

آقای هاشمی شاهرودی - این قید، یک ظهوری دارد که به همه‌ی عبارت قبلی می‌خورد.

آقای اسماعیلی - اینها در پاسخ اشکال ما، [این قید را اضافه کرده‌اند؛ بنابراین همه‌ی عبارت را شامل می‌شود].

آقای شبزنده‌دار - درست است؛ اما فایده ندارد. اگر ما اشکالمان را کنار این اصلاحیه بگذاریم و به مردم بگوییم [که به دلیل این ایراد، این قید اضافه شده است]، بله درست است.

آقای اسماعیلی - قرینه، همین است دیگر. قرینه‌ی منفصله یعنی چه؟

آقای هاشمی شاهرودی - از این رو که رعایت مقررات قانونی در همه چیز لازم است، پس معلوم است که این قید، به همه‌ی عبارت برمی‌گردد.

آقای شبزنده‌دار - رعایت مقررات قانون لازم است؛ اما این عبارت که این را نگفته است.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا؛ مثل این است که شارع چند چیز [به عنوان تکلیف] بگوید و بعد از آن، بگوید این برای کسی است که مکلف است؛ این یعنی همه‌ی آن تکالیف قبلی را شامل می‌شود.

آقای علیزاده - الآن در عرف قضاء و در عرف حقوقی، اگر قیدی مثل این قید «با رعایت موازین قانونی» را این‌گونه در آخر عبارت بیاورند، منظور رعایت قانون برای همه است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، منظور، [بازگشت قید به] همه است.

آقای شب‌زنده‌دار - باید بگویند که در موارد مذکور، قانون رعایت بشود.

آقای مدرسی یزدی - هیچ کس احتمال نمی‌دهد که فقط در این مورد آخری، باید قانون رعایت بشود. آیا کسی چنین احتمالی می‌دهد؟!

آقای هاشمی شاهرودی - بله، درست است.

آقای عزیزاده - و بعد هم، این ایراد ربا قبلاً در مصوبات دیگر هم گرفته شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این ایراد ربا [با این اصلاح به عمل آمده] حل شده است.

آقای جنتی - کجا حل شد؟

آقای هاشمی شاهرودی - خب، با آوردن قید «با رعایت موازین قانونی» حل شده است دیگر. «قانون» جمهوری اسلامی است دیگر. ما که [در جمهوری اسلامی] مُدام نباید «شرع» را در کنار «قانون» بیاوریم.

آقای جنتی - در کجای قانون آمده است که این ربا است؟

آقای مدرسی یزدی - در قانون اساسی.

آقای هاشمی شاهرودی - در قانون اساسی و در قوانین عادی دیگر.

آقای جنتی - پس ما برای چه این ایراد را گرفتیم؟

آقای هاشمی شاهرودی - چون قبلاً این قید «با رعایت موازین قانونی» نیامده بود. الآن وقتی که این قید ذکر شود، مشخص می‌شود [که منظور، اخذ وام و تسهیلات غیر ربوی است]. اگر این قید را نیاوریم، عبارت مطلق است، اما با آوردن قید «با رعایت موازین قانونی»، این عبارت، مقید می‌شود.

آقای اسماعیلی - صریحاً می‌گوید معاملات باطل و حرام کلاً استثنا هستند.

آقای جنتی - اما ایرادی که ما می‌گرفتیم، ایراد شرعی بود.

آقای هاشمی شاهرودی - نه دیگر، با این قید آن اشکال حل شد.

آقای عزیزاده - حالا هر طور که آقایان فقها می‌فرمایند؛ ولی الآن یکی از مواردی که در قانون مجازات ما جرم است، ربا است. الآن در قانون مجازات ما، معاملات ربوی جرم است.^۱

۱. ماده (۵۹۵) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵۹۵- هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکمل و موزون معامله نماید و

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای جنتی - پس ما چرا ایراد شرعی می‌گرفتیم؟ قانون مجازات اسلامی که سر جای خودش است؛ آن قانون را که نسخ نکرده‌اند. ما با وجود آن قانون می‌گفتیم که اشکال شرعی دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - چون مصوبه‌ی اولیه، اطلاق داشت؛ این قید «با رعایت موازین قانونی» در بند (۴) ماده (۲) نبود.

آقای جنتی - [ایرادی که ما از جهت شرعی به امثال این مصوبه می‌گرفتیم،] معنایش این بود که آن قانون مجازات اسلامی برای اینکه جلوی این خلاف شرع [= اخذ تسهیلات و وام ربوی] را بگیرد، کافی نیست.

آقای یزدی - آقایان [اعضای مجمع مشورتی فقهی قم]، نظرشان این بوده است که اطلاق تجویز اخذ وام، مستلزم اخذ وام ربوی است.^۱

→

یا زاید بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید ربا محسوب و جرم شناخته می‌شود. مرتکبین اعم از ربا دهنده، رباگیرنده و واسطه بین آنها، علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردند.

تبصره ۱- در صورت معلوم نبودن صاحب مال، مال مورد ربا از مصادیق اموال مجهول‌المالک بوده و در اختیار ولی فقیه قرار خواهد گرفت.

تبصره ۲- هرگاه ثابت شود ربا دهنده در مقام پرداخت وجه یا مال اضافی مضطر بوده، از مجازات مذکور در این ماده معاف خواهد شد.

تبصره ۳- هرگاه قرارداد مذکور بین پدر و فرزند یا زن و شوهر منعقد شود یا مسلمان از کافر ربا دریافت کند، مشمول مقررات این ماده نخواهد بود.»

۱. «۱- با توجه به اینکه اخذ تسهیلات مالی شامل اخذ وام از خارج می‌شود و در موازین قانونی، قانونی که دال بر حرمت اعطاء ربا به بانک‌های خارجی باشد وجود ندارد، اطلاق تجویز اخذ تسهیلات مالی و ... مستلزم گرفتن وام ربوی بوده و لذا خلاف شرع دانسته شد. البته هر چند ماده (۵۹۵) مجازات اسلامی قرض ربوی را منع نموده است لکن با توجه به قرار دادن مجازات برای طرفین قرض، چه بسا این ماده اختصاص به قراردادهای داخلی داشته باشد و شامل اقراض دولت از خارج نگردد.

۲- قید «رعایت موازین قانونی» از جهت استظهار معلوم نیست که قید تمام موارد ردیف شده می‌باشد و یا اینکه قید خصوص اوراق مشارکت می‌باشد و لذا باید عبارت اصلاح شود.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۲۳۹ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۲، قابل مشاهده در نشانی زیر:

آقای هاشمی شاهرودی - بله، آقایان مجمع فقهی می‌خواستند که جلوی اطلاق اخذ وام را بگیرند که با این قید، گرفتند.

آقای یزدی - ولی وقتی در اساسنامه بگوید که باید با رعایت قانون باشد، یعنی ...

آقای هاشمی شاهرودی - جلوی آن اطلاق گرفته شد دیگر.

آقای جنتی - شما جواب این سؤال را بدهید که چرا وقتی خود قانون، اخذ وام ربوی را منع کرده است، ما چرا چنین اشکالی گرفتیم؟

آقای هاشمی شاهرودی - چون در اینجا عبارت، اطلاق داشت؛ و شاید این اساسنامه می‌خواست آن قانون را نسخ کند. لذا ما می‌گفتیم شاید اطلاقش، آن قانون را نسخ کند. حالا با این قید، دیگر نمی‌تواند نسخ کند. الآن این مصوبه، عیبی ندارد.

آقای یزدی - ما که این ایراد را گرفتیم، معنایش این است که گرفتن وام در این مصوبه، باید با رعایت مقررات شرعی باشد؛ یعنی گرفتن وام باید بدون ربا باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، معنایش این نیست. قبلاً گرفتن وام، اطلاق داشت [و بدین جهت، ما به آن ایراد گرفتیم].

آقای یزدی - ولی حالا آقایان می‌گویند اطلاق گرفتن وام، شامل وام ربوی هم می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاً اشکال شورای نگهبان را ببینید؛ «۱- در بند (۴) ماده (۲)، اطلاق تجویز اخذ وام از جهت شمول نسبت به اخذ وام از منابع خارجی که مستلزم وام ربوی است، خلاف موازین شرع و احکام اولیه شناخته شد.» اصل اشکال شورای نگهبان این بوده است.

آقای علیزاده - بله، یعنی گفته‌ایم هم شامل وام ربوی است و هم وام غیر ربوی.

منشی جلسه - [ایراد بعدی شورای نگهبان به این اساسنامه‌ها هم این بود:] «۲- در تبصره (۲) ماده (۱۹)،^۱ از آنجا که روشن نیست عبارت «بدون اخذ نظر وزیر» همه

۱. تبصره (۲) ماده (۱۹) اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح [و دیگر اساسنامه‌های شرکت تولید نیروی برق] مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ هیئت وزیران: «ماده ۱۹- مجمع عمومی عادی باید سالی یک بار در موقعی که در این اساسنامه پیش‌بینی شده است برای استماع گزارش مدیران، بازرس و یا بازرسان و بررسی و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارایی و مطالبات و دیون تشکیل شود. هرگونه تغییر در مواد اساسنامه با میزان سرمایه شرکت یا انتشار اوراق مشارکت و

موارد مذکور در این تبصره را در برمی‌گیرد یا خیر، ابهام دارد. همچنین این تبصره از این حیث که مشخص نیست آیا موارد مذکور در آن نیاز به تصویب هیئت وزیران دارد یا خیر، واجد ابهام است. به علاوه در این تبصره، تغییر تابعیت شرکت و افزایش تعهدات صاحبان سهام که جزء موارد مربوط به اساسنامه می‌شود، روشن نیست که آیا باید به تصویب هیئت وزیران برسد یا خیر، که از این جهت هم ابهام دارد. مضافاً بر این، تبصره مذکور از این جهت که مشخص نیست آیا موارد مذکور مربوط به زمان دولتی بودن این شرکت است یا به بعد از واگذاری نیز سرایت می‌کند، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهامات مذکور، اظهار نظر خواهد شد.» که الآن این تبصره را به این ترتیب اصلاح کرده‌اند: «۲- تبصره (۲) ماده (۱۹) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تبصره ۲- هیچ یک از مجامع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و با هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید. انحلال شرکت فارغ از مالکیت دولتی و یا غیردولتی، مستلزم تأیید وزارت نیرو می‌باشد.»

آقای شبزنده‌دار - در مجمع مشورتی فقهی گفته شد که به جای «مستلزم»، باید کلمه‌ی «منوط» می‌گفتند.^۱ مستلزم است یعنی چه؟ منوط یا مشروط است، صحیح است. حالا تذکر داده شود تا این کلمه را عوض کنند.

آقای جنتی - اشکال تعبیری است.

آقای شبزنده‌دار - خب تذکر دادن که عیبی ندارد.

آقای علیزاده - اگر ایراد بگیریم، باید دوباره اساسنامه را به شورای نگهبان بفرستند.

→

یا انحلال شرکت منحصرأ در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده است. ...

تبصره ۲- هیچ یک از مجامع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد و با هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید و یا نسبت به تغییر اساسنامه و انحلال شرکت، بدون اخذ نظر وزیر نیرو اقدام نماید.»

۱. «تعبیر به «مستلزم تأیید وزارت نیرو» گویا نمی‌باشد و مناسب است این‌گونه اصلاح شود که «منوط به تأیید وزارت نیرو» می‌باشد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۲۳۹ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۲، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/O3j6c

حالا اگر به این مصوبه، ایرادی گرفتیم، این تذکر را هم می نویسم، اما اگر ایراد نگیرفتم [دیگر تذکر نمی دهیم].

آقای مدرسی یزدی - ایرادی ندارد. انحلال شرکت هم لازمه ای دارد که آن لازمه اش ملازمه دارد.

آقای علیزاده - یعنی اگر وزیر اجازه ندهد، نمی توانند [شرکت را منحل کنند].

منشی جلسه - ایراد بعدی شورای نگهبان این بوده است: «۳- بند (۱۱) ماده (۴۷)»^۱ از این جهت که مشخص نیست عبارت «هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی)»، آیا شامل مواردی می شود که مطابق فتوای مقام معظم رهبری «مدظله العالی» وجه شرعی ندارد را نیز در برمی گیرد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» که درباره ی این ایراد شورا هم، عبارت «با رعایت موازین قانونی» را اضافه کرده اند: «۳- بندهای (۱۱) و (۱۶) ماده (۴۷) به شرح زیر اصلاح می شود:

۱۱- واگذاری یا تحصیل هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی) با رعایت موازین قانونی

۱۶- ...»

آقای مدرسی یزدی - این موضوع، واقعاً معلوم نیست که در قانون آمده باشد.

آقای ابراهیمیان - الآن قانون مربوط به سرقفلی [= قانون روابط موجر و مستأجر] را داریم که مصوب ۱۳۷۶ است.

آقای جنتی - ما گفتیم که سرقفلی خلاف فتوای مقام معظم رهبری است، این را

۱. بند (۱۱) ماده (۴۷) اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح [و دیگر اساسنامه های شرکت تولید نیروی برق]، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ هیئت وزیران: «ماده ۴۷- هیئت مدیره دارای اختیارات لازم برای هرگونه اقدام به نام شرکت و انجام هر نوع عملیات و معاملات مربوط به موضوع شرکت و اتخاذ تصمیم درباره مواردی که صریحاً در صلاحیت مجامع عمومی قرار نگرفته است می باشد، مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. اختیارات و وظایف هیئت مدیره از جمله موارد زیر می باشد:

۱- ...

۱۱- واگذاری یا تحصیل هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی)»

چگونه حل بکنیم؟

آقای ابراهیمیان - آنجا مفهومی از سرقتی که مطابق فتوای رهبری است در قانون سال ۱۳۷۶ آمد.

آقای شبزنده‌دار - خود مقام معظم رهبری در استفتائاتشان فرموده‌اند، آنچه که مطابق قوانین باشد، اشکالی ندارد و لذا است که در اینجا، مجمع مشورتی فقهی نوشته‌اند که به خاطر این فرمایش ایشان، اشکال رفع شده است.^۱

آقای عزیزاده - بله، «آقا» [= مقام معظم رهبری] خودشان فرموده‌اند که باید مطابق با قوانین باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، اشکال رفع شده است.

منشی جلسه - [ایراد بعدی شورای نگهبان این بوده است: «۴- از ذیل بند (۱۶) ماده (۴۷)،^۲ نوعی تناقض و تهاافت استفاده می‌شود؛ زیرا استقراض غیر از مشارکت است، فلذا عبارت استقراض به وسیله انتشار اوراق مشارکت خالی از تهاافت نیست و اگر به تأمین منابع مالی اصلاح گردد، مشکل رفع می‌شود.» که هیئت

۱. «با توجه به اینکه مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی» در دو صورت (یعنی در فرضی که سرقتی بر وجه شرعی به مستأجر منتقل شده باشد و یا به مقتضای قانون برای او ثابت شده باشد) را جایز می‌دانند و لذا اضافه نمودن «با رعایت موازین قانونی» مطابق نظر مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی» (رساله اجوبه الاستفتائات، ج ۲، ص ۲۱۷، سؤال ۵۸۲ و ۵۸۳ و ۵۸۷) بوده و اشکال شورای محترم نگهبان را در مورد ابهام رفع می‌نماید.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۲۳۹ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۲، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/O3j6c

۲. بند (۱۶) ماده (۴۷) اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح [و دیگر اساسنامه‌های شرکت تولید نیروی برق]، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ هیئت وزیران: «ماده ۴۷- هیئت مدیره دارای اختیارات لازم برای هرگونه اقدام به نام شرکت و انجام هر نوع عملیات و معاملات مربوط به موضوع شرکت و اتخاذ تصمیم درباره مواردی که صریحاً در صلاحیت مجامع عمومی قرار نگرفته است می‌باشد، مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. اختیارات و وظایف هیئت مدیره از جمله موارد زیر می‌باشد:

۱- ...

۱۶- تحویل تسهیلات از بانک‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات رسمی و درخواست و اخذ هر نوع استقراض به هر مبلغ و به هر مدت و به هر میزان و سود کارمزد و یا هرگونه شرایطی که مقتضی باشد، با رعایت مقررات ماده (۲) این اساسنامه و استقراض به وسیله انتشار اوراق مشارکت، منوط به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده خواهد بود.»

وزیران در اینجا این بند را هم به این صورت اصلاح کرده است؛ گفته‌اند: «۳- بندهای (۱۱) و (۱۶) ماده (۴۷) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

... ۱۱-

۱۶- تحصیل تسهیلات از بانک‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات رسمی و درخواست هر نوع تأمین مالی به هر مبلغ و به هر مدت و به هر میزان و سود کارمزد و یا هرگونه شرایطی که مقتضی باشد با رعایت مقررات ماده (۲) این اساسنامه^۱ و تأمین مالی به وسیله انتشار اوراق مشارکت با رعایت موازین قانونی.»

آقای علیزاده - این اصلاحات، مربوط به اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح است که ظاهراً آقایان اعضا آن را خلاف شرع و قانون اساسی ندانستند.

۱. ماده (۲) اساسنامه شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح [و دیگر اساسنامه‌های شرکت تولید نیروی برق]: «ماده ۲- شرکت با رعایت مفاد اساسنامه و قوانین مربوط مجاز به اقدامات زیر می‌باشد:

۱- تولید و فروش برق (انرژی و ظرفیت) در چارچوب ضوابط و مقررات ابلاغی وزارت نیرو (از جمله مقررات بازار برق) به اشخاص حقیقی و حقوقی

۲- انجام اقدامات لازم به منظور ارتقای بهره‌وری، بهینه‌سازی و توسعه ظرفیت نیروگاه (های) تحت مالکیت

۳- برون‌سپاری عملیات اجرایی رقابت‌پذیر (اعم از بهره‌برداری، تعمیر و نگهداری، توسعه و بهینه‌سازی تأسیسات)

۴- پیش‌فروش انرژی برق و نیز سایر روش‌های تأمین مالی از منابع داخلی و خارجی، اخذ وام و تسهیلات مالی و اعتباری، عرضه اوراق مشارکت با اخذ مجوز از مراجع قانونی

۵- سرمایه‌گذاری و مشارکت در احداث و خرید نیروگاه با اخذ مجوز از مراجع قانونی

۶- تهیه و تأمین ابزار، ماشین‌آلات و تجهیزات و مواد مصرفی مورد نیاز در زمینه فعالیت شرکت

۷- همکاری و مشارکت با سایر شرکت‌ها و مؤسسات در جهت تحقق موضوع فعالیت شرکت

۸- مبادرت به سایر فعالیت‌هایی که مستقیم با موضوع فعالیت شرکت (تولید نیروی برق) مرتبط باشد.

تبصره ۱- شرکت در فعالیت‌های مربوط به تولید و فروش انرژی برق ملزم به رعایت قوانین و نیز مقررات مصوب وزارت نیرو و همچنین مقررات ناظر بر بازار برق می‌باشد و موظف است تمامی ظرفیت آماده تولید برق خود را عرضه نماید و تعمیرات دوره‌ای واحدهای نیروگاهی را با اخذ مجوز از مدیریت شبکه به انجام رساند.

تبصره ۲- مادام که شرکت با رعایت قوانین، دولتی است مجاز به ایجاد شرکت، مؤسسات تجاری و غیرتجاری و نیز سرمایه‌گذاری و مشارکت در سایر شرکت‌ها و اداره اشخاص حقوقی دیگر و پذیرش نمایندگی آنها و قبول سهام سایر شرکت‌ها و مؤسسات به صورت هبه، صلح معوض و غیرمعوض و یا قود دیگر نمی‌باشد.»

اصلاحیه‌ی بقیه‌ی اساسنامه‌ها هم عین همین اساسنامه است؟

منشی جلسه - بله، عین همین است.

آقای عزیزاده - خب، این اساسنامه‌ها را بدهید تا یکی یکی اسم آنها را بخوانم. حضرات آقایان، ایراداتی که قبلاً گرفته بودیم مربوط به اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح، شهید سلیمی، شهید رجایی، شازند، لوشان، شاهرود، یزد، اصفهان، آذربایجان، بندرعباس، تهران بوده است. همین‌طور اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق خراسان، زاهدان، فارس و رامین. همه‌ی این اساسنامه‌ها همین اشکال را داشتند و همه هم به همین طریق اصلاح شده‌اند. حضرات آقایان، اگر با توجه به این اصلاحیه‌ها اشکالی دارند، بفرمایند. پس می‌فرمایید با توجه به اینکه در آن مورد [= در مورد اساسنامه‌ی شرکت تولید نیروی برق شهید مفتاح] مغایرتی وجود نداشت، بنابراین در سایر اساسنامه‌ها هم همه‌ی اشکالات شورا رفع شده است.^۱

۱. نظر مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ شورای نگهبان در خصوص اساسنامه شرکت‌های توزیع نیروی برق*: «عطف به نامه شماره مورخ ۱۳۹۳/۹/۹ و پیرو نامه شماره مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵، اساسنامه شرکت تولید نیروی برق که با اصلاحاتی در جلسه مورخ بیست و هفتم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه به تصویب هیئت وزیران رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

* با توجه به یکسان بودن نظر شورای نگهبان نسبت به مفاد اصلاحیه‌ی اساسنامه‌های پانزده‌گانه مربوط به توزیع نیروی برق مصوب ۱۳۹۳/۷/۲۷ هیئت وزیران، در اینجا صرفاً متن نظر شورا در خصوص این اساسنامه‌ها، بدون ذکر عنوان اساسنامه، شماره مصوبه‌ی هیئت وزیران و شماره‌ی نظر شورای نگهبان ذکر شده است. اطلاعات مربوط به شماره نامه‌های مزبور، در شناسنامه‌ی ابتدایی که در ابتدای مشروح مذاکرات مربوط به این مصوبه آمده، ذکر شده است.

اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران توانیر (اعاده شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - دستور بعدی، «اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر) (اعاده شده از شورای نگهبان)» است.

ایراد شورا [در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۱۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴ به این مصوبه]، این بوده است: «استناد به ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۲۱۳۷۷ در خصوص مورد موجه نمی‌باشد؛ زیرا اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر)، مصوبه مجلس است و تصویب اساسنامه آن مطابق اصل (۸۵) قانون اساسی به دولت واگذار نگردیده است؛

۱. اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر) در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۷ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، تا کنون در سه مرحله بین شورای نگهبان و هیئت وزیران رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ و در مرحله‌ی دوم در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ و ۱۳۹۴/۱/۱۹ و در مرحله‌ی سوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۵/۷ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت این مصوبه با اصل (۸۵) قانون اساسی را طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۱۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴، ۹۴/۱۰۲/۳۵۳ مورخ ۱۳۹۴/۲/۷ و ۹۴/۱۰۲/۲۱۳۹ مورخ ۱۳۹۴/۵/۱۰ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۲. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «موضوع استفساریه: آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، بر عهده هیئت وزیران می‌باشد؟ نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود، با هیئت وزیران است.»

بنابراین مصوبه از شمول ماده واحده مرقوم، خارج است، اصلاح آن توسط دولت مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی می‌باشد.» الآن هیئت وزیران در پاسخ به نظر ما، به این نحو پاسخ داده است: «بازگشت به نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۱۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴ در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر)، با عنایت به اینکه اساسنامه شرکت مذکور به استناد ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۹-^۱ به تصویب هیئت وزیران رسیده و پس از تأیید شورای نگهبان به شماره ۸۱/۳۰/۲۲۳۱ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۹، طی

۱. ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی (اصلاحی ۱۳۸۱/۴/۳): «ماده ۴- به منظور ساماندهی و استفاده مطلوب از امکانات شرکت‌های دولتی و افزایش بازدهی و بهره‌وری و اداره مطلوب شرکت‌هایی که ضروری است در بخش دولتی باقی بمانند و نیز فراهم کردن زمینه واگذاری شرکت‌هایی که ادامه فعالیت آنها در بخش دولتی غیر ضروری است به بخش غیر دولتی، به دولت اجازه داده می‌شود نسبت به واگذاری، انحلال، ادغام و تجدید سازمان شرکت‌های دولتی، اصلاح و تصویب اساسنامه شرکت‌ها، تصویب آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی، تصویب آیین‌نامه‌های استخدامی و بیمه، با رعایت مقررات و قوانین مربوط و جابه‌جایی و انتقال وظایف، نیروی انسانی، سهام و دارایی‌های شرکت‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به آنها، با رعایت موارد ذیل اقدام کند:

الف- کلیه امور مربوط به سیاست‌گذاری و اعمال وظایف حاکمیت دولت از شرکت‌های دولتی منفک و به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی تخصصی ذی‌ربط محول می‌گردد.

ب- شرکت‌های دولتی حداکثر تا پایان سال چهارم برنامه در قالب شرکت‌های مادر تخصصی سازماندهی شده و زیر نظر مجمع عمومی در چارچوب اساسنامه شرکت اداره خواهند شد. این گونه شرکت‌ها از نظر سیاست‌ها و برنامه‌های بخشی تابع ضوابط و مقررات وزارتخانه‌های تخصصی مربوطه خواهند بود. حق مالکیت دولت در این گونه شرکت‌ها (به استثناء شرکت‌هایی که ریاست مجمع آنها با رئیس جمهور است) از طریق وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان مالکیت شرکت‌های دولتی که به استناد این قانون زیر نظر رئیس جمهور تشکیل خواهد شد (به تشخیص دولت) اعمال خواهد شد. دولت مکلف است نسبت به اصلاح اساسنامه این گروه شرکت‌ها به نحو مقتضی اقدام قانونی نماید. بار مالی احتمالی تشکیل سازمان مذکور از ردیف‌های متمرکز در اختیار رئیس جمهور تأمین می‌گردد. کلیه شرکت‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام بوده و یا دارای قانون خاص هستند، مشمول این ماده می‌باشند.

تبصره ۱- تشکیل شرکت‌های دولتی صرفاً با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز است.

تبصره ۲- ...»

تصویب نامه شماره ۵۲۸۴۱/ت/۲۷۲۴۰ هـ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۸ ابلاغ گردیده است، لذا اصلاح آن نیز به موجب ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷- در اختیار دولت است. لازم به ذکر است اساسنامه مذکور طی تصویب نامه شماره ۱۲۷۲۰/ت/۳۰۰۷ هـ مورخ ۱۳۸۳/۳/۳۰ اصلاح و طی نامه شماره ۸۳/۳۰/۷۵۵۱ مورخ ۱۳۸۳/۳/۱۶ به تأیید آن شورای محترم رسیده است.^۱

آقای مدرسی یزدی - چنین چیزی درست است؟

آقای شبزنده‌دار - این موضوع باید بررسی شود.

آقای رهپیک - مجلس به این اساسنامه‌ی مصوب هیئت وزیران ایراد گرفته است. بعد در سال ۱۳۷۹ خود هیئت وزیران دوباره مصوبه‌ای در این خصوص داشته است که مجلس دوباره به آن مصوبه هم اعتراض کرده است. لذا هیئت وزیران آن اساسنامه را لغو کرده است.

آقای اسماعیلی - لازم است این نامه‌ی هیئت وزیران، یک بررسی مجددی بشود.

آقای علیزاده - بله، باید بررسی شود. به نظرم، این موضوع را مرکز تحقیقات [= مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده‌ی شورای نگهبان)] بررسی کند. همه‌ی این مستندات و سوابق را در گزارششان بیاورند تا ببینیم نتیجه‌اش، چه می‌شود.^۲

۱. نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۱۰۳۶۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۹/۹ معاون اول رئیس جمهور خطاب به شورای نگهبان.

۲. بررسی این مصوبه، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۱/۱۹ شورای نگهبان ادامه یافته است.

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران (اعاده شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - دستور بعدی «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران (اعاده شده از شورای نگهبان)»^۱ است. ایراد شورای نگهبان [در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۰۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴] این طور بوده است: «نظر به اینکه اطلاق بند (۱۰) ماده (۷)،^۲ مبنی بر اجازه اخذ وام از منابع خارجی مستلزم تجویز اخذ وام نیز ربوی بوده، خلاف احکام اولیه شرع می باشد. همچنین عبارت «سایر روش های تأمین منابع مالی» چون شامل معاملات ربوی هم می گردد، خلاف موازین شرع شناخته شد.» که الآن هیئت وزیران، این ایراد را این طور اصلاح کرده است: «متن زیر جایگزین بند (۱۰) ماده (۷) می شود:

۱۰- اخذ هرگونه تسهیلات مالی، عرضه اوراق مشارکت و سایر روش های تأمین منابع مالی با رعایت موازین قانونی»

آقای علیزاده - بسیار خب، آقایان فقها می فرمایند که این اصلاحیه اشکالی ندارد.^۳

۱. اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به تصویب هیئت وزیران رسید. هیئت وزیران در این اصلاحیه، علاوه بر تغییر در برخی مواد اساسنامه، نام شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران را نیز به «شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی» تغییر داد. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۲۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در دو مرحله بین شورای نگهبان و هیئت وزیران رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله اول رسیدگی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع را طی نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۰۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴ به هیئت وزیران اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ هیئت وزیران، این مصوبه در مرحله دوم رسیدگی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۳ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام شد.

۲. بند (۱۰) ماده (۷) اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ هیئت وزیران: «ماده ۷- موارد زیر از وظایف شرکت می باشد:

۱- ...

۱۰- اخذ هرگونه وام و تسهیلات مالی از منابع داخلی و خارجی از طریق انتشار اوراق مشارکت و یا سایر روش های تأمین منابع مالی با اخذ مجوز از مراجع قانونی ذی ربط»

۳. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۴۳ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی مادر تخصصی مدیریت و ساخت و تهیه کالای آب و برق (ساتکاب) (اعاده شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - «اصلاح اساسنامه شرکت سهامی مادر تخصصی مدیریت و ساخت و

تهیه کالای آب و برق (ساتکاب) (اعاده شده از شورای نگهبان)»^۱

[ایراد شورای نگهبان در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۰۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴ به این مصوبه، چنین بوده است:] «نظر به اینکه اطلاق بند (۱۰) ماده (۷)،^۲ مبنی بر اجازه اخذ وام از منابع

→

۵۰۳۹۳/۱۰۳۶۱۴ مورخ ۱۳۹۳/۹/۹ و پیرو نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۰۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴، اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان توسعه برق ایران که با اصلاحاتی در جلسه مورخ بیست و هفتم مهرماه یکهزار و سیصد و نود و سه به تصویب هیئت وزیران رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

۱. اصلاح اساسنامه شرکت سهامی مادر تخصصی مدیریت ساخت و تهیه کالای آب و برق (ساتکاب) در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به تصویب هیئت وزیران رسید. بر اساس این اصلاحیه، هیئت وزیران علاوه بر تغییر در محتوای اساسنامه‌ی این شرکت، نام آن را نیز به «شرکت مادر تخصصی توزیع نیروی برق» تغییر داد و بدین ترتیب، در واقع، اساسنامه‌ی شرکت مادر تخصصی توزیع نیروی برق را به تصویب رساند. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۰۳۹۳/۲۵۳۳۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، تا کنون در سه مرحله بین شورای نگهبان و هیئت وزیران رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، در مرحله‌ی دوم در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ و ۱۳۹۴/۱/۱۹ و در مرحله‌ی سوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۵/۷ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به ترتیب طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۰۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴، ۹۴/۱۰۲/۳۵۲ مورخ ۱۳۹۴/۲/۷ و ۹۴/۱۰۲/۲۱۳۸ مورخ ۱۳۹۴/۵/۱۰ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۲. بند (۱۰) ماده (۷) اصلاح اساسنامه شرکت سهامی مادر تخصصی مدیریت ساخت و تهیه کالای آب و برق (ساتکاب) مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ هیئت وزیران: «ماده ۷- موارد زیر از وظایف شرکت می‌باشد:

۱- ...

۱- اخذ هرگونه وام و تسهیلات مالی از منابع داخلی و خارجی از طریق انتشار اوراق مشارکت و

یا سایر روش‌های تأمین مالی با اخذ مجوز از مراجع قانونی ذی‌ربط»

خارجی مستلزم تجویز اخذ وام ربوی نیز بوده، خلاف احکام اولیه شرع می‌باشد. همچنین عبارت «سایر روش‌های تأمین منابع مالی» چون شامل معاملات ربوی هم می‌گردد، خلاف موازین شرع شناخته شد. ایراد دیگر شورا هم این بوده است: «همچنین استناد به ماده واحده در ابتدای مصوبه، موجه نمی‌باشد.» که الآن برای رفع این ایراد دوم، مقدمه‌ی اساسنامه را به این ترتیب اصلاح کرده‌اند؛ گفته‌اند: «۱- در مقدمه اساسنامه، عبارت «و ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷»^۱ حذف می‌شود.»

آقای عزیزاده - یعنی مستند قانونی‌شان را حذف کرده‌اند؟!

آقای طحان‌نظیف (منشی) - بله، این عبارتی که خوانده شد، حذف شده است. برای رفع ایراد اول شورا هم، به بند (۷) ماده (۱۰)، قید «با رعایت موازین قانونی» را اضافه کرده‌اند؛ گفته‌اند: «متن زیر جایگزین بند (۱۰) ماده (۷) می‌شود:

۱- اخذ هرگونه تسهیلات مالی، عرضه اوراق مشارکت و سایر روش‌های تأمین منابع مالی با رعایت موازین قانونی.»

آقای ابراهیمیان - این اصلاحیه‌ی اساسنامه‌ی ساتکاب هم یک بحثی دارد؛ چون قبلاً یکی دو بار این شرکت ساتکاب را منحل کرده‌اند و دوباره آن را احیا کرده‌اند.

آقای عزیزاده - شما [= آقای ره‌پیک] این موضوع را [در مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)] بررسی بفرمایید و نظرتان را در خصوص این مصوبه به ما بدهید. پس بررسی اساسنامه‌ی ساتکاب بماند برای بعد.^۲

۱. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰ مجلس شورای اسلامی: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است یا اصلاح اساسنامه که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، بر عهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است؛ چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود، با هیئت وزیران است.»

۲. بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۱/۱۹ شورای نگهبان ادامه یافته است.

اصلاح اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی

منشی جلسه - «اصلاح اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی»^۱

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۶ به پیشنهاد شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری و به استناد تبصره (۳) ماده (۵) قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات - مصوب ۱۳۸۹-^۲ تصویب کرد: اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی موضوع تصویب‌نامه شماره ۵/۰۲۹۸/ت

۱. اصلاح اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۱۶ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۱۲۵۶/۱۱۲۸۶۰ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۶، به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در دو مرحله بین شورای نگهبان و هیئت وزیران رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت این مصوبه با اصل (۱۵) قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۶۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ به هیئت وزیران اعلام کرد. در نهایت با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۶ هیئت وزیران، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی ۱۳۹۴/۱/۱۹ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۴/۱۰۲/۱۹۷ مورخ ۱۳۹۴/۱/۲۵ به هیئت وزیران اعلام شد.

۲. تبصره (۳) ماده (۵) قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات مصوب ۱۳۸۹/۸/۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵- به منظور کمک به تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات و شکوفاسازی و کاربردی نمودن دانش فنی از طریق ارائه کمک و تسهیلات قرض‌الحسنه و تسهیلات بدون اخذ هرگونه تضمین و مشارکت با اختیار بخشش تمام یا بخشی از سهم مشارکت به شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان، صندوقی تحت عنوان صندوق نوآوری و شکوفایی وابسته به شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری و زیر نظر رئیس شورا تأسیس می‌شود. منابع مالی صندوق شامل کمک‌های دولت، اعتبارات مندرج در بودجه سالانه، هرگونه کمک و سرمایه‌گذاری اشخاص حقیقی و حقوقی و شرکت‌های دولتی وابسته و تابع، نهادهای عمومی غیردولتی و شهرداری‌ها و شرکت‌های وابسته و تابع می‌باشد. بانک‌ها نیز می‌توانند بخشی از منابع تسهیلات موضوع صندوق یادشده را تأمین نمایند. به منظور تأمین منابع مالی صندوق، دولت موظف است از سال سوم به بعد در لایحه بودجه، حداقل نیم درصد (۰/۵٪) از منابع بودجه عمومی خود را جهت کمک به این صندوق در نظر بگیرد.

تیره ۱- ...

تبصره ۳- اساسنامه این صندوق، شامل ارکان، وظایف، اختیارات، نحوه فعالیت، مدیریت و نظارت بر صندوق در چهارچوب این قانون توسط شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

۴۶۴۲۸ هـ مورخ ۱۳۹۱/۳/۱۶ و اصلاحات بعدی به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- در بند (۳) ماده (۳)،^۱ عبارت «بازار و» قبل و عبارت «فنی»، بعد از واژه «وضعیت» و عبارت «و طرح‌های آنها» بعد از عبارت «دانش‌بنیان» اضافه و همچنین عبارت «مالی - اقتصادی» جایگزین عبارت «مالی و اقتصادی» می‌گردد.

آقای عزیزاده - به نظرم، این مورد اشکالی ندارد.

آقای اسماعیلی - بله، چیزی نیست.

منشی جلسه - من متن اولیه را خدمتان عرض می‌کنم. خود ماده (۳) این است: «ماده ۳- موضوع فعالیت صندوق به شرح زیر تعیین می‌شود: ...» که بند (۳) آن، به این صورت بوده است: «۳- بررسی وضعیت مالی و اقتصادی شرکت‌ها و مؤسسه‌های دانش‌بنیان به منظور اعطای تسهیلات».

آقای عزیزاده - این، اشکالی ندارد.

منشی جلسه - در بند اصلاحی بعدی گفته‌اند: «۲- در انتهای بند (۱۱) ماده (۳)،^۲ عبارت «به منظور حفظ ارزش سرمایه صندوق» حذف می‌گردد.» که با حذف این عبارت، بند (۱۱) ماده (۳) چنین می‌شود: «۱۱- مدیریت بهینه منابع در اختیار».

در بند (۳) هم گفته‌اند: «۳- در تبصره ماده (۱۳)،^۳ واژه «غیر پرسنلی» بعد از واژه

۱. بند (۳) ماده (۳) اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی مصوب ۱۳۹۱/۲/۱۳ هیئت وزیران: «ماده ۳- موضوع فعالیت صندوق به شرح زیر تعیین می‌شود: ...»

۲- بررسی وضعیت مالی و اقتصادی شرکت‌ها و مؤسسه‌های دانش‌بنیان به منظور اعطای تسهیلات»

۲. بند (۱۱) ماده (۳) اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی مصوب ۱۳۹۱/۲/۱۳ هیئت وزیران: «ماده ۳- موضوع فعالیت صندوق به شرح زیر تعیین می‌شود: ...»

۱۱- مدیریت بهینه منابع در اختیار، به منظور حفظ ارزش سرمایه صندوق»

۳. تبصره‌ی ماده (۱۳) اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی مصوب ۱۳۹۱/۲/۱۳ هیئت وزیران: «ماده ۱۳- ...»

تبصره- اسناد و اوراق مالی و اسناد تعهدآور و قراردادهای صندوق باید به امضای رئیس هیئت عامل و یکی از اعضای هیئت عامل و مهر صندوق برسد و سایر مکاتبات با امضای رئیس هیئت عامل خواهد بود.»

«قراردادهای» اضافه و عبارت «و سایر مکاتبات با امضای رئیس هیئت عامل خواهد بود» حذف می‌گردد. یعنی متن تبصره‌ی اصلاحی چنین می‌شود: «تبصره - اسناد و اوراق مالی و اسناد تعهدآور قراردادهای غیر پرسنلی صندوق باید به امضای رئیس هیئت عامل و یکی از اعضای هیئت عامل و مهر صندوق برسد.»

آقای علیزاده - یعنی گفته‌اند در قراردادهای غیر پرسنلی، کارها باید به این طریق انجام شود.

آقای مدرسی یزدی - در اینجا، لفظ «پرسنلی»، مغایر با اصل (۱۵) است. در تبصره‌ی ماده (۱۳) که گفته است واژه‌ی «غیر پرسنلی» بعد از واژه‌ی «قراردادهای» اضافه می‌شود، این کلمه‌ی «غیر پرسنلی» اجنبی است. معادل «پرسنل» چه واژه‌ای باید بگذارند؟

آقای رهپیک - می‌توانند بگویند «کارمندان».

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، این لفظ ایراد دارد.

آقای علیزاده - بفرمایید که در اینجا، معادل فارسی واژه‌ی «پرسنلی» ذکر شود.

منشی جلسه - حاج آقا، این مورد «تذکر» نیست؟

آقای مدرسی یزدی - نه، این ایراد قانون اساسی دارد.

آقای علیزاده - ایراد است دیگر.

آقای جنتی - خلاف اصل (۱۵) قانون اساسی است.

آقای علیزاده - بله، خلاف اصل (۱۵) قانون اساسی است.^۱

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۴۶۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۱۲۵۶/۱۱۲۸۶۰ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۶، اصلاح اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی مصوب جلسه مورخ شانزدهم آذرماه یکهزار و سیصد و نود و سه هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

- در تبصره ماده (۱۳)، معادل فارسی واژه «پرسنلی» ذکر گردد و آلا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی است.»

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی

در دیدار با اعضای شورای نگهبان (۱۳۹۲/۸/۸)

«یکی از چیزهایی که شاید بنده قبلاً هم عرض کرده‌ام... انتشاره‌اکرات شوراست. این خیلی چیز خوبی است... فرض بفرمایید در قانون مجازات ماده چندم این قانون، ممکن است دو نظر مخالف یا سه نظر مخالف وجود داشته باشد. خیلی خوب است که در انتشاره‌اکرات، این نظرات مخالف ذکر شود... یعنی این می‌شود یک مستندی، این یک سبانه‌ای است. این سوابق مهم است. اینکه مثلاً شورای نگهبان بتواند در سال هزار و چهارصد و فلان بگوید که این حکم و این بنا مثلاً در نگاه سال پیش در شورای نگهبان بحث شد و این حرف‌ها گفته شد و این نظر از بحث‌ها در آمد، خود این یک مستند و یک پشتوانه تقویت علمی است برای آرای شورا. بنابراین انتشاره‌اکرات هم به نظر من خیلی خوب است.»



پژوهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،

کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵

تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir